

## فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی

فصلنامه علمی تخصصی باستان‌شناسی، شماره ۲۳، سال ششم، تابستان ۱۴۰۱ خورشیدی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب‌اله محمودیان

سر‌دبیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

ویراستار فارسی: مهندس علی محمدنیاکان

مدیر امور فنی و رسانه: مهندس امید محمودیان

مترجم انگلیسی: دکتر پریسا پورمحمدی

صفحه آرا: معصومه صفایی‌نیا

شماره پروانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو، ایلام

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بها: ۱۲۰ هزار تومان



### اعضای هیئت تحریریه:

دکتر شاهین حیدری استاد دانشگاه تهران

دکتر حاجی کریمی استاد دانشگاه ایلام

دکتر غلامحسین کریمی دوستان استاد دانشگاه تهران

دکتر سیاوش یاری دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه ایلام

دکتر رضا خانی دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه ایلام

دکتر کرم ادیبی فراز دانشگاه متروپولیتین ایالت دنور امریکا

دکتر محسن توکلی دانشیار دانشگاه ایلام

دکتر لیلی نیاکان استادیار گروه باستان شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی

دکتر لیلا خسروی استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه میراث فرهنگی

دکتر فرنگیس درویشی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کازرون

دکتر علی خاکی استادیار دانشگاه فرهنگیان

دکتر ابراهیم مرادی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

دکتر خداکرم مظاهری استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

دکتر پریسا پورمحمدی مدرس دانشگاه هنر شیراز

## ویژگی‌های کلی مقاله

- مقاله باید نتیجه تحقیقات نویسنده / نویسندگان باشد.
- نباید در نشریه دیگری منتشر شده باشد.
- انتشار مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه فصلنامه است.
- مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده نویسنده / نویسندگان است.
- مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.
- نام کامل نویسنده، مرتبه علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته تحصیلی و شماره تلفن نویسنده در صفحه جداگانه‌ای ضمیمه شود.
- ارسال مقاله از طریق سامانه یا پست الکترونیک فصلنامه مطالعات ایلام شناسی امکان‌پذیر است.
- ساختار مقاله:** مقاله باید دارای چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، منابع و چکیده انگلیسی باشد.
- عنوان:** نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.
- مشخصات نویسنده:** شامل نام و نام‌خانوادگی، مرتبه علمی، رشته تحصیلی، دانشگاه محل تدریس و یا تحصیل وی باشد.
- چکیده:** شرح جامعی از مقاله با واژه‌های محدود شامل: بیان مسئله، هدف، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش. در ضمن، چکیده مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.
- واژگان کلیدی:** شامل ۴ تا ۷ واژه تخصصی باشد.
- مقدمه:** شامل طرح مسئله اصلی و هدف پژوهش است. در این بخش به اجمال سوابق پژوهشی در حیطه مسئله مورد نظر مطرح شود.
- متن اصلی:** شامل متن اصلی مقاله است و می‌تواند با جدول، تصویر و نمودار و ... همراه باشد.
- نتیجه‌گیری:** شامل خلاصه و نتیجه‌گیری است.
- پی‌نوشت:** توضیحات ضروری که پس از نتیجه‌گیری می‌آید.
- منابع و مآخذ:** فهرست‌نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه نامه مجله.
- چکیده انگلیسی:** چکیده انگلیسی عیناً ترجمه چکیده فارسی باشد.

**شیوه تنظیم متن:** مقاله با قلم (فونت) B zar و اندازه ۱۳، فاصله بین خطوط ۱۵، ۱ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه‌های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پرانتز، شعرها و هر مطلبی که درون پرانتز بیاید، باید با اندازه ۱۱ نوشته شود.

نقل قول‌های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با همان قلم، ولی با اندازه ۱۱ نوشته شود.  
**شیوه ارجاع به منابع:** ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند. ارجاع داخل متن شامل: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره صفحه یا صفحات. مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith1999: 33).

**ارجاع به اسناد تاریخی:** عنوان سند، شماره طبقه‌بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب.  
**ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی:** نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.  
**ارجاع به مقاله:** نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره صفحات مقاله.

**ارجاع به پایان‌نامه:** نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پرانتز)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده محل تحصیل.

**ارجاع به سایت‌های اینترنتی:** نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پرانتز)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می‌شود، همان منابعی باشند که در داخل متن استفاده شده است. عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود.

**توجه:** تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داوری خواهند شد.

## فهرست مقالات

صفحه	عنوان
.....	بررسی باستان شناختی استقرار های پیش ایلامی دردشت های.....
۶.....	حاشیه غرب زاگرس دکتر حبیب اله محمودیان.....
.....	گاهان، کهن ترین سروده های زرتشت با خوانشی روان.....
۵۰.....	دکتر حسین اعظمی ، دکتر پریسا پورمحمدی.....
.....	مطالعات متالورژی بر روی اشیاء به دست آمده از محوطه باستانی.....
۹۵.....	کال نِسار AI و C دکتر خداکرم مظاهری ایرج فدائیان.....
.....	بازتاب تحولات تاریخی-اجتماعی در تطور زیارتگاه های عشایری.....
۱۱۷.....	و روستایی استان ایلام در زاگرس مرکزی دکتر علی نوراللهی.....
.....	بررسی تحولات تاریخی و باستان شناختی بنای کعبه زرتشت.....
۱۷۵.....	«گرنای خانه» یا «نقاره خانه» رحیم تزری، آزاده محمودیان.....
.....	بررسی همنشینی گل، بوته و انسان در تزیینات سرستون های عمارت.....
.....	باغ ایرانی فلاحتی ایلام براساس نظریه آشنایی زدایی.....
۲۰۱.....	معصومه صفایی نیا لیلا رشنوادى.....
۲۱۵.....	چکیده انگلیسی مقالات.....

## بررسی باستان شناختی استقرار های پیش ایلامی در دشت های

حاشیه غرب زاگرس دکتر حبیب اله محمودیان<sup>۱</sup>

### چکیده

بخش غربی زاگرس به دلیل شرایط و موقعیت مطلوب جغرافیایی از دیر باز سکونتگاه انسان‌ها و مهد تمدن و فرهنگ بوده است. دره‌های کوهستانی، دشت‌های میان کوهی، غارهای طبیعی، جنگل‌های انبوه، دامنه‌ها، زمین‌های حاصلخیز، رودهای مهم و پرآب موجب شده تا شرایط برای استقرار و زندگی انسان‌ها فراهم شود. تعدد و تنوع آثار و ابنیه و محوطه‌های باستانی در این محدوده جغرافیایی و مطالعه شواهد و شناسه‌های فرهنگی برجای مانده از دوران استقرار، روشنگر این حقیقت است که انسان در این منطقه حدود هشت هزارسال پیش از میلاد از دو گونه گیاهی (گندم و جو) و نیز، دو نوع دام (میش و بز) استفاده کرده است. این شرایط نشان می‌دهد در این گستره سرزمینی که تمدن و فرهنگ ایلامی شکل گرفته، استقرارهای ما قبل ایلامی‌ها وجود داشته است. بر اساس بررسی‌های تاریخی و باستان شناسی ایلامی‌ها از اواخر هزاره چهارم یا اوایل هزاره سوم قبل از میلاد در منطقه جنوب غرب ایران حکومت کرده‌اند. حدود ۲۵ قرن سلسله‌های معروف ایلام (اوان، سیماش، اپارت، ایکهالکی، شوتروک-ها و ایلام نو) ضمن تشکیل سلسله‌های حکومتی، حافظ تمدن و فرهنگ ایران زمین بوده‌اند. کاوش‌های باستان شناسی نشان می‌دهد علاوه بر تحولات سیاسی و نظامی ایلام با تمدن‌های همجوار، پیشرفت‌هایی در عرصه‌های مختلف تمدنی داشته‌اند. در این مقاله این هدف دنبال شده تا براساس یافته‌های باستان شناسی، بخشی از مکان‌های استقرار دوره پیش ایلامی در دشت‌های حاشیه ای زاگرس غربی معرفی گردد.

**واژگان کلیدی:** سیمره، چگا آهوان، پرچینه، میمه، دهلران، چگا گلان، سرنی.

<sup>۱</sup> - دانش آموخته دکتری باستان شناسی پیش از تاریخ ایران

## تحولات دوران سنگ در زاگرس غربی

بررسی اسناد ویافته های باستان شناسی نشان می دهد دشت های حاشیه غرب زاگرس و مشرف برسرزمین میان رودان به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، دارای استقرار گسترده بوده است. مطالعه ابزار وادوات سنگی متعلق به عصر سنگ در این منطقه از جهات مختلف دارای اهمیت می باشد. چون در این دوران، انسان از «سنگ» به عنوان ابزار و وسایل روزمره زندگی استفاده کرده است. ازاین رو، به نام دوران سنگ(عصر حجر) معروف شده است. ازجهتی عصر سنگ به دلیل طولانی بودن به دوره های دیگری چون: دوران پارینه سنگی یا پالئولیتیک، دوران میانه سنگی و دوران نو سنگی تقسیم شده است.

دوران پارینه سنگی یا پالئولیتیک<sup>۲</sup> قدیمی ترین دوران پیش از تاریخ است که انسان برای نخستین بار از ابزار سنگی دست ساز استفاده کرد. در این دوران انسان ها موفق شده اند گروه های نسبتاً کوچکی تشکیل دهند و به گردآوری غذا(گیاهان، ماهی گیری و شکار) پردازند. دوران میانه سنگی دوره ای از عصر سنگ است که در حد فاصل دوره های پارینه سنگی و نوسنگی قرار گرفته است. ایجاد سکونتگاه در این دوران موقتی بوده است. یافته ها نشان می دهد که فنون ابزارسازی سنگی نسبت به پارینه سنگی پیشرفت داشته است. در دوره میان سنگی انسان با امکان ذخیره مواد غذایی گیاهی و جانوری آشنا می شود. سه عامل: اهلی کردن حیوانات، آغاز کشاورزی و آماده سازی غذا باعث شده انسان به زمین و سرزمین وابستگی و تعلق خاطر پیدا کند و به مرحله یکجانشینی برسد(ملک شه میرزادی، ۱۳۸۲: ۹۳).

در حقیقت، نوسنگی به معنای دورانی است که پایان آن استقرار کامل در روستاها و آغاز شهر نشینی بوده است. آثار این دوره در غارها و پناهگاه‌های سنگی شناسایی شده‌اند. در این دوره، انسان علاوه بر تولید بخش مهمی از نیازهای غذایی، موفق شد با ایجاد سرپناه‌های ساده در معماری، قابلیت‌های فرهنگی خود را ظاهر سازد و با ایجاد روستاهای کوچک و موقت، روستاهای دائمی را پدید آورد که مقدمه‌ای بر شهر نشینی محسوب می‌گردد.

در درهٔ هلیلان واقع در استان ایلام، باستان شناسان موفق به شناسایی چگونگی بقایای نخستین مرحله استقرار موقت در «تپهٔ گوران» شده‌اند که می‌توان آن را پیشینه‌ای بر زندگی کوچ روی تصور کرد. باستان شناسان در مورد ابزارهای به دست آمده از دوران سنگ اطلاعاتی ارائه نموده‌اند. فرانک‌هول و فلائری غارهای کنجی، پناهگاه سنگی و... در منطقه لرستان را بررسی کرده و اطلاعاتی مربوط به عصر پارینه سنگی را ارائه نموده‌اند. در برخی نواحی زاگرس، آثار مربوط به دورهٔ پارینه سنگی میانه به دست آمده است. کشف تبر سنگی مکشوفه از تپهٔ چگا آهوان مهران واقع در استان ایلام از دورهٔ پارینه سنگی جدید و دیگر آثار از جمله: سنگ، استخوان، شاخ و عاج از محوطه‌های باستانی دلیلی بر این ادعاست. تیغه‌های سنگی در اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف نیز، از مکان‌ها و محوطه‌های باستانی غرب زاگرس متعلق به دوران سنگ کشف گردیده و مورد مطالعهٔ پژوهشگران قرار گرفته است.

### اولین طلیعه حیات انسانی در غرب فلات ایران

علی محمد خلیلیان در مقاله‌ای «ایلام در گستره تاریخ» به موقعیت پیش از تاریخ منطقه اشاره داشته و نوشته است: «کشور ایران از جمله سرزمین‌های آسیائی است که به لحاظ دیرین شناسی، اولین طلیعه حیات انسانی و امکان استقرار بشری را در اقلیم

پهناور خود به ودیعه دارد» (خلیلیان، ۱۳۷۹، شماره ۳ و ۴، پاییز وزمستان (۶۲-۶۷)) او در ادامه مقاله خود نوشته است: «تحقیقات و کشفیات علمی، حضور انسان را با شرایط فیزیکی و جسمی موجود لااقل از مرز صد هزار سال پیش دوره پالئولیتیک میانه (عصر-حجر قدیم) در عرصه زمین تأیید می‌نماید و ایران از چنین موقعیت ممتازی برخوردار است. قطعاً کشوری که از کرانه‌های سوزان خلیج فارس تا سواحل مرطوب دریای خزر دارای شرایط اکولوژیکی و بیولوژیکی با اختلاف حدود چهل درجه دما در یک زمان واحد می‌باشد، می‌بایست از معدود ممالک و سرزمین‌های باستانی جهان باشد که به قول ایران شناس معروف فرانسوی «رنه گروسه» در مقاله‌ای تحت عنوان ایران و نقش تاریخی آن «جغرافیای پیش‌مبیین تاریخش می‌باشد». اگر بپذیریم که در هر حوزه فرهنگی تاثیرات محیط در پرورش انسان و سازش انسان با محیط طبیعی اطرافش یک امر اجتناب ناپذیر است، قهراً در هر بوم که مشترکات اقلیمی و آب و هوایی و بیولوژیکی دارد، گروهی از انسان‌ها با شیوه و روش‌های مشابهی آغازین روز حیات خود را براساس طبیعی و محیطی اطراف پشت سرگزارده‌اند». او در رابطه با موقعیت جغرافیایی منطقه و تأثیر پدیده‌های جغرافیایی در فرایند استقرار انسان از قدیم‌الایام تا دوران اخیر این چنین شرایط را ترسیم نموده و ادامه می‌دهد: «غرب ایران با وجود چین خوردگی‌های سلسله جبال زاگرس و دره‌هایی که با شیب ملایم و شیارهای موازی فلات مرکزی را از جلگه رسوبی بین‌النهرین در غرب مجزا می‌نماید، در عین حال رابطی ثابت و ناقلی متحرک برای مبادله و مراوده ارزش‌های فرهنگی انسان‌های نخستین و جوامع مجاور خود بوده و عمدتاً این نقش تاریخی زمانی که دامنه‌های ملایم امکان استقرار و یکجانشینی را به مردمانش داده است بیش از هر زمانی

رسوب تمدن‌های کهن را در دل خود جا داده و آثار ارزشمندی را در قالب ظاهر فرهنگ مادی و اتلال و تپه‌ها و محوطه‌های باستانی بر جای گذارده است».

### دوران گذار از دیرینه سنگی، پارینه سنگی

علی‌زاده در همایش ملی میراث‌های تمدنی استان ایلام (۱۳۸۲) طی ایراد سخنانی اظهار داشته است: «چغاگلان بین مهران و صالح آباد واقع شده است. در این سایت باستانی ما حفاری نکرده‌ایم؛ ولی رفتیم و دیدیم که سفال کم دارد، ابزار تیغی که مطالعه کردیم، متعلق به دوران گذار از دیرینه سنگی، پارینه سنگی به نوسنگی است. در این مقطع، کشاورزی و دامداری شکل گرفته است. باید توجه داشت که گوسفند، بز، گندم و جو اهلی این منطقه هستند. در واقع، در کوهستان‌های زاگرس رشد کرده و به صورت طبیعی یافت شده‌اند و تمام فرهنگ‌های دوره نوسنگی که در کوه زاگرس ایران شکل گرفته، شالوده‌اش بر پایه بز، گوسفند، گندم و جو است» (همایش ملی میراث‌های تمدنی استان ایلام، ۱۳۸۲).

صادق ملک شه‌میرزادی آثار پیش از تاریخ ایران از آغاز تا پایان دوره استقرار در روستاها را به مناطق طبیعی- فرهنگی مختلفی تقسیم‌بندی نموده است که در قالب دوران جمع‌آوری غذا، گردآوری غذا، استقرار موقت و فصلی و دوران استقرار کامل در روستاها مشخص شده‌اند (همان: ۸۱). بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر مکان‌های استقرار متعلق به دوران پیش ایلامی است. در نقشه زیر مکانهای استقرار پیش ایلامی ملاحظه می‌شود.



ساده‌ای نیست. بنابراین، هیچ کدام از کشاورزان اولیه به دلخواه خود کشاورزی را اقتباس نکرده‌اند؛ بلکه به ناچار این کار را کرده‌اند. فکر کنید با آن ابزار بسیار ابتدایی و کمرشکن بدون گاو، اسب، تراکتور و...، اینها مجبور بوده‌اند با یک تیغه سنگی زمین را آماده شخم کنند. این کار بسیار کمرشکن است. بیشتر اسکلت‌هایی که از دوران نولتیک درمی‌آوریم، آرتروز دارند. مردان آرتروز کمر و زنان آرتروز زانو دارند؛ زیرا زانو را روی زمین گذاشته و روی قطعه سنگ‌های بزرگ کار ساییدن و آرد کردن را ساعت‌ها، روزها و سال‌ها انجام می‌داده‌اند. بنابراین، می‌توانید تصور کنید که چه زندگی سختی داشته‌اند (علیزاده، ۱۳۸۲: همایش).

### از کوچ نشینی و شکار به یکجانشینی و دامداری

علیزاده (۱۳۸۲) در ادامه سخنان باستان شناسی ایلام را بسیار با اهمیت دانست و بیان کرد: «حالا چرا ایلام اینقدر مهم است؟ با توجه به تجربه‌ای که از کوهستان‌های ایران، عراق و ترکیه داریم، موادی به ویژه تیغه‌هایی که در چغاگلان وجود دارد، تیغه‌هایی قدیمی‌تر از اوایل هزاره هشتم هستند. وقتی این اندازه قدمت دارند، این شانس هست موادی پیدا کنیم که در رابطه با دوران گذار (زندگی کوچ نشینی به - یکجانشینی و دامداری) باشد. البته، می‌دانید زندگی یکجانشینی مشکلات زیادی دارد؛ ولی منافع زیادی هم دارد. بدون زندگی یکجانشینی جمعیت نمی‌تواند رشد کند و به وجود بیاید» (همان).

### توالی فرهنگی از کوچ نشینی به یکجانشینی

بررسی شناسه‌ها و شواهد فرهنگی سایت باستانی چگاآهوان اطلاعاتی ارایه داده که می‌تواند توالی فرهنگی از کوچ نشینی به یکجانشینی را نشان دهد. علیزاده به این مسأله اشاره کرده و گفته است: «اهمیت این استان در این است که دو سایت دارد که

می‌تواند توالی فرهنگی را از کوچ نشینی به یکجانشینی و رشد اینها در دهکده‌ها و سرانجام شکل‌گیری حکومت‌های اولیه نشان دهد. این دو سایت از بزرگ‌ترین اقداماتی بودند که جوامع انسانی در دنیا انجام دادند. بدون گندم، جو، گوسفند، بز و بدون دهکده و حکومت‌های اولیه، ما اصلاً اینجا نبودیم. اینها شالوده‌ای است که ریخته شده و من فکر می‌کنم شالوده این تمدن حداقل در ایلام ریخته شده است. بنابراین، استان ایلام از هزاره سوم به بعد محل تاخت و تاز انواع و اقسام قوای مختلف بوده است.

### هلال حاصلخیز

علی زاده (۱۳۸۲) در سخنان خود به مزرعه وحشی گندم در کوه‌های زاگرس و نواحی کوهستانی شمال بین‌النهرین اشاره داشته و گفته است: «خطی که اینجا هست و بعدها اسمش را هلال حاصلخیز گذاشته‌اند، جایی است که گندم، جو، بز و گوسفند به صورت وحشی دیده می‌شود. در این مکان‌ها اولین دهکده‌های ابتدایی و بعدها شهرنشینی و تمدن رشد کرد و پس از آن هم به جاهای دیگر تسری یافته است. دکتر علی زاده به ابزارهای مکشوفه در چغاگلان اشاره کرده و گفته است: اندازه این ابزارها ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر بیشتر نیست، اینها خیش‌هایی بوده که آن موقع با آن زمین را می‌کنده‌اند. می‌توانید حدس بزنید که چه کار کمرشکن و مشکلی بوده است. خم می‌شده‌اند و با دست زمین سفت را می‌کنده‌اند. البته، بیشتر این ابزارها بعدها هم ادامه پیدا کرده؛ ولی اولین ابزارهای کشاورزی از نوع ابزارهایی بوده که در چغاگلان چند نمونه از آن بدست آمده است.



هلال سبز و تمدن های خاورمیانه

منطقه زاگرس بخشی از ناهمواری های هلال حاصلخیز (هلال سبز) است که به دلیل شرایط مطلوب جغرافیایی، شکل دهنده بسیاری از تمدن های غرب آسیاست. بخش عمده ای از تمدن های پیش از تاریخ ایران در کوهستان زاگرس، دشت های میانکوهی و دشت های حاشیه ای کوهستان زاگرس ایجاد شده اند. از این رو، شرایط برای شکل گیری تمدن ها و ارتباط با اقوام و فرهنگ ها در این سرزمین وجود داشته است. جلگه های آبرفتی، سرزمین های مناسب و دشت های حاصلخیز به نوبه خود استعداد شکل گیری و توسعه رو به رشد استقرار بشر در غرب کشور بیش از مناطق شرقی فراهم نموده و مردمان این بخش از سرزمین ایران امکان یک جانشینی و تشکیل دهکده های اولیه و مآلاً آشنائی با امر کشاورزی و تولید و کشت آبی غلات و پرورش و اهلی نمودن حیواناتی نظیر بز و گوسفند و اسب و گاو که هر کدام به نوبه خود در روند تحرک حیات انسانی و پیشرفت فیزیکی و فنی جوامع اولیه و ورود به دوران های بعدی نظیر نظام شهری گری نقش مؤثر و عمومی داشته اند به دست آورده اند.

## بهره گیری از فلز

استفاده از فلز و ذوب آن، تحولی عمده در تمدن و فرهنگ بشر به شمار می‌رود. هر چند زمان دقیق بهره‌گیری از فلز مشخص نشده؛ ولی به دلیل وجود برخی عناصر فلزی در طبیعت استفاده محدود از فلزاتی چون مس، طلا و نقره در دوران پیش از تاریخ رواج داشته است (محمودیان، ۱۳۹۱: ۹۱). از فلزات دیگری که بعد از طلا و مس مورد استفاده قرار گرفته است، می‌توان به برنز(مفرغ) و آهن اشاره نمود که در قالب عصر برنز(مفرغ) و عصر آهن مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. انواع مختلفی از ابزارهای جنگی، زیورآلات، مجسمه، ظروف فلزی و... از جنس برنز در گورهای باستانی مناطق مختلف کشور خصوصاً غرب زاگرس به دست آمده است (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۱). «واندنبرگ» برخی از نواحی غرب کشور از جمله منطقه عمومی ایلام و لرستان را در دهه ۱۹۶۰ مورد بررسی قرار داده و به آثار متعددی از فلز مفرغ دست یافته است که در تاریخ باستان شناسی به نام برنز لرستان معروف است.

## استقرارهای پیش ایلامی در غرب ایران

براساس اظهار نظر باستان شناسان تمدن ایلام باستان در جنوب و جنوب غربی فلات ایران واقع شده است. بنابر گزارش باستان شناسان، بخشی از ایلام باستان در دشت‌های حاشیه ای غرب زاگرس در محدوده استان ایلام (مهران، دهلران) واقع شده است. تپه‌های موسیان و علی‌کش در دهلران، چگا آهوان در مهران و ده‌ها منطقه و محوطه دیگر در نوار مرزی استان با کشور عراق از جمله آثار متعلق به دوره ایلامیان بوده که در حدود سه هزار سال پیش از میلاد به فرمان «آشور بانی پال» منقرض شده است. در کتیبه‌های بابلی، ایلام را آلامتو (آلام) خوانده‌اند که به قولی به معنای کوهستان (کشور طلوع آفتاب) است. شهر ماداکتو یکی از پایتخت‌های دولت ایلام، احتمالاً در نواحی

استان ایلام واقع شده باشد. علاوه بر ایلامی‌ها، اقوام دیگری مانند گوتی‌ها، کاسی‌ها و لولوبی‌ها در منطقه ساکن بوده یا برای مدتی در این محدوده سکونت داشته‌اند. بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد لایه‌های استقرار سایت‌های باستانی دوران قبل از ایلامی‌ها را نشان می‌دهد که متعلق با دوران پروتو ایلامی و ماقبل سلسله‌های ایلامی است. علی‌محمدخلیلیان در رابطه با موقعیت فرهنگ و تمدن ایلام نوشته است: محدوده - ای که امروز با نام و مشخصاً عنوان استان ایلام پیش‌رو داریم لااقل در مرز صد هزار سال پیش واجد ویژگی‌هایی است که ما امروز تحت عنوان فرهنگ‌های دوران باستان در غرب و جنوب غربی ایران می‌شناسیم؛ این منطقه به دلیل شرایط مساعد جغرافیایی، آب کافی، زمین‌های حاصلخیز، پوشش جنگلی، مراتع غنی و پناهگاه‌های طبیعی برای استقرار انسان در دوران مختلف جایگاه مناسبی داشته است. مهم‌ترین رودخانه این بخش از زاگرس، سیمره است که از ناحیه شمال شرقی وارد استان ایلام می‌شود و مرز آبی ایلام و لرستان را تشکیل می‌دهد و سپس با نام کرخه وارد خوزستان می‌شود. رودخانه سیمره به موازات راه ارتباطی باستانی از شوش به سیمره - دره شهر فعلی - جریان دارد. این رودخانه با نام باستانی «اوکنو» نزد یونانیان کواسپس نامیده می‌شد. سیمره در منطقه پل دختر شعبه مهم کشکان را که از کوه‌های لرستان سرچشمه گرفته دریافت می‌دارد و با نام کرخه وارد خوزستان می‌شود. این رود در جلگه خوزستان تغییرمسیر داده و از جنوب شهر بستان می‌گذرد و به باتلاق‌های ناحیه شرقی عراق می‌ریزد. تحولات تاریخی و تمدنی منطقه هلیلان با رودخانه سیمره گره خورده است (ایزد پناه، ۱۳۶۳: ۵۸). رودخانه سیمره طویل‌ترین رود ایران است که در منطقه ایلام و لرستان جریان دارد. بزرگ‌ترین تمدن‌های باستانی ایران در کنار این رودخانه شکل گرفته است (محمودیان، ۱۳۷۷: ۶۵).

### بقایای معماری تپه چگا پاسگاه در دشت هیژدانه

تپه باستانی معروف به پاسگاه در جنب شمال غربی شهر صالح آباد واقع شده است. این تپه باستانی در قسمت غربی رودخانه و چشمه صالح آباد قرار گرفته و حدود پانزده متر از سطح زمین‌های پیرامونی ارتفاع دارد. برشی که بر اثر حفاری غیر مجاز برای ایجاد سنگر در جهت شمال شرقی آن ایجاد شده و مشخص گردیده که لایه‌های مختلف آن تا کف رودخانه شامل دیوار خشکه چین با ملاط گل و در لایه برش امتداد دارد. محدوده این تپه باستانی با وجود تخریب شدید دارای آثار سفال، تیغه‌های سنگی، ابزارهای سنگی می‌باشد که تراکم سفال آن چشمگیر است. طول ابعاد سطح تپه ۳۰ × ۲۰ متر و تا فاصله ۲۰۰ متری پیرامون تپه آثار سفال و تیغه‌های سنگی مشاهده می‌شود. به دلیل ایجاد بنای پاسگاه انتظامی و حفاری غیر مجاز به شدت تخریب گردیده است. آثار متراکم سفال از نوع سفال‌های ظریف چرخ‌ساز، با رنگ‌های نخودی، سبز، خاکستری و با نقوش کنده، بندانگشتی و افزوده و نیز، پوشش گلی و ... اهمیت تپه باستانی را نشان می‌دهد. لایه‌های خاکستر در برش جبهه شمال شرقی و شرق تپه مشاهده می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۲: ۱۸).



تپه پاسگاه صالح آباد مهران

این تپه باستانی حدود ۱۵ متر از سطح زمین های پیرامونی ارتفاع دارد. طول ابعاد سطح تپه ۳۰ × ۲۰ متر و تا فاصله ۲۰۰ متری پیرامون تپه آثار سفال و تیغه های سنگی مشاهده می شود.

**ویژگی اثر:** این اثر متعلق به دوران پیش از تاریخ می باشد هر چند در دوره تاریخی نیز کاربرد داشته است. آثار بنای خشکه چین با ملاط گل در برش های پیرامونی تپه مشاهده شده است. حفاری باستانی شناسی موقعیت تپه را بیشتر روشن خواهد نمود. همین برش لایه های مختلفی را نشان می دهد که تا حدودی مواد فرهنگی لایه ها چون سفال، بنا و خاکستر قابل مشاهده است. بررسی های اولیه نشان می دهد این مکان در دوران ایلامیان دارای استقرار بوده است. به دلیل نزدیکی این مکان با شهر ایلامی چگا آهوان و قرار گرفتن در مسیر جاده جنوب غربی ایران به سرزمین میان رودان، در عهد باستان دارای اهمیت بوده است.

### تپه سرنی

تپه باستانی در فاصله ۵۰۰ متری روستای سرنی از توابع صالح آباد مهران، ۲۰۰ متری غرب جاده ایلام به ارتفاعات مرزی میمک و نیز در مسیر یکی از جاده های باستانی به سمت میان رودان واقع شده است. لایه های زیرین تپه تپه ماهوری طبیعی می باشد. خاک تپه از جنس رسی - آبرفتی است. حفاری های غیر معجاز در سطح تپه و در بخش های دیگر آن دیده می شود. شیب نسبتاً تند تپه و بافت خاک آن از عوامل فرسایش طبیعی اثر است. پوشش گیاهی سطح تپه به صورت مرتعی است و اطراف آن را زمین های زراعی دربرگرفته است. منبع آب این تپه چشمه دائمی سرنی در ۲۰۰ متری جنوب غرب آن است. راه دسترسی به این تپه جاده ایلام به ارتفاعات مرزی میمک است.



تپه ی باستانی سرنی از توابع صالح آباد مهران

**ویژگی اثر:** آثار فرهنگی سطح تپه شامل حجم زیادی از تکه سفال های دوران مختلف تاریخی می باشد. بررسی ها نشان می دهد استقرار در این مکان از دوران پیش از تاریخ تا دوره اسلامی استمرار داشته است. آثار معماری در بخش هایی از سطح تپه که با بهره گیری از مصالح لاشه سنگ با ملات گچ بنا شده دیده می شود. به نظر می رسد تپه سرنی در دوران ایلامی دارای اسقرا بوده است. نمونه سفالینه های منقوش لایه های فرسایشی زیرین نشانگر این مطلب است.



تپه باستانی سرنی از توابع صالح آباد مهران (۱۳۸۱)

### محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد)

این مکان باستانی در محدوده جغرافیایی (گلم زرد) میمک واقع در نوار مرزی ایران و کشور عراق در منطقه صالح آباد ایلام واقع شده است. شواهد و شناسه های موجود بر روی اثر نشان می دهد که این اثر در دوران مخلف به ویژه در دوران پیش از تاریخ دارای استقرار بوده است. سفالینه منقوش با طرح های مختلف، تیغه های سنگی، ابزار سنگی شواهد مهم مطالعات باستان شناختی این محوطه باستانی است. این مکان در مسیر ایل راه های باستانی غرب ایران به سرزمین میان رودان واقع شده است. رودخانه گدارخوش که از ناحیه کوهستانی ایلام سرچشمه گرفته با طی مسافتی در این منطقه جاری است. اطلاعات دقیق علمی منوط به حفاری ها و کاوش های باستان شناسی است.



محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران



تیغه های سنگی محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران



نمونه ابزار سنگی محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران



سفالینه محوطه باستانی گره چگا (گلم زرد) منطقه مرزی صالح آباد مهران

### تمدن حوزه کنجان چم

تمدن حوزه کنجان چم به عنوان منطقه حائل بین فلات مرکزی و میان رودان نقش ارتباطی مهمی در گذشته داشته است. مسیر جاده فعلی ایلام با گلان و مهران از جمله مسیرهای مواصلاتی فلات مرکزی با بخش مرکزی بین‌النهرین بوده است (محمودیان، ۱۳۷۷: ۱۱۴). شرایط جغرافیایی، منابع آب، وجود آثار متعدد و نزدیکی راه به سمت به دره و زرباطیه عراق می‌تواند از دلایل وجود این راه باستانی باشد. فریا استارک در سفرنامه خود نیز به این راه قدیمی اشاره نموده است و از شهر بغداد، از طریق شهرهای شرقی عراق به شهر مهران آمده و از مهران به دیگر نواحی محدوده استان ایلام مسافرت نموده است. استین در مورد راه‌های غرب ایران اطلاعات مناسبی ارائه داده است، وی در سفر خود پس از دزفول، لرستان غربی و شمالی را مورد بازدید قرار داده است و به راه‌های منطقه اشاره نموده است. در بررسی شواهد فرهنگی تپه‌های گلان و چگا آهوان با تپه‌های باکسایا، بادرایا، تل عقرب، تل اسمر و ... و نیز، مقایسه و بررسی آنها می‌تواند اطلاعات مناسبی به دست دهد... به نظر می‌رسد استمرار و توالی

استقرارهای دشت شوشان و موسیان و در ارتباط با ساکنان شرق بین‌النهرین بوده باشد (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۳). تل‌های باکسایا و بادریا در شهر بدره عراق در نزدیکی شهر مهران با تپه‌های سیدحسن A و B و چگا‌آهوان در دشت مهران و نیز، تپه گلان برحاشیه رود کنجان چم در این منطقه می‌تواند از جهاتی با هم قابل مقایسه باشند که بررسی‌های اولیه شواهدی را در این زمینه مطرح می‌نماید. در این محوطه باستانی شواهدی از سفالینه دوره ایلامی به دست آمده است.

### محوطه‌های باستانی امیرآباد

محوطه وسیع امیرآباد در حاشیه غربی رودخانه کنجان چم و در فاصله پنج کیلومتری جنوب شرقی تپه‌های گلان از توابع شهرستان مهران از عهد باستان بر جای مانده است. هیئت باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی به سرپرستی دکتر حبیب‌اله محمودیان، محوطه‌های امیرآباد I, II, III را در سال ۱۳۸۱ شناسایی و جهت ثبت در فهرست آثار ملی مستندسازی نموده‌اند. مهم‌ترین شواهد فرهنگی بر جای مانده پی بناها، تکه‌های سفال از نوع سفال‌های منقوش و ساده، تیغه‌های سنگی و نمونه سنگ آبدین می‌باشد، سفال‌های متعدد محوطه امیرآباد I, II با برخی سفال‌های چگا‌آهوان «دو خط موازی و یک خط زیگزاگ در قسمت بالا با لعاب قهوه‌ای و در مواردی شطرنجی است» قابل مقایسه است (محمودیان، ۱۳۸۲: ۳۱). شرح مفصل این آثار در مباحث همین فضا آمده است.

محوطه در محدوده‌ای به ابعاد  $۱/۵ \times ۱$  کیلومتر گسترده شده و مهم‌ترین شواهد فرهنگی بر جای مانده پی بناها، تکه‌های سفال از نوع سفال‌های منقوش و ساده، تیغه‌های سنگی و نمونه سنگ آبدین می‌باشد، حفاری غیر مجاز چند قبر نشان می‌دهد که گورها با بهره‌گیری از سنگ‌های یکپارچه جوانب و احتمالاً بالای قبر پوشش

داده است که با نمونه گورهای دوره کاسی ها قابل مقایسه است (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۳۹). پیتیر کالمایر هم به برخی از آثار برنزی محدوده ایلام اشاره نموده است (کالمایر، ۱۳۷۶: ۲۳۳). اما سفال‌های متعدد محوطه امیرآباد I, II با برخی سفال‌های چگا آهوان «دو خط موازی و یک خط زیگزاگ در قسمت بالا بالاعاب قهوه‌ای و در مواردی شطرنجی» قابل مقایسه است (محمودیان، ۱۳۹۶: ۳۳)



محوطه عمومی امیرآباد

امکان ادامه و توالی استقرار شوش، تپه‌های دهلران را می‌توان تا حدودی در مهران و حاشیه رود کنجان‌چم حدس زد. فراوانی سنگ‌های اصلی «مادر»، با رنگ‌های مختلف برای تهیه تیغه‌ها بر سطح آثار بسیار با اهمیت تلقی می‌شود. ارتباط تنگاتنگ تپه‌های چگا آهوان مهران با تل‌های باکسایا و بادرایا در به دره عراق و در نزدیکی این دو اثر با هم می‌تواند از جهت آثار و شاهد فرهنگی قابل مقایسه باشند و این اظهار نظر می‌تواند ما را به سمت مطالعه دقیق علمی سوق دهد. به دلیل تحول و تحرک مناسبی که در عرصه فعالیت‌های باستان شناسی کشور ملاحظه می‌شود می‌توان به آینده

امیدوار بود تا بسیاری از مکان‌های ناشناخته فرهنگی کشور به همت باستان شناسان توانمند کشورمان شناسایی و معرفی شوند. به قول فرانک هول «آینده یاستان شناسی ایران بسیار روشن است. ایران کشوری است فوق العاده غنی با منابع بسیار و شرایط آب و هوایی که در غرب آسیا کمتر دیده می‌شود. تپه‌های باستانی باکسایا و بادریا در این شهر مرزی عراق از دوران باستان برجای مانده که در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (محمودیان، ۱۳۹۵: ۱۵۳).



محوطه باستانی امیر آباد



محوطه باستانی امیر آباد ( شهرستان مهران گزارش فصل اول بررسی و شناسایی  
آثار باستانی بخش مرکزی مهران ( محمودیان : ۱۳۸۲ )

### دهکده‌های اولیه چگا آهوان و چگا گلان

**چگا گلان:** این تپه در دشت گلان از توابع شهرستان مهران واقع شده و در ارتباط با اسکان در دهکده‌های نخستین بررسی گردیده است. چگا آهوان نیز در دشت مهران واقع شده و در ارتباط با اسکان در هزاره‌های پنجم و چهارم بررسی گردیده است. عباس عزیزاده باستان شناس ایرانی در همایش میراث های تمدنی استان ایلام در رابطه با سایت باستانی چگا آهوان گفته است: چگا گلان یکی از سایت مهم و کلیدی است؛ ولی همان طور که گفتم: چیزی که چگا گلان تمام می کند، چگا آهوان ادامه می دهد. چگا آهوان حدود پانزده هکتار شاید هم بیشتر وسعت دارد. من شنیدم هفده هکتار. این هفده هکتار در هزاره چهارم یک شهر بزرگ بوده با هر مقیاسی که اندازه بگیرید، شهر بسیار بزرگی است و اگر روی چگا آهوان راه بروید می بینید از تپه ماهورهای زیاد اطرافش تشکیل شده است. روی این تپه ماهورها میخ های گلی پخته ای هست که

برای تزئین معابد از آن استفاده می کرده‌اند. بنابراین، از همان شکل سطحی که آنجا هست، چندین کاخ و به احتمال زیاد معبد وجود دارد. برای اینکه سفال‌های چگا آهوان روی سطح تپه نادرند. هیچ جای ایران سفالی ندارد که کاملاً مال عید باشد؛ یعنی الآن جمعیت ایلام، جمعیت مخلوطی است. هم عرب دارید، هم لر، هم - کرد، هم فارس. قبلاً هم همین طور بوده‌است. واقعاً بین‌النهرینی‌ها آنجا زندگی می کرده‌اند. فقط تأثیر فرهنگی نیست که این سفال شبیه آن سفال یا این شیء شبیه آن شیء باشد. اینها اینجا با هم زندگی می کرده‌اند.

### معماری شهر باستانی چگا آهوان

یافته‌های باستانشناسی نشان می دهد در لایه های مختلف چگا آهوان آثار ابنیه برجای مانده است. دکتر علی زاده در بخشی از سخنانش به معماری چگا آهوان اشاره کرده و گفت: کاوش چگا آهوان یک اجتماعی را برای ما ظاهر می کند. به ویژه با توجه به آن معماری فرهیخته‌ای که من حدس می زنم در زیر داشته باشد. در واقع هم قصر باید داشته باشد، هم کاخ، هم معبد. حتی می توانیم آنها را ببینیم که چگونه مردم چند ملت با صلح و صفا با هم زندگی کرده‌اند و چنین تمدنی را پایه گذاری نموده‌اند؟



حفاری و کاوش در چگآ آهوان مهران در غرب ایران



بقایای معماری در چگا آهوان ( لایه گل و نی برای پوشش سقف)



خشت خام ( چگا آهوان)

آثار ایلامی چگا آهوان مهران: بررسی های باستان شناسی نشان می دهد شواهد و شناسه های فرهنگی متعددی مربوط به دوران ایلامیان در این مکان باستانی به دست آمده که به آن اشاره شده است.



نمونه سفالینه چگا آهوان ایلام



حفاری در چگا گلان

## دشت دهلران در دوره روستانشینی

جلگه پست جنوب زاگرس در منطقه دهلران و موسیان مهم ترین منطقه‌ای است که به وسیله باستان شناسان مورد حفاری و کاوش قرار گرفته است. در سال ۱۹۰۵ میلادی هیئت فرانسوی (گوتیه و لمپر) تپه‌های علی‌کش، چغا سفید، تپه سبز فرخ‌آباد و موسیان را در این منطقه مورد بررسی قرار داده‌اند. در سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۳ «فرانک هول»، «فلانری»، «جیمز نیلی» و «هنری رایت» در تپه‌ها و محوطه‌های باستانی دهلران به تحقیقات پرداخته‌اند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که دوره‌های روستانشینی آغازین بر اساس لایه نگاری و تغییر شکل در دست ساخته‌ها و ساختمان‌ها متمایز شده است. بر اساس گاه‌نگاری، نواحی مورد بررسی در این منطقه از قدیمی‌ترین دوره تا جدیدترین، به ترتیب عبارتند از: بزمرده، علی‌کش، محمدجعفر، چغاسفید و چغاسرخ. منطقه غرب ایران در دوره روستانشینی میانه تا جدید دارای تحولات عمده‌ای است. باستان شناسان در مناطق پشتکوه و لرستان، حد فاصل دشت دهلران تا نواحی کوهستانی تحقیقات گسترده‌ای انجام داده و سایت‌های باستانی متعلق به این دوره را یافته‌اند. لوئیس واندنبرگ سرپرست هیئت مشترک ایران و بلژیک در جستجوی معبدهایی از عصر مفرغ در دهه ۱۹۶۰ فعالیت‌های گسترده‌ای در غرب ایران انجام داده است. بیشترین اطلاعات ما از این دوره استقراری بر گرفته از یافته‌های باستان‌شناختی این هیئت است. کشف گورستان‌های پرچینه و هکلان در منطقه زرین‌آباد و بسیاری گورستان‌ها و محوطه‌ها در مناطق ایلام و لرستان حاصل تلاش‌های هیئت بلژیکی است. اشمیت و اورل‌استین از جمله باستان‌شناسانی هستند که در مورد مکان‌های باستانی غرب ایران به تحقیق پرداخته‌اند. فرانک هول موقعیت مکان‌های استقراری غرب ایران را در دوره روستانشینی به صورت زیر گاه‌نگاری نموده است (هول، ۱۳۸۱):

۱۳۴). کاوش‌هایی که در سرزمین دهلران انجام گرفته، روشنگر این حقیقت است که انسان در این منطقه ده هزار سال پیش فعالیت تمدنی داشته است. یافته‌های باستان‌شناسی و آزمایش‌های انجام شده (به وسیله هول و کنت فلانری) در سال ۱۹۶۱ بر روی تپه‌های باستانی دهلران (علی‌کش، چغا سفید، موسیان) و دیگر مناطق باستانی این منطقه نشان می‌دهد انسان در فاصله ۵۵۰۰ تا ۷۵۰۰ قبل از میلاد در این منطقه علاوه بر کشت دانه‌های گیاهی در زمینه ایجاد اولین دهکده و استقرارگاه به موفقیت دست یافته است.

### دهلران در دوران پروتویلامی

به دوران قبل از اختراع خط و کتابت، دوران پیش از تاریخ اطلاق می‌شود. یافته‌های علمی باستان‌شناختی نشان می‌دهد دهلران در دوران پیش از تاریخ دارای استقرار بوده و تمدن داشته است. دوران پیش از تمدن ایلام دوران «پروتویلامی» نامیده می‌شود. آثار متعددی از این دوران در دهلران برجای مانده است. علیزاده در همایش میراث تمدنی استان ایلام در رابطه با موقعیت استان ایلام در دوران پیش از تاریخ گفت: این استان، شمالی‌ترین بخش دشت‌های پست جنوب غربی ایران است. از شهر ایلام به طرف دهلران و خوزستان شیب زمین کمتر می‌شود و این شرایط تا خلیج فارس ادامه می‌یابد. او اضافه کرد: یکی از مسائلی که در باستان‌شناسی مطرح است، مسأله فرهنگ است. اگر ما نتوانیم به این سؤال پاسخ بدهیم تفسیر فرهنگ‌های بعدی برای ما بسیار مشکل خواهد شد. چطور فرهنگ را بشناسیم؟ فرهنگ دهکده‌ای، فرهنگی که با مواد مادی سر و کار دارد، فرهنگی که توانسته محیط زیست را مهار کند، خود را مهار کند و در اختیار خودش قرار بدهد. او سئوالاتی مطرح کرد. این فرهنگ کی شروع شده بود؟ از کجا شروع شده بود؟ او ادامه داد: این دو سؤال خیلی

بنیادی و مهم هستند. ما فکر کردیم استان ایلام می‌تواند به این‌ها جواب بدهد. من در دهلران کار کرده‌ام، در خوزستان هم کار کرده‌ام. تا زمان حاضر خوزستان قدیمی‌ترین دهکده ایران و در خاور نزدیک یکی از قدیمی‌ترین دهکده‌ها چغابنوت نام دارد؛ ولی وقتی ما چغابنوت را حفاری کردیم، متوجه شدیم فرهنگ مادی که چغابنوت دارد، بسیار فرهیخته‌تر از فرهنگ دهلران است. همچنین، تپه علی‌کش چند فاز دوره آغاز نوسنگی دارد که فرهنگش مادی نیست، یواش یواش شکل می‌گیرد و به شکلی درمی‌آید که ما بعداً در مواد باستانی می‌شناسیم. این فرهنگ بسیار فرهیخته است. ریشه‌اش نه در خوزستان می‌توانیم پیدا کنیم و نه در دهلران. بنابراین، شاید ایلام تنها کاندیدی است که می‌تواند به ما نشان بدهد (علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۳).

### تپه باستانی علی‌کش

این تپه در جنوب شرقی دره دهلران (کنار رود میمه) واقع شده است. فاصله این تپه با تپه موسیان حدود ۲/۵ کیلومتر و در جهت مغرب است. تپه علی‌کش به نام‌های تپه محمدجعفر، تپه بزم‌مرده و تپه علی‌آباد نیز خوانده شده است (EAKI, PP.99-100; Hole, F, PSWL, PP.147-206). تپه علی‌کش تپه‌ای است کوتاه و مدور که بلندترین نقطه آن امروزه حدود ۴ متر از سطح زمین‌های اطراف بالاتر قرار دارد. ضخامت آثار باستانی آن حدود هفت متر و قطر آن ۱۳۵ متر است. در سال ۱۹۰۳ م. ژاک دومورگان در رأس یک هیئت فرانسوی تپه علی‌کش را مورد بررسی قرار داده است. او ضمن یک گمانه آزمایشی، قدمت این تپه را ۷۵۰۰ تا ۶۷۵۰ قبل از میلاد اعلام کرده است. تپه علی‌کش در کنار رود میمه واقع شده و در سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۵۹ یک فصل حفاری در این تپه صورت گرفته است (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳: ۱۲۸). آثاری که در این تپه به دست آمده، مربوط به دوره نوسنگی است.

**دوره‌های فرهنگی:** یافته‌های باستان شناسی، هفت دوره فرهنگی را برای تپه علی کش ارایه نموده است که دوره‌های بزمرد، علی کش و محمدجعفر، قدیمی ترین دوره‌های فرهنگی است. در دوره بزمرد ابزارهای سنگی شامل سنگ‌های کوبنده، کاسه‌های سنگی، مهره‌های تزئینی و پیکرک‌های گلی حیوان در این تپه به دست آمده است. کشت غلات، رونق داشته و از غلات، گندم و جو کشت می‌شده است و از حبوبات نمونه عدس در حفاری‌های دوره علی کش به دست آمده است. در دوره علی کش از داس‌های سنگی، کاسه‌های کف تخت، بشقاب‌های کم‌عمق، استفاده شده است. علاوه بر پیکرک‌های گلی بز، چند نمونه پیکرک گلی انسان نیز یافت شده است. قدمت این دوره، براساس آزمایش‌های انجام شده از طریق کربن چهارده بیش از هشت هزار سال را نشان می‌دهد. در مورد استقرار در تپه علی کش چنین اظهار نظر داشته شده است که در دوره «بزمرد» نوعی استقرار فصلی وجود داشته است. در دوره «علی کش» طول مدت استقرار بیشتر شده و در دوره «محمد جعفر» ساکنان دهلران استقرار دائم داشته‌اند. پژوهش‌های باستان شناسان در منطقه موسیان اطلاعات ارزشمندی ارایه داده است. در دوره بزمرد از ابزارهای سنگی، صدف و استخوان حیوانات استفاده شده است، در دوره بعدی؛ یعنی علی کش ضمن استفاده از قطعات گل رسوب منطقه از ابزارهای سنگی، تیغه‌های آبسیدین و ظروف سنگی استفاده می‌شده است. در این دوره ساخت پیکرک‌های گلی بز رواج داشته است.

### تپه باستانی موسیان

این تپه در منطقه موسیان از توابع شهرستان دهلران در نزدیک مرز ایران و عراق واقع شده است. هیأت فرانسوی به سرپرستی گوتیر و لامپیر این تپه را حفاری نمود (1905, J. Lautier, 1948-59 PP). این محوطه با ۱۷/۵ ارتفاع از سطح زمین‌های اطراف بزرگترین تپه باستانی دشت دهلران و حتی جنوب غرب ایران است. مساحت آن ۵۵۰×۵۵۰ متر است (Neely and Wright, 1994: 57). بررسی‌ها نشان می‌دهد آجرهای پخته احتمالاً مربوط به هزاره دوم ق.م به صورت گسترده بر سطح محوطه پراکنده به دست آمده است.



تپه‌ی موسیان

تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که موسیان در اواخر استقرار خود در نقاط مختلفی توسط دیوار بزرگی احاطه شده و راه ورودی در غرب آن قابل مشاهده است. یافته‌های سفالی نشان می‌دهد که تپه دارای خصوصیت ممتازی بوده است. خمیر سفال‌ها زرد رنگ و یا سبز رنگ است. نقوش آن شامل: خطوط هندسی، مانند صلیب یونانی

لبه‌دار، لوزی‌های دنباله دار، شکل‌های شبیه عدد هفت، دایره‌های شبیه قرص خورشید، درخت خرما، نقوش مرغان آبی، نقوش کنده کاری شده حیواناتی از قبیل: - ببر، کفتار با پاهای شبیه به اره، بزکوهی به صورت مصنوعی و بزهای کوهی با شاخ‌های دندانه دار، نقش انسان‌هایی که دست‌هایشان را بلند کرده‌اند.

### تپه مراد آباد موسیان

این تپه‌ها در فاصله چهار کیلومتری جنوب شرقی روستای پتک دیناروند و در نزدیک تپه موسیان، از توابع شهرستان دهلران واقع شده‌اند. طول جنوب شرقی - شمال غربی تپه شماره دو که به شکل بیضی است ۱۲۰ متر و عرض شمال شرقی - جنوب غربی آن ۱۱۰ متر اندازه‌گیری شده است. ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف هفت متر و مساحت آن در حدود یک هکتار است (نورالهی، ۱۳۸۵: ۲۵۷). جنس خاک این تپه، رسی است. در سطح بالایی تپه و نیز شیب یال‌های آن پراکندگی مواد سطحی به ویژه قطعات سفال، ابزارهای سنگی و سنگ‌های مادر به فراوانی دیده می‌شود.

پراکندگی یافته‌های سطحی تا شعاع ۳۰ متری تپه دیده می‌شوند. رودخانه دویرج در فاصله ۴۰۰ متری جنوب این تپه جریان دارد. گونه‌های متنوعی از قطعات سفال، ابزارهای سنگی و سنگ‌های مادر به صورت پراکنده و به مقدار فراوان یافته‌های سطحی این اثر ارزشمند باستانی را تشکیل داده است. بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد این محوطه در هزاره سوم ق.م دارای استقرار بوده است. سفال‌های هزاره سوم ق.م نیز هم‌زمان با شوش در خوزستان، «جمدت نصر» در میان رودان و «بانس» در فارس می‌باشند (همان: ۲۵۷). بررسی این تپه به وسیله هیأت فرانسوی به سرپرستی گوتیر و لامپر انجام گردید (Lautier, J., 1905, P. 83).



تپه مراد آباد موسیان ( آرشیو میراث فرهنگی استان ایلام )

### اهلی کردن دام و دانه‌های کشاورزی

کاوش‌هایی که در سرزمین دهلران انجام گرفته روشنگر این حقیقت است که انسان در این منطقه حدود هشت هزار سال پیش از میلاد از گونه‌های گیاهی و دامی چون: گندم، جو، میش و بز استفاده می‌کرده است. بر اساس شواهد به دست آمده به وسیله باستان شناسان و همچنین، آزمایش‌های فراوان هول و کنت دی فلانری در سال ۱۹۶۱ بر روی تپه‌های علی‌کش و چغاسفید و دیگر مناطق باستانی این منطقه، انسان در اهلی کردن دام و کشت دانه‌های گیاهی مانند جو، عدس، ماش و کتان توفیق داشته است. پژوهش‌های باستان شناسان در منطقه موسیان اطلاعات ارزشمندی ارائه داده است. اجرای پروژه پیش از تاریخ ایران در تپه موسیان، تپه سبز و تپه علی‌کش و چند تپه دیگر و تلاش باستان شناسانی چون فرانک هول، کنت فلانری و جیمز نیلی موجب شد هفت دوره فرهنگی در دشت موسیان از ۷۵۰۰ تا ۳۷۰۰ ق.م مشخص شود و به ترتیب از قدیم‌ترین دوره بزمرده ... علی‌کش و محمد جعفر نامیده شدند (ملک شهیرزادی، ۱۳۷۳: ۱۲۸).

## شهرنشینی در دهلران

اواسط هزارهٔ ششم قبل از میلاد، زمان ورود ساکنان دهلران به دورهٔ شهرنشینی است. تنوع آثار به دست آمده از تپهٔ علی کش، ارتباطات اجتماعی ساکنان دهلران با بیشابور، فارس، نواحی غرب ایران، سیلک کاشان، جارمو در کردستان و اطراف دریاچه وان در ترکیه را نشان می‌دهد (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۳: ۱۳۴). ارتباط ساکنان بین‌النهرین از طریق موسیان به سمت فارس و کرمان و حوزهٔ رودخانهٔ هلیل رود در استان کرمان می‌تواند جهات مختلف این ارتباط را روشن نماید. در سال ۱۹۰۳ میلادی (۱۲۸۲ خورشیدی) گوتیر<sup>۳</sup> و لامپر<sup>۴</sup> به منظور حفر گمانه‌های آزمایشی در تپه‌های موسیان، خزینه و تپهٔ کوچک محمدجعفر و تپه فرخ‌آباد (بعداً معلوم شد همین تپهٔ علی کش بوده است) از دهلران بازدید به عمل آوردند (Hole, Flanry, Neely ۱۹۶۹:۸). این هیأت در جبههٔ شمال شرقی علی کش گمانهٔ کوچکی به ابعاد ۷×۷ متر حفر کردند. در سال ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۹ خورشیدی) رابرت بریدوود، مدیر طرح پیش از تاریخ دانشگاه شیکاگو، به همراه ریچارد واتسون<sup>۵</sup> متخصص زمین‌شناسی در طرح مزبور، از منطقهٔ دهلران و تپهٔ محمدجعفر بازدید کردند. سال بعد (۱۹۶۱ میلادی) فرانک هول و کنت فلانری، از شاگردان مکتب بریدوود، به منطقه آمدند و در یک بررسی کوتاه مدت علاوه بر شناسایی تعدادی از محل‌های باستانی، در بعضی از آنها اقدام به حفر گمانه‌های آزمایشی کردند. تپهٔ محمدجعفر (علی کش) یکی از آنها بود. دو سال بعد که فرانک هول هیأت باستان‌شناسی دانشگاه رایس<sup>۶</sup> را تشکیل داد، به همراه کنت

<sup>۳</sup> - Gautier

<sup>۴</sup> - Lampre

<sup>۵</sup> - Watson

<sup>۶</sup> - Rice university Archaeological project

فلانری و جیمز نیلی با توسعه دادن گمانه آزمایشی سال ۱۹۶۱ میلادی در تپه علی کش، حفاری در این محل را تا سطح خاک بکر ادامه دادند. در سال ۱۹۶۳ میلادی، علاوه بر حفاری در تپه علی کش در دو تپه موسیان و چغاسبز نیز، اقدام به حفر گمانه‌هایی آزمایشی نمودند (Neely and wrigh 1994:4). در سال ۱۹۶۳ میلادی حفاری در تپه علی کش در عمق هفت متری و در چغاسبز در عمق یازده متری به خاک بکر رسید. در سال ۱۹۶۳ میلادی در شرق گمانه آزمایشی قبلی، ترانشه دیگر با ابعاد ۱۰×۱۰ متر حفر گردید (مترجم، ۱۳۸۵: ۴). در بررسی باستان‌شناسی سال ۶۹-۱۹۶۸ میلادی توسط جیمز نیلی و هنری رایت<sup>۷</sup> در منطقه دهلران تعدادی تپه باستانی دیگر شناسایی شدند از جمله این مکان‌ها می‌توان به چگا سفید اشاره نمود (ملک شهمیرزادی، ۱۳۸۲: ۱۹۱). فصل دوم بررسی و شناسایی این شهرستان در سال ۱۳۸۴ به وسیله هیئت باستان‌شناسی میراث فرهنگی استان ایلام به سرپرستی عباس مترجم اجرا شد.



تپه سفید دهلران

<sup>۷</sup> - Henryt. Wright

## تحوالات فرهنگی دشت دهلران

افزایش جمعیت و متراکم شدن آن در مناطق حاصلخیز برای کشت و زرع موجب گردید که انسان در سرزمین‌های واقع در زاگرس مرتفع خود را تدریجاً با نظام‌های آیش کوتاه مدت انطباق دهد. این مرحله‌ای است که «بریدوود» آن را «مرحله نخستین روستاهای کشاورزی» نامیده است و تقریباً شامل هزاره هفتم و نیمه نخست هزاره ششم (ق.م) می‌گردد. در مرحله پایانی دوران نوسنگی از یک سو، منابع غذایی با عملکرد شیوه‌های کشت و زرع معمول، بی‌شک دچار کاهش جدی می‌شود و از سوی دیگر، نیروی کار بیشتر، جامعه را برای گذر به سمت کشت آیش کوتاه مدت که بر استفاده بیشتر از کج‌بیل تأکید داشت، یاری می‌دهد. تعداد کج‌بیل‌های به دست آمده از علی‌کش در دوره‌های «علی‌کش» و «محمدجعفر» اشاره بر استفاده از زمین به شیوه کشت آیش کوتاه مدت در دشت دهلران دارد. از سوی دیگر، وجود این ابزار دال بر گسترش تکنیک‌های آبیاری ابتدایی در تپه سبز (۵۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ق.م) و کار کشاورزی است. بنابراین، آغاز کشاورزی به شیوه آبیاری ساده و استفاده از کج‌بیل برای نخستین بار در دوره سبز در دهلران را به اثبات می‌رساند. کشت آیش کوتاه مدت بی‌تردید نیاز به تقویت مصنوعی زمین دارد. رها کردن دام در زمین‌های کشاورزی برای خوردن علف هرز و استفاده از کود دامی یکی از شیوه‌های تقویت خاک کشاورزی است که در این منطقه ابداع شده است. در دهلران رشد جمعیت ظاهراً تا اواسط هزاره چهارم ادامه می‌یابد. در دهلران برای دوره خزینه (۵۰۰۰ تا ۴۵۰۰ ق.م) دوازده محوطه استقرار گزارش شده است. در اواخر دوران فرهنگ‌های پیش از تاریخ در دهلران کشاورزی مطمئناً به میزان وسیعی انجام می‌گرفت و محصولات عمده آن عبارت بود از گندم معمولی، جو شش ردیفه و عدس. یافته‌های باستان

شناسی نشان می‌دهد همراه با فعالیت‌های کشاورزی، پرورش گوسفند و بز نیز، در سطح وسیعی در این منطقه وجود داشته است.

**دشت دهلران:** کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی دهلران اطلاعات بسیار ارزنده‌ای از دوره‌های مختلف پیش از تاریخ ارایه داده که در این بحث به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

**دوره روستا نشینی آغازین:** در فازهای بزمرده، علی‌کش، محمد جعفر، سرخ و سفید شناسایی گردید و معرف دوره اولیه یکجانشینی با همراه تدام سنت‌های محلی و شکل‌گیری نخستین تجارت‌های فرا منطقه در دشت دهلران است.

**دوره روستا نشینی قدیم:** فازهای انتقالی چغامامی، سبز و خزینه معرف دوره روستا-نشینی قدیم در دشت دهلران است. فاز انتقالی چغامامی از دوره همزمان تپه چغامامی در دشت مندلی عراق گرفته شده است که براساس آن دوره آغازین روستانشینی به پایان می‌رسد و دوره جدیدی با شیوه‌های کشاورزی مبتنی بر آبیاری و تغییر در الگوهای معیشتی نمودار می‌گردد.

**دوره روستا نشینی میانه:** فازهای میمه، بیات و فرخ نشان دهنده دوره روستانشینی میانه در دشت دهلران است. در این دوره محوطه‌های مختلف از الگوی معیشتی مشخصی پیروی نمی‌کنند و محصولات کشاورزی به صورت گسترده کشت می‌گردد. در فاز بیات استقرار در تپه سبز به پایان می‌رسد. فاز فرخ طی کاوش‌های تپه فرخ آباد پدیدار گردید و شواهد جالب و قابل توجهی از ساختمان‌های یادمانی با بناهای عمومی همراه با فعالیت‌های یک طبقه ممتاز به دست آمده است.

**دوره روستانشینی جدید:** شوش A و شوش A پایانی / سرگراب: اطلاعات ما در زمینه این دوره در دشت دهلران بسیار اندک است و محدود به سفال‌های به دست آمده از

دشت شوشان است. در دشت دهلران بقایای این دوره از محوطه کوچک سر گراب شناسایی شد؛ اما مورد کاوش قرار نگرفت. سفال‌های این محوطه مشابه سفال‌های مناطق کوهستانی است و به نظر رایت در این مرحله دهلران مورد هجوم مناطق کوهستانی قرار گرفته است (هول، ۱۳۸۸: ۶۵-۷۸).

### محوطه باستانی پرچینه

محوطه باستانی پرچینه در منطقه زرین‌آباد دهلران از توابع استان ایلام واقع شده است. واندنبرگ، گورستان مکشوفه در این ناحیه را منسوب به دوره روستائینی میانه تا روستائینی جدید می‌داند. فرانک‌هول نوشته است: «پرچینه، گورستان بزرگی است که ۱۵۶ گور آن کاوش شده است. تحقیقات مختلفی در جنوب غرب ایران انجام شده است. پروژه پیش از تاریخ ایران و پیش از تاریخ دشت دهلران از جمله اینگونه طرح‌هاست که عمدتاً بر مطالعات دشت‌های جنوبی دهلران تمرکز داشته است. پروژه دیگری نیز، به منظور بررسی و شناسایی گورستان‌های کوچ نشینی در کوه‌های زاگرس به سرپرستی لویی واندنبرگ در منطقه دهلران انجام شده است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۴۳). طی همین پروژه منطقه زرین‌آباد و میمه واقع در بخش کوهستانی شمال غربی دهلران توسط لویی واندنبرگ مورد بررسی باستان‌شناسی قرار گرفته است. در آرامگاه‌های این گورستان سنگ‌های حفره‌داری کنار هم چیده شده و سرپوشی روی آنها را گرفته است» (هول، ۱۳۸۳: ۹۵). در حفاری گورهای این مکان باستانی اشیائی چون مهر، سرگرز، تبر، سنگ ساب و ظروف سفالی به دست آمده است. در این منطقه، گورستان دیگری به نام هکلان مورد کاوش قرار گرفته و اشیای به دست آمده با ساخت گورها هم خوانی دارد. از جهتی نمونه مشابه اشیای کشف شده در هکلان در محوطه باستانی پرچینه نیز دیده می‌شود.

لذا برخی ظروف این دو محوطه با هم مشابه‌اند (همان: ۹۶) و اندنبرگ اوایل دهه ۱۹۷۰م دو گورستان منفرد هکلان در بخش میمه و پرچینه در منطقه زرین‌آباد را شناسایی و مورد کاوش قرار داد (Vandenberg, 1971, 1975, 1978).

بر اساس یافته‌های آن می‌توان آنها را یکی از قدیمی‌ترین و مطمئن‌ترین شواهد باستان-شناختی حضور مردمان کوچ‌نشین پیش از تاریخ در کوهستان‌های غرب ایران دانست (همان: ۳۸۷: ۴۴). این دو گورستان بر اساس مقایسه‌ای کلی با سفال‌های هزاره پنجم زاگرس مرکزی مورد تاریخ‌گذاری قرار گرفته‌اند. بر این اساس گورهای بخش A در گورستان پرچینه را به ۴۶۰۰ تا ۴۲۰۰ ق.م و گورهای بخش B و تمام گورستان هکلان به ۴۲۰۰ تا ۳۶۰۰ ق.م به دوران مس و سنگی میانی و مس و سنگی جدید تاریخ‌گذاری شده‌اند (Haerink and Overleat, 1996: 27). اشیائی که از این گورستان به دست آمده است شامل ظروف سفالی، سرگرزهای مسی و سنگی، ظروف سنگی، چکش و تیرهای سنگی، مهرهای سنگی و مهرهای استامپی است. وجود مهرهای استامپی در یک گورستان دوره مس و سنگ بدون وجود استقرارهای سکونت‌گواهی بر وجود پیچیدگی‌های اجتماعی و فن‌مدیریت در جوامع کوچ‌نشینی در هزاره پنجم قلمداد شده است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۸۷-۱۰۲) یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این دو گورستان وجود دست‌ساخته و ظروف سفالی با سبک‌های گوناگون بین‌النهرین، دشت شوشان و کوه‌های زاگرس و همچنین، وجود سلسله مراتب اجتماعی بر اساس اشیای تدفینی است. متأسفانه در این بخش از دشت دهلران به جز کاوش‌های محدود لویی و اندنبرگ در این دو گورستان بسیار مهم مطالعه جدی دیگری همچون کاوش‌های گسترده بخش جنوبی صورت نگرفته است. به همین دلیل، اطلاع‌چندانی از دیگر دوره‌های مختلف در دست نیست و از طرف دیگر امکان ارتباط استقرارهای سرزمین-

های بلند شمال غربی دهلران با جوامع یکجانشین و کشاورز جنوب دشت میسر نشده است و ما نمی‌توانیم بر اساس یافته‌های فعلی درک درستی از پایان روستا نشینی جدید / سرگراب که با حمله ساکنان کوهستان به دهلران پایان یافته (هول، ۱۳۸۸: ۷۴) ارایه دهیم. با این حال، مطالعات و بررسی اخیر در این منطقه سیمای روشنی از وضعیت منطقه در دوران تاریخی به دست داده است. به هر حال، انتظار می‌رود برنامه‌های بلند مدت و منسجمی برای پژوهش‌های باستان‌شناسی منطقه طراحی و اجرا گردد.



گورهای کاوش شده گورستان همکلان



گورهای کاوش شده گورستان پرچینه

## منابع و مآخذ:

### الف) منابع فارسی

- آمیه، پیر؛ (۱۳۴۹)، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- احسانی، محمد تقی؛ (۱۳۶۸)، هفت هزار سال هنر فلز کاری در ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایزدپناه، حمید؛ (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- اسکالونه، نریکو؛ (۱۳۹۴)، باستان شناسی جوامع ایران باستان (در هزاره سوم)، ترجمه سید منصور سید سجادی، تهران: انتشارات سمت.
- بحرالعلومی،... فرانک؛ (۱۳۷۸)، روش های سال یابی در باستان شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- بهزادی، رقیه؛ (۱۳۸۳)، آریاها و ناآریاها در چشم انداز کهن تاریخ ایران، تهران: انتشارات ظهوری.
- پاتس، دنیل تی؛ (۱۳۸۵)، باستان شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- پورمحمدی، پریسا؛ (۱۳۹۵)، چغا زنبیل، فصلنامه مطالعات ایلام شناسی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵.
- خلیلیان، علی محمد؛ (۱۳۷۹)، ایلام در گستره تاریخ، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۳ و ۴ (۶۲-۶۷).
- راولینسون، سرهنری؛ (۱۳۷۲)، سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب و خوزستان)، ترجمه سکندر امان اللهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- سرفراز، علی اکبر و بهمن فیروزمندی؛ (۱۳۷۳)، مجموعه دروس باستان شناسی و هنر دوران تاریخی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- سهرابی، محمد؛ (۱۳۷۶)، لرستان و تاریخ قوم کاسیت، انتشارات افلاک.
- صراف، محمدرحیم؛ (۱۳۷۲)، نقوش برجسته ایلامی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- طلائی، حسن؛ (۱۳۷۴)، باستان شناسی و هنر ایران در هزاره ق. م، تهران: انتشارات سمت.

- علیزاده، عباس؛ (۱۳۸۰)، تئوری و عمل در باستان‌شناسی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات همایش ملی میراث‌های تمدنی استان ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، (چاپ نشده).
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۷۶)، گزارش توصیفی و مقدماتی بررسی‌های باستان‌شناسی - انسان‌شناسی در دره‌های رودکر و ناحیه شمال غربی مرودشت فارس، گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی پژوهشکده باستان‌شناسی.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۶۵)، آرامگاهی مربوط به دوره ایلام نو در ارجان نزدیک بهبهان، مجله اثر شماره ۱۴، (۱-۱۳۱).
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۲)، همایش ملی معرفی میراث‌های تمدنی، دانشگاه آزاد اسلامی ایلام.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۱)، روند پیچیدگی اجتماعی و سیاسی در جهان عیلامی، پیام باستان‌شناس، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۷ (۸۷-۱۰۲).
- فرای، ریچارد، ۱۳۷۳، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران،
- کارتر، الیزابت؛ (۱۳۷۲)، بنای ایلام میانی در انشان (تل‌ملیان)، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، دوره هفتم، شماره ۱۳ و ۱۴ (49-55)،
- کالمایر، پیتر؛ (۱۳۷۶)، مفرغ‌های قابل تاریخ‌گذاری لرستان و کرمانشاه، ترجمه محمد عاصمی، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گیلانی، نجم‌الدین/ فریدون الهیاری؛ (۱۳۹۱)، «نقش ایلام باستان در توسعه فرهنگ و تمدن ایران در دوره هخامنشیان»، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۳۶ و ۳۷، پاییز و زمستان.
- محمودیان، حبیب‌اله؛ (۱۳۸۲)، گزارش بررسی و مستندسازی آثار باستانی استان ایلام، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.

- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۲)، گزارش شناسایی و مستند سازی آثار شهرستان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۲)، گزارش فاز اول تعیین حریم تپه چگا آهوان مهران، میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۷۷)، راه‌ها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی، ایلام: انتشارات سبز رویش.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۳)، آشنایی با جغرافیای استان ایلام، ایلام: انتشارات گویش.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۱)، دوران طلایی برنز در زاگرس غربی، ایلام: انتشارات زاگرو.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات اولین همایش معرفی میراث های تمدنی استان ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۰)، مقاله، ارتباط سیاسی و اقتصادی ایلام و بین‌النهرین، فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۶)، میراث ماندگار، ایلام: انتشارات زاگرو.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۶۵)، جاده‌ها و ایل راه‌های باستانی استان ایلام، نشر زاگرو، ایلام.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر باستان شناسی و آثار تاریخی ایران (پیش از اسلام)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۰)، گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان ایلام، حوزه چوار، میراث فرهنگی ایلام.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۸۲)، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی آثار تاریخی فرهنگی بخش مورموری شهرستان آبدانان، میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۹۶)، فصلنامه مطالعات ایلام شناسی، ایلام: نشر زاگرو.
- \_\_\_\_\_؛ (۱۳۷۳)، صادق، مبانی باستان شناسی ایران، بین‌النهرین، مصر، جهاد دانشگاهی، تهران.

\_\_\_\_\_؛ (۱۳۶۵)، جزوه درس باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران از آغاز تا پایان دوره استقرار در روستاها.

\_\_\_\_\_؛ (۱۳۷۸)، «ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی»؛ چاپ دوم، ۱۳۸۲؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

— میرسعیدی، نادر؛ (۱۳۹۰)، «تاریخ و تمدن ایلام باستان» در تاریخ ایران باستان، تهران: انتشارات سمت.

— مورتسن، پدر؛ (۱۹۷۴)، مقاله، بررسی و تعمق در دره هلیلان، ترجمه حبیب اله محمودیان، چاپ نشده.

— واندنبرگ، لویی؛ (۱۳۴۸)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

— هول، فرانک؛ (۱۳۸۱)، باستان شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.

— سایت های اینترنتی

— وب سایت : mahmoodian.ir

### ب) منابع انگلیسی

1. Hole, F. and R.V. Flannery, EAKI, PP.99-100; PSWL, PP.147-206; together with J.A. neely, EVSK.
2. Hole, F., K. V. Flannery, and J. A. Neely. 1969. Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain: An Early Village Sequence from Khuzistan, Iran. Memoirs, Museum of Anthropology, University of Michigan 1. Ann Arbor: University of Michigan Press.
3. Lautier, J. E. and G. Lampre, 'Fouilles de moussian', men. VIII, 1905, PP. 59-148.
4. Lautier, J. E. and G. Lampre, 'Fouilles de moussian', men. VIII, 1905, P.83.
5. Lautier, J. E. and G. Lampre, 'Fouilles de moussian', men. VIII, 1905, PP. 73-80.
6. Lautier, J. E. and G. Lampre, 'Fouilles de moussian', men. VIII, 1905, PP. 72-73.
7. Hole, E. "Excavation at Ali kosh. Iran. Chart 7, P. 139.

8. Hole, and Flannery, neeley and Helbeak, 1969:281-330; Redding, 1974; Dollfus, 1973:17-1).
9. Kantor. H.JDelougaz.p. Choghamish the first Five Seasons of excavations 1961-71-Edited by Abbas Alizadeh. (By the university Of Chicago, 1996).
10. Flannery, neeley and Helbeak, 1969:281-330; Redding, 1974; Dollfus, 1973:17-
11. Neely, J.A.1974. “*Sasanian and Early Islamic Water-Control andIrrigation Systems on the Deh Luran Plain, Iran,*” in T. E.Downing and McG. Gibson, eds., *Irrigation’s Impact on Society. Anthropological Papers of the University of Arizona* 25. Tucson: University of Arizona Press, 21–42.
12. Neely, J. A. 2003. “*Sassanian and Early Islamic Water Control and Irrigation Systems on the Deh Luran Plain, Southwestern Iran,*” in M. G. Morony, ed., *Production and the Exploitation of Resources, the Formation of the Classical Islamic World*, Vol.
13. Wright, H. T., and J. A. Neely, editors. 2010. *Elamite and Achaemenid Settlements on the Deh Luran Plain: Towns and Villages of the Early Empires in Southwestern Iran*. Monograph, Museum of Anthropology, University of Michigan47. Ann Arbor: University of Michigan Press.
14. Ali zadeh, abas. 1992, pre historic settlement patterns and cultures in Susiana, south western Iran; the analysis of the F. GL.Grem lisa survey collection, Ann.Arbor museum of anthropology technical report 24

## گاهان، کهن ترین سروده های زرتشت با خوانشی روان

دکتر حسین اعظمی<sup>۸</sup>، دکتر پریسا پورمحمدی<sup>۹</sup>

### چکیده

کهن ترین و سپندترین بخش اوستا گاهان، گات‌ها یا گات‌ها ست. گاه یا گات به معنای سرود یا درست‌تر سروده منظوم و شعرگونه در میان نثر می باشد؛ اما، نه اینکه مانند سروده‌های پارسی نو بر مبنای عروض عرب باشد؛ بلکه نزدیک به وزن سروده های کهن سانسکریت و سایر شعرهای ایرانی باستانی است. سروده ها و نیایش‌هایی که سخنان خود زرتشت هستند و مردمان همواره نگاه ویژه ای به آن داشته‌اند. سروده‌ها کهن ترین آثاری است که از روزگاران پیشین برای ایران ادبی امروز به جا مانده و به همین روی، از دید دستور زبان و درون مایه با سایر بخش های اوستا دگرگونه است.

بررسی ها نشان می‌دهد بخش های نثرگونه سروده های گاهان از میان رفته و تنها برش های شعرگونه یا منظوم برجای مانده است. از این رو، می‌توان گفت که امروزه همه گات‌ها یا سروده‌های زمان ساسانیان دردست است؛ چراکه از ارج و درجه‌ای برخوردار بوده که با موشکافی به یادها سپرده می‌شده و تا روزگار ما برجای مانده است. در این نوشتار تلاش شده تا با خوانش جدید گات‌ها معرف محتوای این سروده های باستانی باشیم. باشد که رسایی این برگردان اندکی از دشواری‌های این سروده های کهن و دشوار را بکاهد و فرزندان پاک ایران زمین را دگر بار به سوی آموختن درون مایه های این کهن ترین اثر ملی میهنی ما وادارد.

**واژگان کلیدی:** گاهان، یسنا، سپنتا مینو، اوستا، جاماسپ، یشت.

<sup>۸</sup> - دانش آموخته، علوم پزشکی (جراحی قلب و عروق)

<sup>۹</sup> - دانش آموخته دکترای باستان شناسی، مدرس دانشگاه هنر شیراز.

**مقدمه:** سروده‌های اوستایی (گاهان)؛ در هزاران سال پیش و به زبان پارسی باستان سروده، و با دبیره دین نگاه داشته شده‌اند. دکتر ابراهیم پورداود، پس از هزاران سال گاهان را به فارسی برگردانده و با چنین تلاشی راه را برای نسخه‌های دیگر گاهان به زبان پارسی امروزی فراهم نموده‌اند. کمبودی که در رمز گشایی زبان سانسکریت و یا اوستایی به زبان پارسی امروزی پدیدار هست، از دست دادن فضای سرایش این گاهان در هزاران سال پیش است؛ کمبودی که از کارایی گاهان بی گمان می‌کاهد. گرچه نسخه‌های نوین چاپ شده از گاهان، خوانش و جو سرایش را روان تر نموده‌اند؛ اما همچنان برخی از دریافت‌ها برای خود آموزی دشوار می‌باشند. در این ویرایش از گزیده‌های گاهان، تلاش بر آن شده است تا با بکارگیری واژه‌ها و بازسازی جو سرایش؛ خوانشی روان و آسان در دسترس قرارگیرد. امید است خوانش این ویرایش به گونه‌ای رسا و پویا مورد استفاده قرار گیرد.

**اوستا:** در اوستای دوران ساسانیان، در سر نخستین نسک گاهانیک یا ستوت یشتم آمده است: می‌ستاییم فرخنده سروش را کسی که نخستین بار پنج گاه یا پنج سرود زرتشت را بسرود. در وندیداد فرگرد، ۱۹ از پنج گات‌های اشو زرتشت یاری خواسته می‌شود. در کتاب ویسپرد اوستا نیز، از پنج گات یا گاهان زرتشت نام برده و به هریک درود می‌فرستد. گاهان را از دورباز به پنج بخش دسته بندی کرده و برای خوش یمنی در میان هفتاد و دو یسنا جای داده‌اند. بخش بندی پنج گانه به مناسبت نوبت‌های پنجگانه روز و نیایش آنها نبوده، بلکه به مناسبت وزن‌ها و روند ساختارمند سرایش است که به پنج بخش دسته بندی شده است. هر یک از پنج گاهان با نخستین واژه‌ای که با آن آغاز می‌شود، نامیده شده‌اند: نخستین گات اهنودگات یعنی گاتی که با اهنون آغاز شده است. اهنود گاه دارای هفت‌ها یا فصل می‌باشد. های نخست و

دوم و سوم هریک دارای یازده قطعه است. های چهارم دارای بیست و دو؛ قطعه های پنجم دارای شانزده قطعه است. های ششم دارای چهارده قطعه و های هفتم دارای پانزده قطعه است. اهنود ساخته شده از سه شعر و هر شعر دارای شانزده آهنگ یا سیلاب است. مکث و درنگ پس از سیلاب هفتم است. از یسنا ۲۸ تا یسنای سی و چهار مربوط به نخستین گاه یا اهنود گاه است. پس از آن، هپتن هات یا هفت ها آغاز می شود که از نوع نثر است و از گاهان نیست. از یسنای سی و پنج آغاز می شود و با یسنای چهل و دو پایان می یابد. سپس، دوباره گات ها یا گاهان شروع می شود و آن دومین گات یا سروده است به نام اوشتاویتی؛ یعنی گاه آغاز شونده با اوشته که به چم تندرستی است. امروزه به این گاه اوشتود گویند. از یسنای ۴۳ آغاز شده و با یسنای چهل و شش پایان می یابد. قطعه نخست ساخته شده از شانزده قطعه، دوم از بیست قطعه، سوم از یازده قطعه، چهارم از نوزده قطعه. هر قطعه از پنج شعر ساخته شده است. هر شعر یازده سیلاب دارد. مکث پس از سیلاب چهارمی است (۴+۷). سومین گات سپنتامینو یعنی خرد و اندیشه سپند (مقدس) بوده که اکنون سپنتمد خوانده می شود. از یسنای ۴۷ تا خود یسنای ۵۰ هات یا های نخست دارای شش قطعه است.

دومی و سومی هریک دوازده قطعه، چهارمی یازده قطعه. هر قطعه ساخته شده از چهار شعر و هر شعر دارای یازده سیلاب است که پس از سیلاب ها کمی مکث یا درنگ وجود دارد (۴+۷). گات سومی و هوخشتره نامیده شده؛ یعنی همان شهریوریا شهریار یا نیکو یا کشور خوب. تنها یک «ها» دارد که یسنای پنجاه و یک است. ساخته شده از بیست و دو قطعه. هر قطعه سه شعر دارد و هر شعر چهارده سیلاب. مکث درست در میان واقع است (۷+۷) پس از هوخشتره دوباره گات های منظوم با یک هات منثور بریده می شود و یسنای پنجاه و دو را شکل می دهد. گاه پنجم و پایانی هیشتواستی خوانده می شود به چم

همان اردیبهشت یا بهترین نیکی دارای نه قطعه است هر قطعه آن ساخته شده از دو شعر کوتاه و دو شعر بلند. هریک از شعرهای کوتاه دوازده سیلابی است و درنگ پس از هفتمین سیلاب جای دارد (۵+۷). هریک از شعرهای بلند نوزده سیلابی است و مکث یک بار پس از هفتمین سیلاب و یک بار پس از چهاردهمین سیلاب می آید (۵+۷+۷).

### گات ها

این بود بخشی از وزن سروده های ما در سه هزارسال پیش. گذشته از آن که امروز از وزن شعر قدیم خود باخبریم و این را از راه خود اوستا می دانیم. باید گفت دشوارترین بخش اوستا همین گات هاست. دریافت مفهوم متن آن بسیار دشوار است. تا جایی که در دوران ساسانیان نیز فهم آن سخت بوده. در زمان ساسانیان زمانی که به تفسیر پهلوی اوستا پرداختند دچار همین دشواری شدند؛ چون اکنون که آن را بررسی می کنیم پیدا است که در آن زمان تفسیری که از این گات ها شده است بسیار نادرست و بر خلاف تفسیر سایر قسمت های اوستا که تفسیر برابر اصل متن است و امروز کلید فهم اوستاست بوده است.

پس تفسیر پهلوی گات ها نمی تواند کلید فهم آن باشد، بلکه تنها می تواند ما را بسوی معنی سروده های کهن رهنمون کند. گذشته از قدمت زبان و دستور آن، چیزی که گات ها را دشوار ساخته این است که بسیاری از واژه های آن تنها ویژه خودش می باشد و در سایر بخش های اوستا یافت نمی شود. دو دیگر آنکه سراینده آن را به شکل شاعرانه سروده است. همچنین، نثری که پیش ازین آمیخته این نظم بوده و معنای درست را روشن می ساخته از میان رفته است.

### پیشینه ترجمه اوستا

بیش از دو قرن از تاریخ انتشار ترجمان فرانسوی اوستا برای نخستین بار توسط انکتیل دوپرون<sup>۱۰</sup> می گذرد. هفت سال پیش از او توماس هید<sup>۱۱</sup> کتابی در خصوص دین ایران قدیم چاپ کرد. این کتاب سبب شد تا انکتیل در سال ۱۷۷۵ از فرانسه با کشتی به هندوستان سفر کند و پس از گذشت شش ماه سفر دریایی بدون سرمایه و با زحمت زیاد خود را به هندوستان رساند تا از طریق پارسیان با اوستا آشنا گردد. مدت چند سال آنجا اوستا را از دستور داراب یکی از شاگردان دستور جاماسپ کرمانی که برای سرکشی پارسیان به هندوستان رفت بود، فارسی و اوستا را آموخت. پس از بازگشت به فرانسه چندین سال دیگر در ترجمه اوستا کارکرد تا توانست در سال ۱۷۷۱ آن را منتشر سازد. سپس دانشمندان آلمانی چون بارتولومه<sup>۱۲</sup> در این راه تلاش زیادی کردند. اساس ترجمان گات های استاد پورداوود گات های بارتولومه آلمانی است. پروفیسور بارتولومه از دانشمندان نامی اروپا بود که تمام عمر خود را برای اوستا به سر آورد. او دستور زبان و واژه نامه بسیار مفصل و دقیق اوستایی را نوشته که اثر بسیار ارزشمندی است.

گاهان کتابی است بسیار قدیمی و دارای سبک جدا و ویژه تا جایی که امروزه شعبه ای از دانش ایرانشناسی است و دارای تعییرات اندیشه ها و اصطلاحات ویژه است. استاد ابراهیم پورداوود این کتاب ارزشمند را که ترجمان گات ها یا سروده ها است، نخستین بار در سال ۱۳۰۵ به چاپ رساند و ما را از سروده های موزون پیام آور یگانه ایران در بیش از سه هزار سال پیش بهره مند ساخت.

<sup>۱۰</sup> - Anquetil-Duperron

<sup>۱۱</sup> - Christian Bartholomae

## خوانش جدید

اکنون پس از گذشت دهه‌ها این اثر گرانبمایه را به پارسی سره برگردانده‌ایم و با پرهیز از بکارگیری واژه‌های بیگانه و با دیدی نوین به جمله بندی‌ها آذین بخشیده‌ایم و کوشش شده، پیکره متن به زیور قریحه و ذوق پارسی گویی آراسته شود. چندان که پس از خوانش این برگردان روان، بتوان از منظر دیگری به باغ دلگشای سروده‌های اهورایی نگریست. گویی سروش بی واسطه پیام زرتشت را به گوش روان تان می‌رساند. برآستی سبب می‌شود خود را در فضای زمان و مکان متن انگاشت. این خوانش روان درهای تازه‌ای از اندیشه را بروی خواننده می‌گشاید. گویی همگام با سروده‌ها و نزدیک به روان آفرینش در ایرانویج سه هزارسال پیش از این، فره ایران‌شهر و خردپاک زرتشت را می‌ستایید. انتظار می‌رود این برگردان توانسته باشد اندکی از دشواری‌های این سروده‌های کهن را بکاهد و فرزندان ایران زمین را دگربار با درون مایه‌های این کهن‌ترین اثر ارزشمند ایران باستان آشنا سازد.

## اهنود گات؛ یسنای ۲۸

سراسراندیشه، سخن و کردار زرتشت اهورایی است. **ای امشاسپندان!** این نماز گات‌ها را پذیرا شوید؛ درود بر شما ای گات‌های پارسا. **اهیا یاسا**

(۱) **ای مزدا!** با برافراشتن دست‌ها و با ستودن آفرینش خرد پاک، زرتشت خشنودی اشا و روان آفرینش را خواستار است.

(۲) **ای مزدا و ای وهومن!** زرتشت در خویش کاری برای شماها پایدار است. شکوه دو جهان و فرزاندگی مادی و مینوی را که آسایش بخش پیروان اشا باشد، به زرتشت ارزانی دارید.

۳) **ای مزدا و ای وهومن و ای اشا!** زرتشت شماها و آرمه‌ی تی (آرمیتی) را از برای آرامش خرمی بخش سرای جاویدان می‌سراید؛ با سروده‌هایی که تا پیش از این سروده نشده‌اند. هر آنگاه که زرتشت شماها را فرا می‌خواند، به یآوری برآید.

۴) خویش کاری زرتشت، نگاهبانی از روان پیروان آیین اهورایی و از میان منش پاک می‌باشد. زرتشت برای آموزش دادن کردار نیک و فرا خواندن خاکیان به سوی راستی، توانمند است؛ چنین خویش کاری که پاداش شایسته مزدا را در پی خواهد داشت.

۵) **ای اشا!** چنانچه زرتشت به آیین اشویی آگاه گردد، مانند دانشمندی روشن روان بر خوردار از منش پاک خواهد شد و شایسته سرای جاویدان و روشنای اهورا مزدا خواهد گردید؛ پاداشی که زرتشت را خشنود خواهد ساخت. زرتشت امید و راست با بکارگیری سخنی شایسته که بر گرفته از آیین آفرینش اهورایی باشد، گمراه گشتگان را از راه اشویی، بسوی منش پاک رهنمون سازد.

۶) **ای مزدا!** همانگونه که در گستره وهومن و اشا با ایمنی مژده دادی؛ برای چیرگی و پیروزمندی، در رویارویی با کین و رزان، به زرتشت پایداری و استواری ارزانی دار.

۷) **ای اشا!** زرتشت را در منش پاک شکوهمند سازید. **ای آرمیتی!** خواسته زرتشت و گشتاسب را برآورده سازید. **ای مزدا!** ویژه گی شهریاری زرتشت را چنان گونه ساز که و خشورتو بتواند پیروانی همگرا بدست آورد.

۸) **ای اهورا مزدا و ای برترین در اشویی!** از برای یآوری استوار بر زرتشت چون فرسوتر و یا هر خاکی استوارمند دیگری، شایسته ترین دهش را که همانا منش پاک پایدار باشد خواستارم.

۹) ای اهورا مزدا وای اشا و ای منش پاک! زرتشت با سروده های ستایش به پیشگاهتان، پیوسته می کوشد تا از کین ورزی رهایی یابد؛ تا بدینگونه آرزوهای خود را بر آورده یابد و به سوی بهشتی که بر آن امید بسته شده رهسپار گردد.

۱۰) ای مزدا! زرتشت آگاه است، نیایش ها و سرایش هایی که پیش کش می شوند، از سوی تو پذیرفته شده و به نیکویی کار ساز خواهند بود. پس، آرزوی درست کرداران و پاک اندیشان را که تو شایسته می دانی، بر آورده و آنان را کامیاب ساز.

۱۱) ای مزدا! در پرتو خرد پاک و بنا بر فرمایش اهورایی، پرده ای را که از پدیده های زندگی در پیش روی است بردار، تا زرتشت نگهبان کردار درست و اندیشه نیک خاکیان باشد.

### اهنود گات؛ یسنا ۲۹

۱) اشا: ای اهورا مزدا! روان آفرینش از ستم و ستیز و خشم و زور که همخوان با آیین نامه آفرینش اهورایی نیستند، گله مند و به ستوه آمده؛ روان آفرینش خواستار برپا شدن پایندگی و فرخندگی در جهان خاکی است .

۲) آفریدگار هستی از اشا پرسید: آیا دادمندی را که بتواند همدل و آسایش بخشِ روانِ آفرینش باشد، می شناسید؟ دادمندی شایسته بر این داوری که در برهم شکستن خشم و هواداران دروج توانمند باشد؟

۳) اشا: آن دادمند توانمند کسی نباشد؛ مگر، آنکه بداند چگونه با آفریدگان کردار کند. اهورا: در میان خاکیان، آن دادمند توانمند همان کسی باشد که از برای درخواستش یاریش کنیم .

۴) اشا: مزدا خود گواه هست که از سوی دیوان و خاکیان چگونه کردارهایی بروز کرد. از این پس نیز، چه؟ از سوی خاکیان بروز خواهد کرد. اما، رای با اهورا باشد و ما به گزینش اهورا ارج می نهیم.

۵) اشا: من به همراهی روان آفرینش، با دست های برافراشته، برگزیده خاکی را می ستایم؛ باشد تا برگزیده اهورایی از چیره گری هواداران دروج بر تلاش گران، واز هم پاشیدگی نیکوکاران جلوگیری کند.

۶) در پی این رای گیری، مزدا اهورا که دانا و شناسای آیین اهورایی است گوید: برای همدلی با روان آفرینش، دادمندی که بر پایه آیین پارسایی کردار کند، نیافتیم؛ مگر، تلاشگری خاکی که پرورنده ستور باشد.

۷) این سرود های ستاینده، برآمده از مزدا اهورایی است که خواسته اش بنیاد اشا می باشد و این سرودها برای رستگاری جهان و خاکیان درست کردار به جهان رسیده است. روان آفرینش: ای وهومن، در میان دستیاران مزدا، چه کسی برای نگهبانی من برگزیده شد؟

۸) وهومن: یگانه خاکی که پذیرنده آیین آفرینش اهورایی و برخوردار از سخنی کارآمد برای گسترش اندیشه نیک باشد، همانا زرتشت سپتمان است.

۹) روان آفرینش با پرخاش گوید: درخواست من زورمندی دلیر می بود؛ اما، مژده یک خاکی ناتوان را به من داده اید. چه هنگامی چنین دلاوری که بتواند به فریاد روان آفرینش برسد، فرا خواهد رسید.

۱۰) زرتشت: ای اهورا! در پرتو اشا و پاک منشی؛ چنان توانمندی و استوارمندی در بردباری، که آشتی و آسایش را نیرومندانه بر روان آفرینش فرمانروا گرداند، برانگیزان؛ ای مزدا، زرتشت درمی یابد که تو می توانی چنین روندی را برانگیزانی.

۱۱) ای دستیاران مزدا؛ در جایگاه چنین شهریاری بر خاسته از پاک منشی و دادورزی، پذیرنده زرتشت باشید، تا آموزش آیین آفرینش اهورایی بر زرتشت روان گردد. روان آفرینش: ای اهورا؛ بدین گونه، پشتیبان ما پدیدار گشت؛ از برای سپاسمندی، ستایش خود را پیش کش می داریم.

### اهنودگات؛ یسای ۳۰

۱) اکنون زرتشت سخن برمی آورد، برای خاکبانی که خواهان پیروی باشند: کسی که چشم امید به سوی سرای جاویدان روشنایی دوخته باشد؛ آن مرد دانش گرا و راست گرا، نخست برای کامیابی، به سروده های ستایش اهورا و نیایش وهومن گوش فرا داده و آنها را به یاد خواهد سپرد. از این رو، رستگار خواهد گردید.

۲) برای رستگاری و کامیابی در سرانجام زندگانی و پیش از فرارسیدن روز واپسین، هر خاکی می باید از میان باز شناختن دو آیین راستی و دروج (دروغ)، آیین خود را برگزیند.

۳) گوهرهای این دو آیین، به گونه همزمان در سرای پندار پدیدار گشتند. گوهریکی در برگیرنده اندیشه و سخن و کردار نیک؛ و گوهر دیگری در برگیرنده اندیشه و سخن و کردار زشت بودند. مرد دانش گرا آیین نیک راستی را برمی گزیند.

۴) از رویارویی این دو گوهر، زندگانی و مرگ پدیدار گشتند. بدینگونه؛ در سرانجام فرآیند زندگانی، هواداران دروج از زشت ترین جایگاه، که دوزخ باشد، و هواداران راستی از نیکوترین سرای برخوردار خواهند شد.

۵) از این دو گوهر؛ هواداران دروج، زشت ترین کردار را برای خود بر می گزینند. پیروان راستی که پیوسته خواستار خشنودی اهورامزدا هستند، خرد مینوی را که آراسته به فرزانیگی اهورایی است برمی گزینند.

۶) هنگام گزینش از میان این دو گوهر؛ دسته دیوان فریب خورده، ناگزیر همراه اندیشه ناشایست می‌گردند. از این روی؛ در راه نابود کردن زندگانی خاکیان با پیروی از خشم جای گرفتند.

۷) برای یاری رساندن در آزمون روز واپسین و گذر به سوی پاداش اهورایی مژده داده شده؛ پیکری پایدار و از سوی آرمیتی، برخاسته از شهریاری اهورا، و به دستیاری و هومن و اشا، به برگزیدگان آیین نیک بخشیده می‌شود.

۸) ای اهورا مزدا! و هومن به فرمان شما، سرای جاودانگی را به روان خاکیانی ارزانی خواهد داشت که در راستای همگرایی با پیروزی اشا، بر دروج چیره شده باشند.

۹) گزینش زرتشت، چنان زندگانی است که در آن خاکیان را به سوی راستی رهنمون باشد. باشد تا زرتشت از بخشایش مزدا و یآوری دستیارانش برای رسیدن به اندیشه نیک که سرچشمه خرد پاک است، بهره مند شود.

۱۰) سرانجام؛ زمان درهم شکستگی جهان دروج فرا خواهد رسید، و پاداش سرای فرخنده که از سوی مزدا مژده داده شده، از میان و هومن و اشا، به کسانی ارزانی شود که کارنامه زندگانی خود را با نیکی آراسته باشند.

۱۱) ای خاکیان! چنانچه از دستور آفرینش که به فرمان مزدا بیان شده است و همچنین از سود مندی پیروی از راستی آگاه باشید، رستگاری و کامیابی گیتی و سرای جاودانگی از برای شما خواهد بود، و از رنج پایدار و روزیانی که بدنبال پیروی از دروج خواهد بود، ایمن خواهید بود.

## اهنود گاه، یسنای ۳۱

(۱) بر پایه فرمان اهورامزدا، اکنون زرتشت از سخنانی برخاسته از اشا پرده برمی دارد که بسی ناگوار و نگونسارکننده برای پیروان دروج، و امیدبخش و دلنشین برای باورمندان راستین مزدا می باشند.

(۲) در برابر ناآگاهی در برگزیدن شایسته ترین راه، زرتشت در جایگاه داوری برگزیده از سوی اهورا مزدا و برخوردار از شوئی؛ به سوی هر دو دسته آمده، بشود تا هریک از دو دسته در چهار چوب آیین پارسایی زندگی را سپری کنند.

(۳) **ای مزدا!** چگونه کیفی برای هر یک از این دو دسته، با دستیاری سپنتا مینو و آذر، بیان شده است؟ سرانجام کسی که در راه دین کوشان هست چه خواهد بود؟ از سرچشمه دانش خود، زرتشت را آگاه ساز، تا پیام آیین نامه آفرینش اهورایی را به خاکیان برسانم.

(۴) آنگاه که درخواست یاری از مزدا و امشاسبندان گردد، دستیارانی همچون اشا و آرمیتی به یآوری فرا خوانده شوند. **ای وهومن!** بدین گونه زرتشت می تواند به مژده سرای جاودانی امید داشته باشد؛ امیدی که نیروی برآمده از آن، توان چیره گری بر دروج را پدیدار می دارد.

(۵) **ای اشا وای وهومن!** زرتشت را از شایسته ترین پاداش در پیش روی آگاه کنید؛ چرا که انگیزه رشک و کین ورزی پیروان دروج به زرتشت، شناسانده خواهد شد. **ای مزدا اهورا!** از پیامد های آنچه که در راستای آیین نامه آفرینش اهورایی نیست، زرتشت را آگاه ساز.

۶) برای زرتشت که سرود فرخندهٔ رسایی و جاودانگی اش را آموزش می دهد؛ همانا، سرای مینوی مزدا بهترین پاداش می باشد؛ سرایی که درپرتو پاک منشی نهاده شده است.

۷) نخست، مزدا اهورا، با نیک اندیشیدن که نیروی آن برآمده از خرد پاک اهورایی باشد؛ سرای روشنی پارسامنشی رابیا فرید. **ای مزدا اهورا، ای پایدارترین!** چنین سرایی، آرامگاه روان های نیک منشی خواهد بود که تو آنان را سزاوار می دانی.

۸) **ای مزدا!** آنگاه که زرتشت توانست با نیروی اندیشیدن، تو را در درون خود دریابد، دریافت که تو سرآغاز و سرانجام هستی ها، و نگهبان آیین منش پاک هستی، تو آفرینندهٔ اشا و داور کارنامه کردار خاکیان می باشی.

۹) **ای آرمیتی!** نیروی پرورش دهندهٔ ستوران از اراده تو است. و همچنین؛ داوری ای که در راستای آن، پناه ستوراز میان دهقان تلاشگر و دیگران؛ برگزیده شود؛ تا بدین گونه ستورازرنجش و آزار، آزاد ماند؛ نیز برخاسته از خرد روشن تو است.

۱۰) دهقان کوشا که پیرومنش پاک و دادمند باشد، پناه برگزیدهٔ ستوراست. در این راستا؛ تلاش های دیگران که به دور از آیین نامهٔ آفرینش است، بی بهره خواهند بود.

۱۱) **ای مزدا!** در نخستین گام آفرینش؛ با نیروی اندیشیدن که برخاسته از خرد پاک باشد، آیین نامهٔ آفرینش اهورایی و روان را بیافریدی. سپس، هنگامی که به آفرینش، پیکر خاکی بخشیدی، نیروی اراده و گزینش را در این پیکر خاکی بر نهادی، تا هر خاکی بر پایهٔ اراده و باور خود کردار کند.

۱۲) از همان نخستین آفرینش؛ بر پایهٔ اندیشه و باورمندی و خردمندی، یک رسته از روان هاسخن سنجدیده بر آورده، ورسته دیگری از روانها گفتار دروغین را برگزیدند. آرمیتی

پیوسته از یک رسته به رسته دیگری شتابد، تا مگر روان هایی را که همچنان در راه پنداشتی گمراه کننده هستند، پند و اندرز دهد.

۱۳) **ای مزدا!** به دستگیری اشا، تو از هر کار آشکار و پنهان که سزاوار سرزنش باشد آگاهی و با بینایی و بیداری نگهبان بنیاد اشا می باشی. هر کردار زشت، هر اندازه که کوچک انگاشته شود، شایسته بیان پشیمانی و بازگشتی استوارمند به سوی آیین اشویی می باشد.

۱۴) **ای اهورا!** چگونه خواهد بود سرانجام و فرجام روان خاکیانی که هنگام برآورد کارنامه کردار خود، در زمره پیروان راستی بر شمرده شوند؟ و چه خواهد بود سزا و کیفر پیروان دروغ در روز واپسین؟

۱۵) **ای اهورا!** سزا و کیفر هوادارانی که برای یک فرمانروایی بد نهاد می کوشند، فرمانروایی که بدان بجز ستم و وزیدن به ستوران و تلاشگران و دهقانان، کار دیگری بر نمی آید، چه خواهد بود؟ با اینکه از سوی چنین تلاشگرانی آزاری به این فرمانروایی بد نهاد نمی رسد.

۱۶) **ای مزدا اهورا!** زرتشت دانشمند در پرتو اشا، خواستار برتری دادن به خانمان وده و شهر در راستای آیین نامه آفرینش اهورایی است. در این راستا، زرتشت چگونه باید کردار کند و چه هنگام به این آرمان خواهد رسید؟

۱۷) **ای مزدا اهورا!** آن خاکی که پیرو راستی است و یا آن کسی که پیرو دروغ است، کدامیک فرزانه تر است؟ زرتشت دانش گرا که خواستار افزایش آگاهمندی خود است، سزاوار آن است تا منش پاک را از دانش اهورایی بیاموزد.

۱۸) هیچ یک از خاکیان نمی‌باید به سخنان و فرمان پیرو دروج گوش فرا دهند. پیرو دروج، خانمان وده و شهر را دچار کاستی و ازهم پاشیدگی خواهد نمود. نیرومندانه پیرو دروج را از خود دور نمایند.

۱۹) ازدانشمند برخوردار از ازشا پیروی کنید که درزندگانی چاره بخش باشد. زبانه آتش فروزنده اهورایی برای داوری در بین روان های خاکیان بکار گرفته می شود؛ در برابرین زبانه آتش، چنین دانشمندی استوار می ایستد.

۲۰) درد و افسوس و سرخوردگی پاینده و پذیرایی دوزخی ازهرخاکی که هوادار ازشا گردد، دور گردد. شما، ای هواداران دروج، چنانچه کردارتان فرماندار آگاهی روان شما گردد، فرجامی نگوئید خواهید یافت.

۲۱) شهریاری پرتوان و چیره گر اهورایی که دربر گیرنده راستی و رسایی و فرمانروایی و جاودانگی باشد، ویژه کسی است که در اندیشه و کردار فرمانبردار اهورا مزدا باشد.

۲۲) خاکی دانش گرای، از روی خردمندی درمی یابد که یاورار جمند اهورا مزدا، هرخاکی است که در سخن و کردار خویش پیرو اشا و خواستار سرای جاودان نیکی باشد.

### اهنودگاه، یسنای ۳۲

۱) زرتشت: برای دستیابی به آمرزشی که اهورا مزدا بر نهاده است، پیشوایان و بزرگان و تلاشگران، و شما ای فریب خوردگان دیو، می‌بایست در به کار گیری آموزه‌های زرتشت کوشا باشید.

۲) مزدا اهورا که پاک منشی ازوی برآمده است، همان روشنایی می باشد و از سوی خسترا پاسخ شما را خواهد داد. برای دستیابی خاکیان به پاکی و پارسایی، زرتشت و پیروان اشا بر آن هستند تا شماها را از خود بدانند.

- مزدا اهورا پاسخ هواداران پاکی و پارسایی را خواهد داد.
- ۳) زرتشت: ای دیوسرشت‌ها وای پیروان دیوها! شماها برآمده از گوهرمنش زشت هستید. شماها در هفت سرزمین با کردارهای زشت همچون دروج و خودستایی، برای خود آوازه ای ساخته اید.
- ۴) ای پیروان دروج! از آن هنگامی که شماها از آیین نامه پارسایی آفرینش سرباززده اید؛ واز اندیشه نیک دوربمانده‌اید، پس ازخواست مزدا اهورا گریزان شده‌اید، ودربرایند رای برزیان رساندن به خاکیان برگرفته‌اید. از این رو، شما در زمره پیروان دیو برشمرده می شوید .
- ۵) زرتشت: ای پیروان دیوها! شما از آموزه های گرهما، ویدمنش، اندیشه وسخن ناشایست خود را به مردم آموختید؛ واینچنین خاکیان را، ازیک زندگانی شایسته و جاودانی دورنگاه داشتید. این گرهما است که آموزگار پیروان دروج از برای تباه کردن زندگانی خاکیان است.
- ۶) چنانکه خواست دیوبرآن بود، دربسیاری از زمینه ها آوازه‌ای برای خود بدست آورد.
- ای اهورا! توازروی خرد پاک خود، برکردارهرخاکی بینا و ویداروآگاه هستی. درسرای جاودانی تو وبه دستیاری اشا، کردارروان هرخاکی داوری خواهد شد.
- ۷) ای مزدا اهورا! تو فرجام هرگناهی را از همه بهترمی دانی. هیچ گناهی نباید ازخاکی آگاهمند بروز کند. پاداش ویا کیفر هر خاکی، پس ازآزمون با فلز گداخته روشن خواهد گردید.

۸) جمشید زاده ویونگهان، خوردن گوشت را از برای خرسندی خاکیان در برابرستم برستوران به آنان بیاموخت. ای مزدا، تو خود میان جمشید وزرتشت شایسته ترین داوری.

۹) ای مزدا وای اشا! با این سخنان شکوهمند، زرتشت ناخرسندی خود را بیان می دارد؛ چرا که آموزگارگمراه کننده، ارزش نگارنامه آفرینش اهورایی و آیین نامه آشویی برای یک زندگانی برخاسته از پاک منشی را خواری می سازد.

۱۰) زرتشت: چنین آموزگارگمراه کننده، با نادیده گرفتن فرمان اهورایی، ازستوران وخورشید به زشتی سخن می راند؛ چراگاه ها را ویران می کنند؛ به هوشمندان ننگ دروج پرستی می راند، ودربرابر پیروان راستی جنگ افزار بدست می گیرد.

۱۱) ای مزدا! چنین خاکیانی، کوشش وتلاش خود را برای نابود ساختن آیین نامه آفرینش اهورایی درزندگانی به کاربستند، وبراین پندار می باشند تا کد بانوان وکد خدایان هواداراشا را از میان امیدواری به بهره‌ای، فریب داده واز پیگیری راه منش پارسا دورنمایند.

۱۲) ای مزدا! پیروان گرهما که ازراستی گریزانند، با آواز شادمانی گاورا می کشند وکرپانها که فرمانروایی آنان بر پایه دروج نهاده شده است، کسانی هستند که با اینگونه آموزه ها، خاکیان را از کردار شایسته برمی گردانند. نفرین مزدا بر آنان باد.

۱۳) سرانجام، و در سرای مینو، روان گرهما ونابود گران آیین زندگانی اهورایی، به سرای منش زشت پذیرفته خواهند شد. در آن سرای منش زشت، هرچند که برای فریادرسی با آواز بلند پیام وخشوراهورایی را برسرگیرند، برای آنها دیگر دسترسی برای شناختن اشا نخواهد بود؛ وازپاداشی که به پیروان اشا مژده داده شده بود، بی بهره خواهند ماند.

۱۴) از زمانی دیرپا، گرهما و کاویها، پنداشت و تلاش خود را در ستمکاری برگماشته اند، تا یآوری برای پیروان دروج باشند. کشتن گاورا راهی به سوی جاودانگی جلوه داده اند.

۱۵) کرپانها ودودمان کاوی ها، که بر خاسته از گوهر زشت می باشند، و در برابر پیمان آفرینش اهورایی نافرمانی نموده اند، نگونسار خواهند شد. رهایی بخش این گمراهان را یآوری مگر بازگشتن به منش پاک نخواهد بود.

۱۶) **ای اهورا مزدا!** پیروزی تو در برابر هرروندی ستودنی هست؛ وبه یاری تو بر پایه مهرورزی اهورایی، زرتشت برستم پیروان دروج که درپی نابودی او هستند، بر آنان چیره گر خواهد بود.

### اهنود گاه، یسنا ۳۳

۱) **ای اهورا!** از پیشگاه تو خواستارم که آرزوی هر یک از خاکیان که همانا استواری و پایداری در پیروی از آیین آفرینش اهورایی باشد، بر آورده ساز و در این راستا آنان را نیرومند ساز. **ای آرمیتی!** زرتشت را در پیشبرد یک زندگانی سودمند بر پایه پیروی از اشا و دستیابی به منش پاک توانگر ساز.

۲) بر پایه داوری اهورا مزدا، رهایی روان هر خاکی به سرای جاودان و روشنای اهورایی (گروسمان) از میان پیروی از خرد پاک و پیروی از اشا خواهد بود؛ که سزاوارترین پاداش پاک منشی است. چنین خاکی از یک زندگانی دراز و پایدار برخوردار خواهد گردید که همانا شایسته ترین سودمندی در پیروی از اشا باشد.

۳) **ای مزدا!** زرتشت را که آفریده ای پایدارمند و دانشمند و پارسا برابر آیین اهورایی است، از شایسته ترین بخشش پاداش اهورایی برخوردار ساز؛ تا زرتشت برای رستگاری جهان خاکی و آمرزش در جهان مینوی از سوی اشا آموزش دهد.

۴) ای مزدا، ای توانا، ای نیرومند وای پارسا! آن هنگام که به داوری پرداخته و سزای هواداران دروج و پاداش هواداران اشا را روشن سازی؛ هنگامی خواهد بود که به دستیاری اشای توانمند، نشان پاک منشی از زبانۀ آذراهورایی به زرتشت ارزانی خواهد گردید.

۵) ای اهورا مزدا! هنگامی که برای نخستین بار زرتشت روند آفرینش جاویدان را شناخت؛ زرتشت دریافت که در روز واپسین و در برابر آیین نامۀ آفرینش اهورایی، از برای کردار و سخن زشت کیفرواز برای سخن و کردار نیک، پاداش برگزیده شده است؛ در چنین هنگام زرتشت خرد اهورامزدا را پاک شناخت.

۶) ای مزدا! در آن روز واپسین، تو با خرد پاک خود به همراه وهومن و خشترا، که به کوشش این دوسرای راستی برپاست، برای داوری پدیدار خواهید شد. داوری تو از سوی آرمیتی بیان خواهد شد؛ این داوری اهورایی را نمی توان دیگرگون ساخت.

۷) ای مزدا وای پارسا! آنگاه که وهومن به سوی زرتشت آمد و از او پرسید: شما کی هستید؟ از کدامین دودمان هستید؟ اگر از شما وبستگانان پرسیده شود، چگونه و با کدامین ویژه گی خود را بیان خواهید کرد؟

۸) زرتشت به وهومن پاسخ داد! نخست من زرتشت هستم، و تا بدانجایی که توان در هستی دارم، دشمن راستین هواداران دیو دروج، و یک هوادار استوار پیروان اشا خواهم بود؛ تا بدین رویکرد بتوانم به سرای جاودان و بیکران اهورایی دست یابم؛ و همواره با این رویکرد مزدا را خواهم سرود و خواهم ستود.

۹) ای مزدا وای پارسا! هنگامی که وهومن به سوی زرتشت آمد و پرسید: ویژگی زرتشت در چیست؟ زرتشت پاسخ داد: تا زمانی که داوری فروزنده اهورایی زبانه کشد، ستایش کنان در برابر اهورا مزدا، پیرو اشا خواهم بود.

۱۰) **ای مزدا!** روان زرتشت را از برای دریافت و شناختن اشا، پیوسته روشن نگاه دار. مزدا: اینک به همراهی آرمیتی و اشا به سوی زرتشت می آییم. پرسش زرتشت، پرسشی هوشمندانه خواهد بود. اکنون، زرتشت از ما بپرسد آنچه را خواستار دانستن است. بزرگترین نیاز زرتشت برآورده خواهد شد.

۱۱) **ای اهورا مزدا!** هنگامی که برای نخستین بار واز سوی وهومن، از آموزه های آیین اهورایی آموزش دیدم؛ از پاراسایی آیین نامه آفرینش اهورایی آگاه گردیدم. هر آن میزان که خویشکاری اهورایی که بر زرتشت واگذار شده است، تا در میان خاکیان آنچه را که تو بهترین دانستی آموزش دهد، برای زرتشت رنج آور باشد، زرتشت آن را به درستی انجام خواهد داد.

۱۲) **ای مزدا!** هنگامی که زرتشت را برای دریافت آموزش به سوی اشا فرا خواندی، فرمان دادی که زرتشت برخیزد و در اشویی پیشی گیرد؛ پیش از آنکه بر پایه سنجش و داوری، پادش و زیان مادی دو گروه پیروان اشا و هواداران دروج از سوی سروش ایزدی به همراه اشا روشن گردیده باشد.

۱۳) **ای مزدا اهورا!** هنگامی که وهومن از برای آگاهی یافتن و آزمودن اراده و خواست زرتشت، به سوی زرتشت آمد؛ زرتشت آیین نامه آفرینش اهورایی را شناخت.

**ای مزدا اهورا!** اراده و داوری تو را نمی توان دیگرگون کرد؛ از این روی زرتشت خواستار است تا در سرانجام زندگانی خاکی که از سرای خوش و جاویدان اهورایی مژده داده شده، برخوردار گردد.

۱۴) **ای مزدا!** زرتشت خواستار است تا در شهریاری اهورایی که پناهی مهر و رزانه یاری رساننده است، از سوی اشا پذیرفته شود. در برابر این خواسته، زرتشت با یکایک

فرمانبران دستورهای اهورایی، با خاکبانی که در تلاش برای ننگین ساختن آیین اهورایی هستند، به ستیز بر خواهد خاست.

۱۵) **ای مزدا!** هنگامی که وهومن و آرمیتی زرتشت را آگاه نمودند، تا دگر بار زمینه خشنودی هواداران دروج در به کارگیری کین ورزی به پیروان اشا، پدیدار نگردد، زرتشت آیین اهورایی را پارسا شناخت.

۱۶) **ای اهورا!** پیکری استوار بر پارسا ترین روان آفرینش خود که همانا زرتشت برگزیده باشد، ارزانی دار. پاداش سرای روشنایی و سرشار از گوهر زندگانی را بر پایه ی سنجش کردار نیک و از سوی آرمیتی و اشا و وهومن مژده دهید.

#### اشنود گات؛ یسنای ۴۴

۱) **ای مزدا!** زرتشت از تو می پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: ستایشی که از روی نیاز به توسروده شود، باید چگونه باشد؟ مزدا: آموزش زرتشت از برای برخورداری از منش پاک می بایست از سوی مزدای بی همتا و به دستگیری داوری همچون اشا باشد.

۲) **ای اهورا!** زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آیا در سر آغاز زندگانی مینوی، روانهای خاکبانی که کارنامه کردارشان شایسته باشد، به پاداش خواهند رسید؟ مزدا: آری زرتشت اشو؛ پیروی از اشا چاره بخش زندگانی است. **ای مزدا:** باشد تا اشا، کردار خاکبان را به یاد نگاه دارد.

۳) **ای اهورا!** زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: در نخستین روز آفرینش، آفریننده راستی کیست؟ راهبرد پیمایش خورشید و ستاره ها از سوی کیست؟ گردش روشنایی ماه، که گاه سر شار از تابش و گاه بدون تابش است، از سوی کیست؟ و بسیار چیزهای دیگر که زرتشت خواهان دانستن آنها می باشد.

۴) ای اهورا! زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: نگهدارنده گردوی زمین در پایین و خورشید در آسمان، به گونه ای که خورشید به سوی نشیب فرود ناید، کیست؟ آفریننده آب و گیاه کیست؟ فرمان دهنده ابر و باد تند رو کیست؟ مزدا: آفریننده اشا.

۵) ای اهورا! زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آفریننده روشنایی سودبخش و تاریکی کیست؟ آفریننده هوشیاری و خواب آسایش بخش کیست؟ آفریننده بامداد و نیمروز و شب که خاکیان را به نماز فرا می خواند کیست؟

۶) ای اهورا! زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آیا مژده ای که از آن خاکیان را آگاه می سازم، تا به فرمان شما و یاوری اشا و آرمیتی و وهومن، سرای روشنایی جاویدان از برای پیروان اشا خواهد بود؟ از برای کدامین رسته از خاکیان، رستگاری و کامیابی را بنیان نهادی؟

۷) ای اهورا! زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: کیست آفریننده خسترا و آرمیتی ارزشمند؟ کیست که مهر پدر را در دل فرزند بر نهاد؟ زرتشت بر آن می کوشد که از میان دستیابی به خرد پاک، شما را در جایگاه یگانه آفریدگار بشناسد.

۸) ای اهورا! زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: زرتشت خواهان آن است تا هر آنچه را که برابر خواسته شما باشد به یاد بسپارد؛ تا دریافت درستی از بکارگیری آیین نامه آفرینش اهورایی در زندگانی خاکی، که از سوی وهومن و اشا آموزش داده می شود، بدست آورد؛ باشد تا روان زرتشت به پاداش های خرمی بخش آگاه گردد.

۹) **ای اهورا!** زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آیا از برای روانهای خاکیان پیرو آیین اهورایی که زرتشت آنها را به رسایی می رساند، مژده رسیدن به سرای جاودانی بهشت، از سوی سرور هستی بی همتا که همانا اهورا مزدا باشد، پدیدار خواهد گشت؟

۱۰) **ای اهورا!** زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آیا خاکیانی که با کردار و سخن خود، پیرو بهترین آیینی که آورده زرتشت است، می باشند و در زندگانی خاکی از اشا پیروی می کنند، و امیدوار به پاداش شماها هستند، از این پاداش برخوردار خواهند شد؟

۱۱) **ای اهورا!** زرتشت از تو می پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آیا با بکارگیری اندیشه نیک و گسترش آیین اهورایی در چارچوب آیین آفرینش، برگزیده تو که همانا زرتشت باشد از پاداش ارزشمند اهورایی که مژده داده شده است، برخوردار خواهد شد؟

۱۲) **ای اهورا!** زرتشت از تو می پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: از میان خاکیانی که زرتشت برای آنان سخن می راند؛ کدامیک پیرو اشا و کدامین پیرو دروج است؟ آیا دشمن آیین اهورایی، همانا پیرو دروج نیست؟ آیا خاکی پیرو دروج، از دشمنان آیین اهورایی نیست؟ زرتشت را رهنمون ساز، تا چگونه با خاکی پیرو دروج برخورد نماید؟

۱۳) **ای اهورا!** زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آیا می توان پیروان دروج را از خود دور نموده، و به سوی نافرمانبردارانی باز گرداند، که در تلاش برای نادیده گرفتن اشا و بی بهره از منش پاک هستند؟

۱۴) ای اهورا! زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آیا اراده تو بر آن خواهد بود تا به دستیاری اشا، کین ورز را از زرتشت دور بداری؟

۱۵) ای اهورا! زرتشت از تومی پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: به هنگام رویارویی لشکریان کینه جوی، که سرنوشت آن را ناگزیر شماره‌ده؛ پیروزی از برای کدامیک از دو گروه پیروان اشا و پیروان دروج خواهد بود؟

۱۶) ای اهورا! زرتشت از تو می پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آن پیروزگر و داور چاره بخش که به فرمان تومی باید خاکیان را پناه دهد، کیست؟ اهورامزدا: داوری که برگزیده اهورا مزدا باشد و فرمانبرداری از اشا و پاک منشی در روان وی نهادینه شده باشد.

۱۷) ای اهورا! زرتشت از تو می پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آیا بنا بر پاداش مژده داده شده از سوی تو؛ زرتشت با فرمانبرداری از سخنان اهورایی در نزدیک شدن به تو کارساز و کامروا خواهد گردید؟ آیا رسایی و جاودانی به روان هر خاکی پیرو اشا ارزانی خواهد گردید؟

۱۸) ای اهورا! زرتشت از تو می پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: آیا ده مادیان و یک شتر و یک اسب که به زرتشت مژده داده شده اند، به دست زرتشت خواهند رسید؟ آیا دهش و پاداش اهورایی، که همانا کامیابی در سرای جاودان باشد و در پیمان آفرینش اهورایی گنجانده شده است، به زرتشت خواهد رسید؟ (این بند افزوده به نظر می رسد).

۱۹) ای اهورا! زرتشت از تو می پرسد، پس زرتشت را به راستی آگاه ساز: کیفر هر خاکی پیمان شکن که مزد تلاشگر را نپردازد چگونه خواهد بود؟ اهورامزدا: زرتشت از کیفر چنین خاکی پیمان شکن، در سرای مینوی آگاهمند است.

۲۰) همچنین زرتشت می خواهد آگاه شود: آیا دیوان برآمده از گوهر شایسته هستند؟ اهورامزدا: دیوها از برای خشنود ساختن خویش، برستم و بیدادی که کرپان و اوزیک بر گاو روا می دارند، گواه هستند؛ همچنین، کاوی ها که پیروان دیوها می باشند، از پرورش گاو که برابر رهنمود اشا در کشاورزی یاری می رساند، گاو را به دردمی آورند.

### اشتود گات؛ یسنای ۴۵

۱) زرتشت بر آن هست تا سخن براند؛ اکنون، ای خاکیان که از دور و نزدیک آمده اید، سخنان زرتشت را برای دریافت آگاهمندی بشنوید. سخن های زرتشت را به یاد بسپارید؛ چرا که زرتشت برگزیده بازتاب آیین آفرینش اهورا مزدا می باشد: نباید آموزگار بدخواه و هواداران دروج، آیین دروج و نادرست را با گفتارهای خود گسترش داده و زندگانی مینوی روان خاکیان را در سرای جاودان اهورایی نابود سازند. ۲) زرتشت سخن می گوید از پیدایش زندگانی، در آن هنگامی که دو گوهر پدید آمدند: گوهر پارسا به گوهر زشت یاد آور شد: اندیشه و آموزش و خرد و آرزو و کردار و سرشت ما دو گوهر یگانه و یکسان نیستند.

۳) زرتشت بر آن هست تا سخن براند؛ از آنچه در آغاز پیدایش این جهان بوده و اهورا مزدا زرتشت را از آن آگاه نموده است: خاکیانی که در میان شما روان خود را فرمانبردار آیین اهورایی، آنچنانکه زرتشت آن را در می یابد، و بازگو می کند، فرمانبرکنند، در سرانجام گیتی پشیمان شده و افسوس خواهند خورد.

۴) زرتشت سخن بر می دارد: جهان، آفریده مزدا که همچون پدری رهنما و پناه دهنده تلاشگران نیک نهاد می باشد، و زمین خاکی همچون دختری نیک کنش از سوی اهورا می باشد؛ همچنین اهورا بر همه چیز آگاه است، و اهورا را نمی توان فریفت. این بزرگترین آموزشی است که زرتشت از اشا برگرفت.

۵) زرتشت سخن بر می آورد از آنچه مزدا؛ برپاکترین از همه، برزرتشت آموخت؛ آموزشی که دریافت ان برای خاکیان بهترین دهش می باشد: خاکیانی که در پیروی از منش پاک تلاش می کنند، به رسایی و جاودانگی دست خواهند یافت؛ از این روی و خشور زرتشت را خرسند خواهند ساخت.

۶) زرتشت سخن بر می دارد از مزدا اهورا که از همه برترین است و نیک خواه آفریدگان است. ستایش اهورا مزدا را می توان از خرد پاک اهورایی آموخت؛ زرتشت دانش نمازگزاردن به اهورا مزدا را از وهومن آموخت، بهترین دانشی که زرتشت از وهومن آموخت.

۷) اهورا مزدا آیین نامه آفرینش را با اراده خویش برنهاد؛ برپایه این آیین نامه، سودمندی و زیان روان خاکیانی که بوده اند و هستند و خواهند بود به روشنی بیان شده است: روان خاکیانی که پیرو اشا گردند، از سرانجام فرزاندگی بر خوردار خواهند بود؛ و روان خاکیان پیرو دروج، گرفتار رنج و شکنج خواهند بود.

۸) خاکیان از راه ستودن با سروده های ستایش و همچنین با فرمانبرداری از آیین اهورایی، روان خود را به مزدا نزدیک می کنند. اکنون که زرتشت از میان اشا، اهورا مزدا را باز شناخته است، با روشن روانی به سرایی که در آن اندیشه و سخن و کردار نیک ارزشمند هستند، می نگرد؛ سرایی که به آن گروسمان گفته می شود و جایگاهی است که زرتشت درود و ستایش خود را به اهورا مزدا پیش کش خواهد کرد.

۹) با پیروی از منش پاک فرا گرفته از اشا، خاکیان می باید، اهورا مزدا و وهومن را خشنود سازند؛ چرا که خوشی و ناخوشی خاکیان به اراده اهورا مزدا است. خواستاریم تا مزدا اهورا خاکیان را در کشاورزی یاری نماید و از این رو به ستوران و تلاشگران، رشد و برتری برساند.

۱۰) خاکیان می بایست با نیایش، اهورا مزدا ی پاک و جاویدان را ستایش کنند؛ چرا که این اهورا مزدا هست که از سوی وهومن و اشا، روان خاکیان را از رسایی و جاودانگی و پایداری در سرای اهورایی بهره مند خواهند ساخت.

۱۱) ای اهورا مزدا! در راستای پاداش مژده داده شده؛ دیوان و خاکیانی که و خشور زرتشت را نادیده می گیرند، نگونسار شوند؛ و پیروان راستین و خشور، که داوری رهایی بخشنده از میان دین پاک باشند، به مانند نزدیکان و خشور خواهند بود.

### اشتودگات، یسنای ۴۶

۱) ای مزدا! زرتشت پناه خود را در کدام سرزمین جو یا شود؟ بزرگان و پیشوایان از و خشور دوری می گزینند؛ همچنین و خشور از سوی پیروان دروج که فرمانروایان سرزمین ها هستند، و همچنین دهقانان و برزیگران ناخشنود است. با این روند، زرتشت چگونه خواهد توانست در راستای خشنود ساختن اهورا مزدا گام بردارد؟

۲) ناکار آمدی و خشور زرتشت از برای نداشتن گله و رمه فزون و درآمد کم است؛ از این روی زرتشت گله مند می باشد؛ ای اهورا، خود داوری بفرمای و زرتشت را در مهرورزی خود پناه ده؛ و زرتشت را آگاه ساز از پاداشی که در پیروی از منش نیک می باشد.

۳) ای مزدا! چه هنگام، تابش روشنایی اهورایی، روان خاکیان را به سوی اشا رهنمون خواهد نمود؟ چه هنگام، و خشور زرتشت رهایی بخشنده و رهنمون ساز به سوی فرزاندگی، با سخنان خود به خواست اهورایی دست خواهد یافت؟ وهومن به یاری کدامین خاکیان بر خواهد آمد؟ و خشور زرتشت امید به پاداش اهورایی دارد.

۴) ای مزدا! پیرو دروج که آوازه اش بر آیین و کردار زشت نهاده شده است، بر آن است تا پیروان اشا را از افزایش و پرورش ستوران در سرزمین ها و ده ها باز دارد. از این

رو، برانداختن فرمانروایی پیرو دروج ویا در بند کردن پیرو دروج، پیش نیاز گسترش آیین اهورایی است.

۵) **ای مزدا اهورا!** چنانچه یک خاکی خردمند و پیرو اشا و فرمانبردار آیین اهورایی بتواند یک پیرو دروج را از کیش پیشین به سوی آیین اهورایی رهنمون سازد، تا هر گونه پیوندش را با کیش پیشین از میان بردارد، چنین خردمندی می باید که به یکی از بزرگان آگاهی داده، تا ایمن ماند واز ستم و آزار در پناه باشد.

۶) **ای اهورا!** همانگونه که در آیین نامه آفرینش بیان داشته ای، هر خاکی پیرو اشا می بایست به هر خاکی پیرو اشای دیگر، ارج بگذارد؛ چنانچه به هنگام چاره خواستن خاکی به یاری برنخیزد، این خاکی در زمره پیروان دروج خواهد بود؛ چرا که چنین رویکردی، خود پیروی از دروج است.

۷) **ای مزدا!** گذشته از آذر و منش پاک، که از تلاش آنها جهان راستی رهایی خواهد یافت؛ به روان زرتشت بیاموز: هنگامی که پیرو دروج بر آزار زرتشت پدیدار گردد، پناه و پشتیبانی که بر و خشور گماشته خواهند شد، چگونه خواهند بود؟

۸) **ای مزدا!** شاید که زرتشت از کردار هر خاکی که در پندار نابود کردن دودمان و خشور باشد، زیان ببیند؛ اما، آسیب کین به خود کین ورز بر خواهد گشت، و از زندگانی شایسته دور خواهد ماند تا از زندگانی زشت بر خوردار شود.

۹) **ای اهورا مزدا!** کیست آن پایبندی که برای نخستین بار به زرتشت بیاموخت، که اهورا مزدا پارسا ترین و باریک بین ترین برای داوری پیروان اشا هست؟ خواستاریم پیام آفریننده ستوران، که به اشا گزارش شده است، را از سوی و هومن دریافت داریم.

۱۰) **ای مزدا اهورا!** به مردان وزنانی که به آموزه های زرتشت، که بهترین خواست اهورایی برای زندگانی خاکیان است ارج می نهند؛ از برای کردار درستشان، سرای

پاک منشی اهورایی را ارزانی دار. زرتشت به همراه ستایش گران مزدا از پل چینود گذر خواهند نمود.

۱۱) کرپان ها و کاوی ها، با چیره گری، خاکیان را به کردار زشت فرا می خوانند؛ بدین گونه زندگانی جاودان روان خاکیان را در سرای مینوی نگونسار می کنند. روانهای ایشان به هنگام نزدیک شدن به پل چینود، به بیم وهراس خواهند افتاد و سرای جاویدان آنها سرای دروج خواهد بود.

۱۲) اگر در پی کوشش آرمیتی، که آراینده بهشت می باشد، راستی بر نوادگان و بازماندگان فریان تورانی پدیدار گردد، انگاه در روز واپسین وهومن آنان را به سرای جاودانی ودرپناه اهورایی در خواهد آورد.

۱۳) دربین خاکیان، آوازه نیک سزاوار آن خاکی خواهد بود که با فرمانبری، وخشور زرتشت سپتتمان را خشنود سازد.

**ای مزدا اهورا!** زرتشت وپیروانش یک چنین خاکی فرمانبری را شایسته می شناسند؛ پس، از سوی وهومن زندگانی جاودانی در سرای درخشان به وی ارزانی دار.

۱۴) از بین خاکیان که با زرتشت پیمان بستند، براستی کدامیک هوادار استومند(استوار) آیین اهورایی هست؟ اهورا مزدا: یک چنین خاکی ای به آوازه نیکویی خواهد رسید.

**ای مزدا اهورا:** کی گشتاسب پیرو استوار آیین اهورایی است، ودر سرای اهورایی با سروده های بر گرفته از پاک منشی تو را خواهد ستود.

۱۵) زرتشت خواستار است تا از هیچست و سپتتمان به خاکیان گزارش دهد؛ تا آموزه ای از برای باز شناختن هوشیاران از گمراهان باشد.....بر پایه آیین نامه آفرینش چنین کردار هایی به اشا پیوسته اند.

۱۶) ای فروشسترهوگو! با این گروه از پارسا منش ها به آن سو بشتابید؛ امید می رود که کامیاب گردید. سرای جاودانگی، جایگاهی که در آن اشا با آرمیتی آمیخته باشند و سرایی که در آن اهورا مزدا آرامش را بنیاد نهاده است، از برای پیروان منش پاک می باشد.

۱۷) ای جاماسب هوگو! از پاداش و سودمندی که در پی فرمانبری و ستایش اهورا مزدا و در سرای جاویدان بیان شده است، برای شما سخن می رانم؛ اهورا مزدایی که رایزن وی اشای آگاه است و روان هوشیار را از روان گمراه و فریب خورده باز می شناسد.

۱۸) ای اهورا مزدا، وای اشا! رای زرتشت از روی خردمندی و هوشیاری چنین گونه باشد: آن خاکی، که همراه و پیرو زرتشت شود، زرتشت از سوی منش پاک بهترین دارایی را به وی مژده داده می هد. برای آن خاکی که از روی کینه ورزی و دشمنی با زرتشت بستیزد، زرتشت برای وی خواستار آنچنان سرنوشتی خواهد گردید که بیان شده است.

۱۹) آن خاکی که خواسته زرتشت را بر پایه آیین نامه آفرینش اهورایی برآورده سازد، یک چنین خاکی ای درزندگانی مینوی و در سرای جاویدان ازدهش های فراوان برخوردار خواهد گشت.

## سپتیمد گات، یسنای ۴۷

۱) بر پایه آموزه های خرد پاک و آیین آفرینش اهورایی، نیک اندیشیدن و نیک سخن راندن و نیک کرداری، رسایی و جاودانگی اهورایی را از سوی خسترا و آرمیتی به دنبال خواهد داشت.

۲) برای بدست آوردن شناختی راستین از مزدا، که آفریننده اشا می باشد، می باید که بر پایه خرد پاک، شایسته ترین کردار را به جای آورد؛ همانگونه که این کردار در برگیرنده سخن رانی از روی اندیشه نیک و از کار بازوان و کوشش پاک باشد.

۳) **ای مزدا!** تو آفریننده و نگهبان خرد پاک هستی، وهستی را شادمانی بخش آفریدی و با رای آرمیتی و از روی منش پاک به هستی آرامش و هماهنگی بخشیدی.

۴) **ای مزدا!** پیروان دروج از این خرد پاک به دور افتاده اند و پیروان راستی از آن بهره مند گردیدند. هر آنگاه که یک خاکی دارمند و توانگر باشد و یا دارایی وی اندک باشد، می بایست پیرواشا بوده و برپاد پیروان دروج باشد.

۵) **ای مزدا اهورا!** بر پایه خرد پاک، بهترین دهش های اهورایی به پیروان اشا مژده داده شده اند؛ آیا هواداران دروج که در کردار خویش از اک منش پیروی می کنند، بدون اراده اهورا مزدا از این دهش ها بهره مند خواهند شد؟

۶) **ای مزدا اهورا!** از سوی آرمیتی و آذر، به هر دو گروه پیروان اشا و پیروان اک منش، پاداش و یا کیفر خواهی داد؛ با شنیدن این داد اهورایی، بسا از خاکیان، دلخواه روی آوردن به آیین اهورایی می باشند.

## سپتیمد گات، یسنای ۴۸

- ۱) همانگونه که بسیار پیش از این گزارش داده شده است، هنگامی که راستی بر دروج چیرگی یابد، کیفر و پاداش خاکیان و دیوان روشن خواهد گردید؛ در آن هنگام اشا از سوی اهورا مزدا روان خاکیانی را برتری دهد که اهورا را می ستایند.
- ۲) **ای اهورا**، ای سرچشمه آگاهی، زرتشت را آگاه ساز! : آیا پیش از فرا رسیدن کیفری که تو بیان داشته‌ای، پیروان اشا بر پیروان دروج چیرگی خواهند یافت؟ اهورا مزدا: بلی، این چیرگی از برای آفرینش یک پیام پارسایی خواهد بود.
- ۳) از برای یک خاکی دانش گرا: آموزش اهورا مزدای نیک خواه که از نیروی خرد پاک خود به دانش پنهان آگاه است، بهترین پرورشی باشد که از سوی اشای پاک ارزانی می گردد.
- ۴) یک خاکی که هنگامی نیک و هنگامی دیگر زشت اندیش باشد، و هر خاکی که آگاهی روان خود را از میان سخن و کردار خود، در بند هوا و هوس و خواسته های خویش بیاورد، اینچنین خاکی، در برابر آفرینش اهورایی و در روز واپسین تنها وبدون یاوری خواهد ماند.
- ۵) هر فرمانروا با کردار و پرورش نیک، یک ویژگی نیازمند برای فرمانروایان خوب می باشد؛ در این راستا، فرمانروایان ناشایست نباید برخاکیان فرمانروایی کنند.
- ای آرمیتی** که در برتری ستودنی هستی، برای روند زندگانی در پیش رو، جهان را از ستوران سودمند در کشاورزی آراسته و آماده ساز، و برای خورش ما اینگونه ستوران را بپروران.

۶) آرمیتی اراسته با منش پاک، برای خاکیان خانه های نیک پدید می آورد؛ بدین گونه به خاکیان پایداری و نیرو می رساند. مزدا اهورا به دستیاری اشا و در هنگام آفرینش جهان خاکی، گیاه را برویاند.

۷) خشم را باید بازداشت؛ در برابرستم باید از خود نگهداری کرد. ای خاکیان، شما که پاداش مژده داده شده به پیروان منش پاک را در پرتو اشا خواستارید، همان اشا که هر خاکی پارسا آن را پاس می دارد. جایگاه چنین خاکی پارسا، در سرای جاویدان اهورایی خواهد بود.

۸) ای مزدا! آیا سرای نیک و جاودانی و مژده داده شده همچون پاداشی برای زرتشت پابرجا می باشد. ای اشا: آیا در هنگام سنجش کارنامه کردارها در روز واپسین واز سوی وهومن، برآورد آن در راستای آرزوی زرتشت پابرجا خواهد بود؟

۹) ای مزدا وای اشا! به چه هنگام زرتشت خواهد دانست که در برابر خاکی ای که در پی نابودی زرتشت هست، مزدا و اشا توانا و برتر هستند؟ زرتشت می باید که از پاداشی که برای نیک گزایی نهاده شده است، از آن پاداش رهایی بخش، که زرتشت آرزومند است، آگاهمند شود.

۱۰) ای مزدا! به چه هنگام، بزرگان از خویشکاری خود آگاه خواهند شد، که این نوشیدنی مست کننده و ناپاک را مزدا از میان برخواهد داشت؟ آن نوشیدنی که کریان ها و فرمانروایان بد کنش، با آن، خاکیان هفت سرزمین را می فریبند.

۱۱) ای مزدا! به چه هنگامی آرمیتی به همراه اشا و خسترا، که دارندگان چراگاه های فراوان و خانه های دلنشین می باشند، پدیدار خواهند گشت؟ خاکیانی که در برابر هواداران خون خوار دروج، آشتی را برگزینند، چنین خاکیانی برخوردار از منش پارسایی هستند.

۱۲) **ای وهومن وای اشا!** پشتیبانان راستین سرزمین ها، خاکایانی هستند که در بکارگیری فرمان های مزدا کوشا می باشند؛ خاکایانی که برای در هم شکستن خشم با پیروی از منش پاک، خویشکاری خود را به جا می آورند.

### سپتتمد گات، یسنای ۴۹

۱) **ای مزدا وای اشا!** هرگاه که زرتشت رای بر آن می گیرد تا خاکیان فریب خورده و گمراه گشته از راه اشا را، از روندِ رستگاری آگاه سازد، بندو، راهبندِ زرتشت می شود. **ای اشا:** به یاری زرتشت بر آیی و برای زرتشت پناهگاهی برازنده باش. **ای وهومن:** بندو را نابود ساز.

۲) بندو از پیروان دروج و گمراه کننده خاکیان می باشد. وزمانی درازاست که بندو به مانند خاری در سر راه زرتشت جای گرفته است. بندو از اشا رانده شده است و از این رو در همراه نمودن آرمیتی ناکار می باشد. **ای مزدا:** رای بندو بر آن است تا در برابر منش پاک بایستد.

۳) **ای مزدا!** پایه آیین اهورایی بر روی اشا بر نهاده شده است؛ از این رو، آیینی سودآور است. دین نادرست بر پایه دروج نهاده شده است، و از این روی زیان آور است. بدین گونه زرتشت خواستار است تا خاکیان به منش پارسایی بگردند و پیوندهای خود را با دروج ببرند.

۴) خاکایانی که با سخن های خود ناسازگاری و ستم را گسترش می دهند، و بازدارنده پرورش ستوران هستند، در نزد چنین خاکیان کردار زشت بر آنان چیره گر شده است؛ در راستای چنین گرایش، این چنین خاکیان از پیروان آیین دیو یسنی شمرده می شوند.

۵) **ای مزدا:** شادمانی و فراوانی برای آن خاکی ای می باشد که منش خود را با منش پاک همخوان کند، و در پرتو اشا روان خود را با پارسایی همگون سازد، تا بدین گونه برازنده سرای مینوی اهورایی شود.

۶) **ای مزدا وای اشا!** زرتشت از شما نیاز دارد تا او را از آن فرجام که برابرخواسته ی مزدا و اشا می باشد، آگاه سازید؛ تا زرتشت با در دست داشتن شناختی درست بداند که چگونه می باید آیین اهورایی را گسترش دهد.

۷) وهومن و اشا گواه باشند: **ای مزدا اهورا!** به یاری زرتشت برآید، آوازه هر یک از پیشوایان و هریک از بزرگان را که به آیین اهورایی بگردند، در میان تلاشگران بگسترانید.

۸) **ای مزدا اهورا!** زرتشت خواستار است تا فرشوشتر را به شایسته ترین پیوستگی با اشا همخوان گردانی؛ به زرتشت و پیروانش که همواره خواستارند پیک آیین اهورایی باشند، پاداش سرای جاودانی را ارزانی بداری.

۹) بر پایه پیمان آفرینش هر خاکی از برای گرامیداشت آیین نیک آفریده شد، تا سود بخش باشد؛ در این راستا هر خاکی می باید به این دستور اهورایی گوش فرا دهد: نمی باید پروایی به آن خاکیان داده شود، که با پیروان دروج در پیوند هستند. ای جاماسب: بدانید که هر خاکی ای که منش خود را با اشا هم خوان سازد، سزاوار بهترین پاداش اهورایی در روز واپسین خواهد شد.

۱۰) **ای مزدا!** با نمازی پاک و برآمده از یک باور استوار، زرتشت بر آن است تا در پرتو توان و نیروی فراگیر و جاودانی اهورا مزدا از چنین اندیشه پاک و چنین روانی که پیرو اشا باشد، نگهبانی شود.

۱۱) پیروان فرمانروایان بد کنش، برپنداشت و باوری تیره و نابود کننده هستند.

پذیرش روان چنین خاکینانی دردوزخ از سوی روانهای کهن دوزخیان، همراه با پذیرایی دوزخی خواهد بود.

۱۲) ای اشای وای وهومن! زرتشت یاوری شما را فرا می خواند، چگونه زرتشت را فریاد رس خواهید بود؟ ای مزدا اهورا! زرتشت تو را با سروده های نیایشی می ستاید که برآمده از آیین اهورایی باشند؛ بدین گونه، زرتشت از ارزشمندترین پاداش اهورایی برخوردار خواهد شد.

### سپتتمدگات، ۵۱

۱) آیا پس از مرگ امید به پناهگاهی برای روان زرتشت خواهد بود؟ زرتشت بر این باور است که تنها مزدا و اشا و منش پاک می توانند نیاز زرتشت را در جهان خاکی برآورده ساخته و به زرتشت و ستوران یاری رسانند، و اینان تنها یاوران خواهند بود.

۲) ای مزدا! آیا ستوران بهره آور و چراگاه ها به آرزومندان آنان ارزانی می شوند؟ مزدا: در میان خاکینان بی شمار، کسانی که بر پایه آیین پارسایی و در پرتو روشنایی زندگی کنند، بر پایه سنجش روز واپسین از رسته هوشیاران خواهند بود.

۳) ای مزدا! هر آنچه از سوی خسترا و وهومن به خاکینان مژده داده شد، از سوی پیروی از اشا به خاکینان خواهد رسید؛ به هر خاکی که در پرتو نیروی اشا، بتواند هواداران پیرو دروج را به سوی آیین پاک اهورایی رهنمون سازد.

۴) با درود های پیوسته، زرتشت همواره مزدا را می ستاید، تا آن هنگام که وهومن و خسترا یکایک پیروان و فرمانبران آیین اهورایی را برای گذراز روی پل چینود بسوی سرای روشنایی و جاودانی، پذیرا باشند؛ که این همانا پاداش اهورایی مژده داده شده است.

۵) ای **مزدا اهورا وای اشا!** مهر و پایبندی شما به و خشوربرگزیده خود که زرتشت باشد نمایان است؛ یک رهنمود روشن و پدیدار از سوی شما، خاکیان را به سوی سرای بهشت می رساند.

۶) با چهره ای برکشیده به سوی سپهر، و خشور زرتشت، ستایش کنان از مزدا نیاز می کند: **ای اهورا مزدا!**، با نیروی برخاسته از خرد پاک، زرتشت را از آموزش آیین اهورایی برخوردار ساز. سخن زرتشت، پیرو اشا، را در راستای اشا رهنمون باش. خردی استوار و برآمده از آیین منش پاک را به زرتشت بیاموز.

۷) **ای اشا وای وهومن!** ای پیشگامان توانمند و درخشان: با شورانگیزی در ستودن، زرتشت خواستار است، تا به سوی زرتشت شتافته و زمینه یآوری زرتشت گردید.

۸) **ای مزدا!** زرتشت سرود های فراگیر، و برخاسته از یک پارسایی استوار را، برای رسیدن به تو، همواره خواستار است. **ای اشا!** زرتشت با دستهای برافراخته و با چنان ستودنی باورمندانه، آنچنان که شایسته منش پاک باشد، روی به سوی تو می ایستد.

۹) از برای پاداشی که زرتشت در برابر خویشکاری خود دریافت خواهد نمود، ستایش کنان به سوی شما هایستاده است؛ و خواهد کوشید تا پیروان آیین اهورایی را نیز از این پاداش بهره مند سازد.

۱۰) **ای مزدا وای اشا وای وهومن!** کردارهای پیشین و پسین زرتشت همچون نور خورشید درخشان و روشنایی سپیده دم که شادی دهنده روان خاکیان است، برآمده از ستایش شما می باشند.

۱۱) **ای اهورا مزدا وای اشا!** تا زرتشت را توانمندی باشد، دلخواه ستودن شما هست. روش به کار گرفتن آنچه را که در راستای خواسته مزدا باشد، می باید از منش پاک خواست.

## وهوخشترگان، یسنای ۵۱

۱) ای مزدا! پارسایی واشویی وهمچنین سرای جاودان ارزشمند و نیک که آن را مژده داده ای، برای هر روان خاکی خواهد بود که نیکوترین کردار های خود را بر پایه ی یک باور استوار، به کار گیرد. از این روی زرتشت چنین پاداشی را خواستار است.

۲) ای مزدا! باور زرتشت را از سودمندی گستره شهر یاری اشا و آرمیتی و همچنین پاداش سرای جاودان اهورایی که به روان خاکیانی که با منش پاک به ستایش روی می آورند، ایمن ساز.

۳) ای اهورا وای اشا! از برای خاکیان فرمانبردار که در پی رسیدن به اشویی در سخن و کردار خود، بر پایه ی منش پاک هستند، شما برترین آموزگاران آنان هستید.

۴) ای مزدا! پاداش خاکیان تلاشگر در رسیدن به اشا و آرمیتی و همچنین پالایش گنهکاران، تنها در سرای جاویدان نمایان می شود.

۵) ای مزدا! پس زرتشت را آگاه ساز که چگونه روان یک خاکی تلاشگر هوشیار و درستکار، به پاداش جاودان اهورایی خواهد رسید؟ مزدا: چنانچه هر خاکی تلاشگر از داور هوشیار واشویروی کرده و وی را ستایش کند، از پاداش و کیفر اهورایی آگاه خواهد گردید.

۶) پاداش نیک و ارزشمند مزدا در پس از زندگانی خاکی و در روز واپسین، در سرای جاودان اهورایی خواهد بود. این پاداش برای کسی خواهد بود که در پی خشنودی مزدا باشد. روان هر خاکی زشت کردار که روی به نافرمانی از آیین اهورایی آورده است به سزای خود خواهد رسید.

۷) ای اهورا مزدا، ای سرچشمه ی جاودانگی و رسایی، ای آفریننده ستور و گیاه! با دستیاری و هومن به زرتشت نیروی پایداری را در روز واپسین ارزانی دار.

۸) **ای مزدا!** اکنون زرتشت می خواهد تا هر خاکی هوشیار را از زیان و ناکامی ای آگاه سازد که در پی پیروی از دروج پدیدار خواهد گردید؛ و همچنین آگاه سازد از فرجام نیکی که در پی پیروی از اشا و خشنود ساختن و خشور بر خواهد آمد.

۹) **ای مزدا!** کیفریان آورگروه زشت کردار، و پاداش سود آوری پارسایان پیرواشا، از میان آزمون با زبانه ی آتش بر آمده از فلز گداخته روشن خواهد گردید.

۱۰) **ای اهورا!** آن خاکی که پرورده دروج است، در تلاش نابودی زرتشت هست؛ از این رو چنین خاکی ای آمیخته به اندیشه ناشایست بوده و در برابر آیین آفرینش می ایستد. زرتشت، اشای سود رسان را به یآوری خویش بر می خواند.

۱۱) **ای مزدا!** هوادار زرتشت اسپنتمان را نمایانگر ساز، آن خاکی ای که رای بر پیروی از اشا داشته باشد. آن خاکی ای که یاور پیروان منش پاک باشد و در ستکار بوده، آرمیتی وی را پناه خواهد داد.

۱۲) در گذر از زمستان و هنگامی که زرتشت از سرما می لرزید و در پی آن درخواست پناه نمود، این گمگشته ی فرومایه ی کاوی، خواست زرتشت را بر نیامورد، و او را خشنود ساخت.

۱۳) و این چنین، این روان دروج پرست خود را بی گمان از پاداش ایمنی که برای پیروان راه اشا می باشد، بر کنار کرد. به هنگام سنجش در روز واپسین و به هنگام گذر از پل چینود، این چنین روانی در بیم و آشفتگی خواهد بود، چرا که سخن و کردار وی از راه راست بدور ماند.

۱۴) در راستای دادهای بیان شده برای کشاورزی، کرپان ها نافرمانی کرده و دست به آزار ستوران می زنند. باشد تا داوری ایزدی بر آنان نمایان شود؛ آیا در روز واپسین و بر پایه سنجش کردار، کرپان ها در سرای دروج جای خواهند گرفت یا خیر؟

- ۱۵) **ای اشا و ای وهومن!** پاداشی را که زرتشت برای یارانش خواستار باشد، همان پاداشی است که زرتشت برای خود در سرای مزدا اهورا دریافت خواهد نمود.
- ۱۶) کی گشتاسپ با برگزیدن آیین اهورایی و پیروی از اشا و منش پاک، فرمانروایی بر پیروان آیین اهورایی را در دست گرفت. امید زرتشت و پیروانش به چنین روند فروغمندی است.
- ۱۷) فرسوشتره‌وگو، دختر گران بها و گرامی خود را به همسری زرتشت ارزانی داشت. از برای چنین باوری پاک، اهورا مزدا، شهریار توانا، وی را به سرای اشا رسانید.
- ۱۸) جاماسب هوگو، چنین فرمانروای بزرگ به آیین اشا روی آورد. هر خاکی ای که برخوردار از نهاد نیک باشد، به این شهریاری جاودان اهورایی پذیرفته می شود؛ زرتشت از اهورا مزدا خواستار است تا پناهی استوار برای پیروان اشا باشد.
- ۱۹) میدیوماه از دودمان سپندمان، پس از آگاهی یافتن و شناختن و خشورکه برای جهان مینوی می کوشد، تلاش نمود تا دیگران را آگاه سازد که پیروی از آیین اهورایی در درازای زندگی کامیابی است.
- ۲۰) **ای آرمیتی و ای وهومن!** شما در اراده یکسان و پیوسته به اشا هستید. ستودن شما با فروتنی، سزاوار پاسخ نیکی افزای شمامی باشد؛ و هنگامی که پاداش از سوی شما ارزانی شود، زرتشت و پیروان اشا را در پناه خود جای دهید.
- ۲۱) **ای مزدا!** کسی که از روی یک باوری استوار، به اندیشه و کردار و سخن نیک روی آورد، سرای جاودانی را از سوی وهومن به وی ارزانی دار.
- ۲۲) ستایش مزدا اهورا که از پیروی اشا برآید، برای هر خاکی سودآورترین است؛ پس با سرود نیایش به نام آنها خود را به ایشان نزدیک نماید.

## وهوخشتر گات ؛ یسنای ۵۳

۱) برتری و زندگانی فرزانه و جاودان به زرتشت سپنتمان و یکایک خاکیان که با کردار وسخن خویش در پیروی از اشا، آیین اهورایی را بگسترانند، از سوی اهورا مزدا ارزانی خواهند شد.

۲) کوشا بودن در ستایش مزدا و پویامندی در بکارگیری اندیشه وسخن و کردار نیک، خشنودی مزدا را در پی خواهد داشت. کی گشتاسپ و پیروان زرتشت سپنتمان آیین اهورایی را که از سوی وخشور مزدا به روشنی بیان شده است، گسترش می دهند.

۳) ای پوروچیستا، جوان ترین دختر زرتشت، که از دودمان سپنتمان وهیتسپ برآمده ای؛ جاماسب که از برای منش پاک و مزدا پرستی اش، از یاوران پیروان اهورایی است، را برای تو برگزیده ام. اینک بر پایه ی دستورهای منش پاک و در پرتو اندیشه نیک و خرد خویش رایزنی کنید.

۴) ای جاماسب: زرتشت، پوروچیستا را فرا می خواند تا خویشکاری خود را در برابر پدر و همسر و تلاشگران و بزرگان همچون پارسا ترین پارساها بدست گیرد. ای مزدا اهورا از برای منش پاک واستواری اش، با شکوه ترین پاداش ها را به پوروچیستا ارزانی بدار.

۵) زرتشت: ای دختران و پسران جویای پیمان زناشویی، شما را آموزش می دهم وآگاه می سازم؛ پند مرا به دل بر گیرید و در یاد خود پاس بدارید: با پشتکار وهماهنگی و یکپارچگی برای پیروی از منش پارسا در زندگانی بکشید؛ و با برتری گرفتن از یکدیگر در کردار نیک، زندگی خود را فرخنده سازید.

۶) زرتشت: ای زنان و مردان براستی بدانید که آن خوشی را که در پیروی از دروج پرست می جوئید، پایدار نخواهد بود؛ وزندگانی دوزخی دروج پرست دردآور

خواهد بود. دروج پرست که دستورات آیین اهورایی را نادیده گرفت، از پاداش سرای خرم برخوردار نخواهد بود؛ و در راستای این گواه، شما پیروان دروج پرست بدانید که زندگانی مینوی خود را نگونسار خواهید ساخت.

۷) زرتشت آگاه می کند: تا هنگامی که در پیکر هر خاکی خون دل جاری است، یک باورمندی استوار در جریان باشد. هر خاکی می تواند از پاداشی که برای پیروان اهورایی مژده داده شده است، برخوردار گردد؛ و روان دروج پرست را در کنار خود در نگونساری و نابودی بنگرد. کناره گیری هر خاکی از انجمن پیروان اهورایی، درد و واماندگی را در پی خواهد داشت.

۸) زشت کرداران همان فریب دهنده گان باشند، و ناگزیرند به نگونسار شدن. در خواست شکنجه و در هم شکستن و نابودی زشت کرداران از همه سو و با شور و آوازی بلند از شهریار هستی درخواست خواهد شد؛ تا بدین روند آشتی درسرای خرم پاسداری شود.

۹: برای پیروان دروج، سرانجامی جز از هم پاشیدگی و نابودی نیست. پیروان دروج که در برابر آیین پارسایی و پیروان آن ایستاده اند، گنهکار هستند و جایگاه آنان فروپاشی و نگونساری خواهد بود. **ای مزدا** وای توانا وای سرور دادگرونگهبان آیین اهورایی: پیروان دروج را از زندگانی فرزانه بی بهره ساز و راست کرداران را با شایسته ترین پاداش بنواز.

**واژه شناسی، نام ها و نشانه ها**

اشا	اشه، راستی، درستی، پاکی، پرهیز کاری، آیین ایزدی، ارته، مقدس
اشه و هیشته	اردی بهشت، بهترین راستی، بهترین آیین ایزدی، بهترین اشا
امراتات	امرداد، بی مرگی، مرداد، نام یکی از امشاسپندان است و نیز هفتمین روز ماه و پنجمین ماه سال
امشاسپندان	امهر سپندان، نامیرایان سپند، نامیرایان مقدس، دستیاران اهورامزدا به نامهای بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد، امرداد که با خود اهورامزدا یک واحد هفتگانه به وجود می آورند.
آرمیتی	فروتنی، فداکاری
اوپرتات	فرشته برتری و زبردستی، ایزد برتر
اشتودگات	یا اوشتود گاه، نام دومین بخش گاتها یعنی گاتی که با اوست ویتی آغاز شده است.
اهونودگات	یا اهنود گاه، نام نخستین گات اهنود یعنی گاتی که با اهن ویتی آغاز شده است.
اهنود گاه	معروف ترین دعای اوستا. از ریشه اوستایی اهنون ویتی
ایران ویج	نام سرزمین ایران در زمان زرتشت
بهرام	در اوستایی ورثرغنه، ایزد پیروزی و جنگاوری، نام روز بیستم ماه،
تیشتر	تیر، نام ایزد باران و نیز نام ستاره تیر یا عطارد
جاماسپ	فرزانه و اخترشناس هم دوره با اشو زرتشت، دوست اشو زرتشت و داماد او
چینود	پل چینود معادل با پل صراط در اسلام
خشره ویریه	شهریور نام یکی از امشاسپندان است به چم شهریاری برگزیده، ششمین ماه سال، چهارمین روز ماه
سپیمان	نام خانوادگی زرتشت
سپندارمذ	سپند آرمیتی، آرمیتی مقدس، فروتنی مقدس، اسفند، ایزد بانوی زمین

سر سبز، ماه دوازدهم از سال خورشیدی و نام روز پنجم	
سروش	ایزدفرمانبرداری، نام روز هفدهم از ماه خورشیدی
سپتمد گات	نام سومین گاه یا سروده های زرتشت، یعنی گاتی که با سپنتامینو آغاز شده است.
سپنتامینو	خرد و اندیشه سپند (مقدس)
ستوت یشت	نام یکی از یشت‌های اوستا در ستایش ستوت
فروهر	روح نخستین، مثال موجودات در جهان مینوی
فره ایرانشهر	شکوه ایزدی سرزمین ایران
گشتاسپ	نخستین پادشاهی که آیین زرتشت را پذیرفت و پشتیبان زرتشت بود.
مانترا	مانترا یا گفتار ایزدی یا کلام مقدس
گاه	گاث یا سرود، همچنین به معنی مقام، تخت
گرهما	از کاهنان آیین قدیم و از دشمنان زردشت
مینو	جهان مینوی، موجود آسمانی، غیر مادی
وهومن	بهمن، اندیشه نیک، نام برترین امشاسپند است.
وهوخشرگات	وهوخشرگاه نام یعنی گاتی که با وهوخشر (شهریاری نیکو) آغاز شده است.
وهیشتواشت گات	وهیشتواشت گاه یعنی گاه یا سرودی که با وهیشتواشتی آغاز شده است.
وهیشتواشتی	بهترین اشیا یا بهترین راستی، واژه آغازین وهیشتواشت گاه
هورتات	خرداد، یکی از امشاسپندان، نام ایزد نگهبان آبهای روان و درختان
یسنا	نیایش، ستایش
یشت	از ریشه yaz- و به معنی نیایش و پرستش است. نام بخش بندی های اوستا که هر کدام در ستایش ایزدی است که به نام همان یشت آمده است.

## نتیجه گیری

گات‌ها به عنوان سروده‌های مقدس؛ در عهد باستان به زبان پارسی سروده شده و ساکنان این سرزمین تا امروز این اثر ارزشمند را حفظ نموده‌اند. زرتشت، آورنده "برترین اندیشه"، مسیر آفرینش و مردمی را دیگرگون ساخت. جهان بینی که به گونه بهترین روش در "پرورش روان" ارزانی شد و راه رسیدن به آشتی گرایی، آشتی گزینی و پیمان داری را از میان گرامیداشت آئین راستی میسر ساخت. رسیدن به خرد پاک از میان نیک اندیشیدن، نیک سخن راندن و نیک کردار کردن شاه کلید دستیابی به پاکی و پارسائی ابی هست که پیروزمندی را در سرای مینوی برشمرده و برگیتی بازتاب می نماید. گاهان زرتشت در برگیرنده رمز های دستیابی به خرد پاک اهورایی می باشند. دکتر ابراهیم پورداود؛ گاهان را به فارسی برگردانده و با چنین تلاشی راه را برای نسخه های دیگر گاهان به زبان پارسی امروزی فراهم نمودند. کمبودی که در رمز گشایی زبان سانسکریت و یا اوستایی به زبان پارسی امروزی پدیدار هست، از دست دادن فضای سرایش این گاهان در دهها قرن پیش است؛ کمبودی که از کارایی گاهان بی گمان می کاهد. گرچه نسخه های نوین چاپ شده از گاهان، خوانش و جو سرایش را روان تر نموده‌اند؛ اما همچنان برخی از دریافت ها برای خود آموزی دشوار می- باشند. در این ویرایش از گزیده های گاهان، تلاش بر آن شده است تا با بکار گیری واژه ها و بازسازی جو سرایش؛ خوانشی روان و آسان به گونه ای رسا و پویا در دسترس جای گیرد.

## مطالعات متالورژی بر روی اشیای به دست آمده از محوطه باستانی

کال نسا<sup>۱</sup> و AI و C دکتر خداکرم مظاهری<sup>۲</sup> ایرج فدائیان<sup>۳</sup>

### چکیده

گورستان کال نسا در فاصله ۲۵ کیلومتری شمال غربی محوطه بان سرمه، حدود دو کیلومتری غرب روستای چگاه از توابع شهرستان چواردر استان ایلام واقع شده است. تعداد و تنوع کالاهای تدفینی فلزی همراه متوفی در کال نسا، ضرورت بررسی و مطالعات متالورژی را می‌طلبد. با پیشروی در هزاره سوم قبل از میلاد، مقدار کالاهای تدفینی فلزی به تدریج افزایش می‌یابد. تقریباً هیچ اثر فلزی را نمی‌توان به گورهای AI مربوط به عصر مفرغ اولیه مرتبط کرد. اشیای فلزی یافت شده در این مقبره‌ها، مانند استکان، تبرهای سوراخ محور و نیزه‌ها، تنها نشان‌دهنده استفاده مجدد بعدی از قبرهاست. این امر نشان می‌دهد که باید در انتساب یافته‌های این مقبره‌ها به دوره‌های خاص، دقت کرد. معمولاً وسایل تدفین اندکی موجود است و از آنجا که تقریباً هیچ بقایای اسکلتی ثبت نشده است، همیشه مشخص نیست یا حتی قابل تجزیه نیست که آیا و چند بار از یک مقبره استفاده مجدد شده است یا خیر. اجسام برنز یا آلیاژ مس به طور گسترده‌ای در اوایل عصر برنز مورد استفاده قرار می‌گرفتند؛ اما داده‌های تحلیلی برای تمایز بین قلع-برنز و سایر آلیاژهای مس مورد نیاز است. در این نوشتار تلاش شده مطالعات متالورژی بر روی اشیاء به دست آمده از کال نسا AI و C مورد توجه قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** متالورژی، آلیاژ مس، کال نسا، گلال رود، سر کبود، بان سرمه.

<sup>۱</sup>. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

<sup>۲</sup>. دانشجوی مقطع دکتری پیش از تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.

## مقدمه

گورستان کال نसार در استان ایلام و در ۲۵ کیلومتری شمال غربی بان سرمه و ورکبود، و حدود دو کیلومتری غرب روستای چگاه واقع شده است. این گورستان روی فلاتی در ساحل چپ رودخانه گلال رود قرار دارد. در فاصله تنها یک کیلومتری گلال رود، گورستان سرکبود عصر آهن III قرار دارد. شاخه‌های کوچک چند ساله گلال رود، فلات کال نसार را به چهار ناحیه تقسیم می‌کنند که در طرح به صورت A, B, C, D نشان داده شده‌اند. (بیگ محمدی، ۱۳۸۸) و اندنبرگ دو مقبره دست جمعی را در پایان سومین کارزار خود در بان سرمه حفاری کرد (Haerinck & Overlaet 2006 را ملاحظه کنید). او پس از کاوش‌هایش در گورستان عصر آهن III سرکبود، در پاییز ۱۹۶۸ برای کاوش‌های گسترده تر به کال نसार برگشت (و اندنبرگ، ۱۳۷۹). مقبره‌هایی در چهار منطقه‌ی کال نसार پیدا شد. منطقه‌ی A شامل گروهی از مقبره‌های اوایل هزاره‌ی سوم (Area AI) و گروهی از مقبره‌های اواخر هزاره‌ی سوم (Area AII) بود. نوع معماری دومین گروه از مقبره‌ها متمایز است. سه دیوار از سنگ ساخته شده بود و دیوار چهارم به عنوان ورودی اتاق مقبره عمل می‌کرد. به غیر از مقبره‌ها، بقایای دو «بنای» سنگی نیز در نواحی C و D یافت شده است. از آنجایی که ارتباط قطعی با مقبره‌های دسته جمعی هزاره‌ی سوم وجود ندارد، به عنوان ماهیت‌های جداگانه مورد بحث قرار خواهند گرفت (همان).

## منطقه‌ی AI

یک قطعه مستطیل شکل به ابعاد ۲۰ در ۱۷/۵ متر در منطقه‌ی AI مورد کاوش قرار گرفت. ضلع شرقی و غربی آن با منطقه‌ی غارت شده، هم مرز بود. این قطعه شامل ۲۱ مقبره‌های است برای دفن انفرادی یا چندگانه بود (شرق ۲، 39-14، رنگ 11-11).



اندازه داخلی مقبره‌ها بین ۱/۴۰ سانتی‌متر تا ۳/۹۰ سانتی‌متر در طول، ۵۵ سانتی‌متر و ۵/۰۱ سانتی‌متر در عرض متغیر است. در مورد مقبره‌های AI.2 و AI.10 نیز گفته می‌شود که عرض از سطح کف به سمت بالا باریک شده است. عمق بین ۶۰ سانتی‌متر تا ۳۰/۱ سانتی‌متر متغیر بود. بر روی تعدادی از نقشه‌های مقبره، نشانه‌هایی در مورد موقعیت اسکلت یا جمجمه وجود دارد؛ اما هیچ اشاره دیگری به بقایای اسکلتی در یادداشت‌های میدانی وجود ندارد. این امر، سرخ‌های کمی برای تعیین اینکه آیا مقبره‌های خاصی دوباره مورد استفاده قرار گرفته‌اند یا نه، و اینکه چقدر این استفاده‌های مجدد رایج بوده است، باقی می‌گذارد. اشیای بازیابی شده معمولاً تعداد محدودی دارند، اما وضعیت گاه تکه سفال‌های خاص ممکن است نشانه‌ای از استفاده مکرر از مقبره‌ها باشد (یا در گذشته‌های دور یا نزدیک به غارت رفته باشند). در طول استفاده مجدد، ممکن است اشیاء جابجا شده، شکسته شده یا به سادگی از مقبره خارج شده باشند. گاهی اوقات اشیاء را می‌توان به خوبی تاریخ‌گذاری کرد، مانند مقبره‌های AI.1 و AI.2، که نشان می‌دهد این مقبره‌ها تا اواخر هزاره دوم قبل از میلاد مورد استفاده مجدد قرار گرفته‌اند. مقبره AI.16 استثنایی بود؛ زیرا دو لایه اشیاء به وضوح قابل تشخیص بودند، یکی در ۵۰ سانتی‌متر پایین‌تر از مقبره و دیگری در حدود یک متر پایین‌تر از کف مقبره، این امر نشان داد که در این مورد، فاصله زمانی قابل توجهی که در طی آن زمین به داخل مقبره نفوذ کرده است، باید بین استفاده قبلی و بعدی از مقبره، سپری شده باشد (ملدگارد و همکاران، ۱۹۶۴).

مقبره	سنگ‌های سرپوش	طول درونی	عرض درونی	عمق درونی	اشیاء	الواح
AI-1	برخی سنگ‌ها	۲/۶۰	۱/۰۵	۰/۸۰	۷	۳/۴۰
AI-2	برخی سنگ‌ها	۲/۶۰	۰/۸۰	۱/۳۰	۱۱	۳/۴۰-۴۱
AI-3	برخی سنگ‌ها	۲/۶۰	۰/۸۰	۰/۹۵	۳	۳/۴۰-۴۱
AI-4	برخی سنگ‌ها	۲	۰/۷۵	۰/۹۰	۶	۳/۴۰-۴۱
AI-5	برخی سنگ‌ها	۱/۹۰	۰/۹۰	۱/۰۰	-	۴۰-۴۱
AI-6	برخی سنگ‌ها	۲/۴۰	۰/۷۵	۰/۸۰	۴	۴/۴۰-۴۱
AI-7	برخی سنگ‌ها	۱/۵۰	۰/۶۰	۰/۸۵	۱۰	۴/۴۰-۴۲
AI-8	برخی سنگ‌ها	۱/۵۰	۰/۷۰	۰/۹۰	۹	۵/۴۰-۴۱/۴۳
AI-9	برخی سنگ‌ها	۱/۶۵	۰/۷۰	۰/۹۵	۳	۵-۴۰/۴۱
AI-10	برخی سنگ‌ها	۴/۰۰	۱/۰۵	۱/۳۰	۱۳	۶/۴۰-۴۱
AI-11	برخی سنگ‌ها	۲/۰۰	۰/۷۰	۰/۶۰	۷	۷/۴۰-۴۱
AI-12	برخی سنگ‌ها	۱/۶۰	۰/۸۰	۱/۰۰	۹	۸/۴۰-۴۱
AI-13	برخی	۲/۲۰	۱/۰۰	۰/۷۰	۶	۹/۴۰-۴۱

	سنگ‌ها					
AI-14	برخی سنگ‌ها	۱/۷۰	۰/۷۰	۰/۸۰	۷	۹/۴۱
AI-15	برخی سنگ‌ها	۳/۸۵	۱/۰۵	۱/۳۰	۷	۹/۴۰-۴۱
AI-16	سه سنگ سرپوش بزرگ و سنگ‌های کوچک	۳/۸۰	۰/۵۵	۱/۷۰	۱۸	۱۰/۴۰-۴۱
AI-17	برخی سنگ‌ها	۱/۴۰	۰/۷۰	۰/۸۰	۴	۱۱
AI-18	برخی سنگ‌ها	۲/۱۰	۰/۹۰	۰/۹۰	۶	۱۱
AI-19	-	۳/۹۰	۱/۰۰	۱/۲۰	۸	۱۱
AI-20	-	-	-	-	-	-
AI-21	-	-	-	-	-	-

### منطقه B

حفری به وجود دو مقبره بزرگ غارت شده در منطقه BI pl. Inrs. (B و B2) اشاره داشت. این مقبره‌ها به هر یک از آنها نزدیک بودند و جهت گیری تقریباً شمال غربی - جنوب شرقی داشتند. هیچ اندازه گیری یا عکسی گرفته نشد؛ زیرا هر دو مقبره آسیب دیده بودند. دو ترانشه موازی به عرض یک متر و طول ۱۲ متر و سومین ترانشه

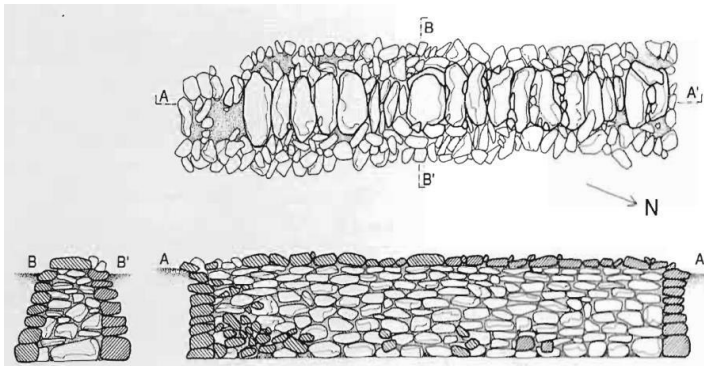
۱۷ متر و عرض ۱ متر که آنها را به هم متصل می کرد، در منطقه B حفر شد؛ اما هیچ قبر دیگری یافت نشد.

### منطقه C

۱۸ مقبره دسته جمعی بزرگ در منطقه C قرار داشت که ۱۴ مقبره از آنها غارت شده و آسیب دیده بودند. نتیجتاً، آنها ارزش کاوش را نداشتند و بیشتر مستندسازی نشدند. فقط برخی از اندازه گیری ها انجام شد. دو مقبره به طور کامل طی بررسی ها در ژانویه ۱۹۶۸ (قبرهای C12 و C13) و دو مقبره دیگر در پاییز ۱۹۶۸ (قبرهای C3 و C4) به طور کامل مورد کاوش قرار گرفتند. سنگ های سرپوش مقبره های C12 و C13 در عمق ۰/۳۰ سانتی متری پیدا شدند. از عمق دو قبر دیگر، هیچ اطلاعاتی در دست نیست. دو ترانشه به امید یافتن مقبره های دست نخورده بیشتر حفر شدند؛ اما موفقیتی حاصل نشد. اولین ترانشه که ۱/۵۰ سانتی متر عرض و ۳۰ متر طول داشت، از مقبره C3 به بقایای ساختمانی بالاتر از شیب ادامه پیدا کرد. این «بنا» به طور کامل کاوش نشده است؛ اما وجود برخی از قطعات دوره کالکولیتیک میانی ممکن است نشان دهد که قدمت آن بسیار بیشتر از مقبره است. ترانشه دوم نیز به عرض ۱/۵۰ متر و طول ۳۰ متر از مقبره C4 تا لبه فلات امتداد داشت (روف و پستگت، ۱۹۸۱).

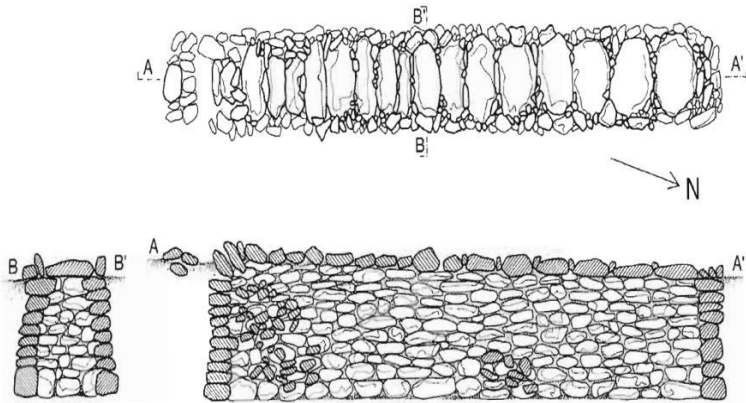
مقبره C3 در جهت جنوب شرقی - شمال غربی بود. بیرون ۱۲/۳۰ متر طول و ۲/۵۷ متر عرض داشت. سنگ های درپوش بزرگ، بنا را پوشانده اند. خود اتاق مقبره ۱۱ متر طول و دو متر ارتفاع داشت. عرض از ۱/۵۰ سانتی متر در سطح کف تا ۷۰ سانتی متر در سقف باریک شد. راه دسترسی به اتاق مقبره در ضلع کوتاه جنوبی آن بود. تفسیر ورودی دشوار است؛ زیرا ما هیچ عکس یا طرح دقیقی از آن نداریم. نقشه نشان می دهد که ورودی با یک سنگ بزرگ بسته نشده است. احتمالاً زمانی با تیرهای

چوبی یا شاخه‌هایی با سنگ‌های کوچکتر در بالای آن بسته شده است. این امر، انبوه سنگ‌های کوچک زیر ورودی را توضیح می‌دهد. با پوسیدگی چوب و فروریختن سقف، سنگ‌ها به داخل مقبره فرو می‌ریختند. سه گروه سنگ در داخل مقبره احتمالاً پایه دیوارهای جداکننده بوده و قبر بلند را به چند قسمت تقسیم کرده است. پارتیشن‌ها احتمالاً در مقبره‌های بان‌سرمه معاصر نیز وجود داشته است (Haerincck & Overlaet 2006) و همچنین از مقبره‌های دسته جمعی در تل احمد الحتو نیز شناخته شده‌اند (Eickhoff, 1993 Ab.28). در این مکان ممکن بود مشخص شود که اشیاء و بقایای اسکلتی اغلب از اتاقی به اتاق دیگر منتقل می‌شدند یا به سادگی از مقبره‌ها برداشته می‌شدند. چنین کارهایی در واقع می‌تواند عامل بسیاری از تعرضات به کالاهای مدفون در مقبره‌های لرستان باشد که به نظر نمی‌رسد توسط غارتگران مدرن غارت شده باشند. بقایای اسکلتی در نقشه مقبره C3 در ۴ مکان مختلف نشان داده شده است؛ اما اطلاعات بیشتری در مورد آنها وجود ندارد. سه شیء فلزی، یک سنجاق و دو حلقه در عمق ۷۰ سانتی متری و نزدیک به ورودی یافت شد. بنابراین، به نظر می‌رسد که آنها متعلق به مدفن بعدی هستند.



شکل ۲: نقشه مقبره C3

بنای خود مقبره را می‌توان به دوره اول سلسله I-II نسبت داد و این به دلیل وجود قطعات رنگ آمیزی شده پلی کروم است. از سوی دیگر، اکدی تا اور III در ظروف لغزنده قرمز رنگ (C3-46)، نشان‌دهنده استفاده طولانی مدت از این مقبره است. مقبره C4 شباهت زیادی به مقبره C3 دارد. همچنین دارای جهت جنوب شرقی - شمال غربی بود. بیرون ۳۱ متر طول و ۱/۸۵ سانتی‌متر عرض داشت. باز هم بنا با سنگ‌های درپوش بزرگ پوشیده شده است. خود اتاق مقبره ۱/۹۰ سانتی‌متر طول و ۱/۹۰ سانتی‌متر ارتفاع داشت. عرض از ۱/۳۵ سانتی‌متر در سطح کف تا ۰/۶۵ سانتی‌متر در سقف باریک شد. راه دسترسی به اتاق مقبره نیز در ضلع کوتاه جنوبی بود. سنگی که از دیوار کوتاه جنوبی بیرون زده بود، رفتن به عمق ۱/۹۰ سانتی‌متری مقبره را تسهیل می‌کرد. وجود سنگ‌های ریز در لبه‌های مختلف در دو متری اول آرامگاه مشابه وضعیت قبر C3 است و می‌توان همین توضیح را ارائه داد. گروهی از سنگ‌ها، در مقبره ممکن است بیشتر بخشی از یک دیوار جداکننده بوده باشد (دران، ۱۹۶۴). تاریخ ساخت مقبره را می‌توان به دوره اول سلسله I-II دانست، و این بخاطر قطعات رنگ آمیزی پلی کروم است. با این حال، یک استکان برنزی اوایل هزاره دوم، استفاده مجدد دیر هنگام از مقبره را نشان می‌دهد.



شکل ۳: نقشه مقبره C4

مقبره C12. اطلاعات موجود درباره این مقبره که در اولین بررسی کال نثار کاوش شده، بسیار محدود است. هیچ طرح یا عکس دقیقی از مقبره وجود ندارد. با توجه به یادداشت‌های میدانی، این مقبره‌ای است با جهت جنوب شرقی - شمال غربی با ورودی در ضلع جنوبی کوتاه بود، که با ۷ سنگ کلاهدک بزرگ پوشیده شده است. خود اتاق مقبره ۵/۰۱ سانتی متر طول و ۱/۵۰ سانتی متر ارتفاع داشت. عرض از ۱/۵۱ سانتی متر در سطح طبقه تا ۰/۶۰ سانتی متر در سقف باریک شد. تاریخ ساخت مقبره را می‌توان به دوره اولیه سلسله I-II نسبت داد؛ زیرا در پشت مقبره، در کنار بقایای انسان، قطعات نقاشی شده پلی کروم وجود دارد (شکل ۹۲). حداقل یک دفن دیگر در نزدیکی ورودی مقبره صورت گرفته است. دو مهر استوانه‌ای به تاریخ اکدی، نشان دهنده این استفاده مجدد دیر هنگام است (گراوند، ۱۳۹۰).

مقبره C13. در اولین بررسی کال نثار، این مقبره همراه با مقبره C12 مورد بحث قبلی، کاوش شد. باز هم اطلاعات موجود بسیار محدود است. هیچ طرح یا عکس دقیقی از مقبره وجود ندارد. بر اساس یادداشت‌های میدانی، این مقبره‌ای است جنوب

شرقی - شمال غربی با ورودی در سمت جنوبی آن بود ۱/۰۷ سانتی متر طول مقبره بود که با ۴۱ سنگ بزرگ پوشیده شده است. خود اتاق مقبره ۹ متر طول و دو متر ارتفاع داشت. عرض از ۱/۰۲ سانتی متر در سطح کف تا ۰/۶۰-۰/۴۰ سانتی متر در سقف باریک شد. ورودی شامل ۰/۸۰ سانتی متر طول و ۰/۵۰ سانتی متر پله عمیقی بود که از آن می توان وارد اتاق مقبره شد، سنگی بیرون زده در وسط دیوار کوتاه جنوبی، پائین رفتن به مقبره را تسهیل می کرد (لوین، ۱۳۸۰).

بقایای حداقل دو مدفن ذکر شده اند. سفال های رنگ آمیزی پلی کروم تنها در نیمه پشت مقبره یافت شد. آنها نشان می دهند که تاریخ ساخت آن به دوره اولیه سلسله I-II می رسد. از جمله یافته های قسمت جلوی مقبره، مهر استوانه ای بابلی قدیم (35-C13) بود که گواه استفاده مجدد دیر هنگام از این مقبره است.

مقبره	سنگ ها ی سریوش	طول بیرونی	عرض بیرونی	طول درونی	عرض درونی	عمق درونی	اشیا ء	الواح
C1	-	-	-	-	-	-	-	۱-۲
C2	-	-	-	-	-	-	-	۱-۲
C3	-	۱۲/۳۰	۲/۷۵	۱۱/۰	۰/۷۰ ۱/۵۰	۲/۰۰	۱۶۵	III-V. -۲، ۴۴-۴۷ ۱-۲، ۱۲
C4	-	۱۳/۰۰	۱/۸۵	۱۰/۹۰	۰/۶۵ ۱/۳۵	۱/۹۰	۷۰	III-V. ۴۴-۴۸، ۴۹ ۱-۲، ۱-۲۸
C5	-	-	-	۴/۵۰	-	-	-	۱-۲
C6	-	-	-	۳/۵۰	-	-	-	۱-۲
C7	-	-	-	۶/۰۰	-	-	-	۱-۲

C8	-	-	-	۶/۰۰	-	-	-	۱-۲
C9	-	-	-	۶/۰۰	-	-	-	۱-۲
C10	-	-	-	۶/۰۰	-	-	-	۱-۲
C11	-	-	-	۶/۰۰	-	-	-	۱-۲
C12	۷ سنگ بزرگ	-	-	۵/۱۰	-۰/۶۰ ۱/۱۵	۱/۵۰	۱۷	۱-۲/۲۹
C13	۱۴ سنگ بزرگ	۱۰/۷۰	-	۹+۰/۸۰ (ورودی ) ۱/۲۰	-۰/۶۰ -۰/۴۰ ۱/۲۰	۲/۰۰	۹۷	۱-۲/۳۰-۳۱
C14	-	-	-	۲/۸۰	-	-	-	۱-۲
C15	-	-	-	۴/۲۰	-	-	-	۱-۲
C16	-	-	-	۴/۲۰	-	-	-	۱-۲
C17	-	-	-	۵/۸۰>	-	-	-	۱-۲
C18	-	-	-	۴/۲۰	-	-	-	۱-۲

### منطقه D

شش مقبره بزرگ در منطقه D (رنگ VI-VII pl.) قرار داشت. پنج مورد از آنها غارت شده بودند و تنها یکی هنوز ارزش حفاری را داشت (D2). حتی این مقبره نیز تا حدی غارت شده بود. در لبه فلات، بقایای یک بنا مورد کاوش قرار گرفت. بخشی از آن به دره گلال رود فرسایش یافته بود (ص 38. 80-84، رنگ XXXII-XXXIV، pl. VI، سه ترانشه آزمایشی در منطقه D حفر شد. یک ترانشه بزرگ (۵۰ متر طول و ۱ متر عرض) در امتداد ضلع شمالی منطقه D حفر گردید. ترانشه‌ی دوم به طول ۱۵ متر و عرض ۱ متر، عریض بین مقبره‌های D3 و D4 بود. ترانشه سوم طول ۸ متر در عرض ۱ متر، بین مقبره‌های D3 و D2 حفر شد.

مقبره	سنگ‌های سرپوش	طول درونی	عرض درونی	عمق درونی	اشیاء	الواح
D1	-	۸/۵۰	۰/۵۰-۰/۶۰	-	-	۱-۲
D2	۷ سنگ بزرگ	۸/۶۰ >	۱/۳۰-۰/۶۰	۱/۷۰	۸۸	۵۱-۵۰-۳۶-۳۲ ۱-۲
D3	-	۸/۶۰	۰/۵۰-۰/۶۰	-	-	۱-۲
D4	-	۴/۲۰	-۰/۶۰	-	-	۱-۲
D5	-	۲/۰۰	-۰/۶۰	-	-	۱-۲
D6	-	۴/۲۰	-۰/۶۵	-	-	۱-۲

مقبره D2، مقبره‌ی بزرگی بود که بخشی از آن بر اثر فرسایش ویران شده بود. دقیقاً جایی که انتهای جنوبی قرار داشت، اکنون ترانشه شیب‌دار و باریکی وجود دارد که از شاخه‌ی کوچکی از گلال رود تشکیل شده است. قسمت باقی مانده از مقبره، در داخل هنوز ۸/۶۰ سانتی‌متر بود. از آنجا که این نوع مقبره معمولاً ورودی مشخصی دارد که اغلب با پله‌هایی در یکی از دیوارهای کوتاه ساخته می‌شود، احتمال می‌رود که سمت ورودی آن گم شده باشد. احتمالاً زمانی که مقبره بخاطر فرسایش، در معرض قرار گرفته بود، بطور سطحی غارت شده بود (میرمحمدی، ۱۳۸۰). ظاهراً غارتگران خاک بالای آن را به هم ریخته بودند، اما فقط در انتهای آشکار مقبره. دیوارهای مقبره با چند لایه سنگ افقی ساخته شده بود. سنگ‌های ردیف پایین، روی لبه آنها قرار می‌گرفت، ردیف‌های بالایی صاف قرار می‌گرفتند. سنگ‌های کلاهدک بزرگی که اطراف آن سنگ‌های کوچکتر قرار داده شده بود، همچنان قسمت پشتی اتاق مقبره را می‌پوشاندند. دیفنه‌ای به شکل راهروی طویل از ارتفاع ۱/۳۰ سانتی‌متری در سطح

کف تا ۰/۶۰ سانتی متری در بالا، درست زیر سنگ‌های کلاهیک ردیف شده بود. خود اتاق مقبره ۱/۰۷ سانتی متری ارتفاع داشت که به یک فرد بالغ اجازه می‌داد تا در آن به صورت عمودی راه برود. کف سنگی وجود نداشت. برخی از سنگ‌هایی که در قسمت پشتی مقبره روی کف قرار گرفته‌اند، ممکن است بخشی از دیوار جداکننده بوده باشند. وجود احتمالی چنین دیوارهایی در داخل این نوع مقبره با بحث مقبره‌های C3 و C4 در بالا مورد اشاره قرار گرفته‌اند. با این حال، اطلاعات موجود برای اطمینان از وجود چنین دیواری در مقبره‌ی D2 بسیار محدود است (معمدی، ۱۳۶۵). یکی دیگر از ویژگی‌های جالب مقبره‌ی D2، وجود بخشی از یک حلقه‌ی سنگی در اطراف مقبره است و در سطحی کمی بالاتر از سنگ‌های درپوش قرار می‌گیرد، بنابراین این امر نشان می‌دهد که این سنگ‌های کلاهیکی باید با خاک پوشیده شده باشند. همچنین، این احتمال وجود دارد که در ابتدا تپه‌ای روی مقبره را پوشانده باشد و این حلقه‌ی سنگی حکایت از لبه‌ی آن داشته باشد. تکه سفال‌های رنگ‌شده پلی کروم نشان می‌دهد که ساخت مقبره به دوره‌ی اولیه سلسله I-II مربوط می‌شود. سایر سفال‌ها و وجود مهر استوانه‌ای بابلی قدیم (D2-16) گواهی بر ادامه‌ی استفاده‌ی مجدد از مقبره دارد.

## مطالعات متالورژی بر روی اشیای به دست آمده از کال نثار AI و C

در مجموع ۱۳ شیء بر پایه مس از کال نثار به عنوان بخشی از دو مطالعه در مقیاس بزرگ راجع به متالورژی اولیه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. اولین مطالعه توسط استوارت فلمینگ و تیمش (Fleming e.a. 2005) در MASCA (مرکز علمی کاربردی موزه برای باستان شناسی) در موزه دانشگاه پنسیلوانیا، فیلادلفیا انجام شد. مطالعه دوم توسط آقای منولیک و پیرهرتل از آزمایشگاه موزه‌های فرانسه (Centre de Frecherche et de restauration des musées de France) که در سال ۱۹۹۸ در Centre de Frecherche et de restauration des musées de France ادغام شده است و توسط فردریش بگمان و تیمش از مؤسسه شیمی خز ماکس پلانک Mainz (Begemann e.a.2008) بررسی اشیای تحلیل شده را ارائه می‌دهد. شش شیء مرکزی در هر دو مطالعه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جداول زیر، داده‌های تحلیلی ارائه شده توسط این مطالعات را ارائه می‌دهد. برای بحث و تفسیر دقیق تر به انتشارات اصلی مراجعه می‌کنیم. اشیاء از مناطق کال نثار AII شامل این امر نمی‌شوند؛ زیرا در (جلد ۸) آینده مورد بحث قرار خواهند گرفت.

اس. جی فلمینگ، وی. سی پیگوت، سی. پی. سوان و اس. کی. ناش ۲۰۰۵: در مجموع ۲۴ جسم فلزی از مناطق کال نثار AI و C با طیف سنجی گسیل اشعه ایکس القایی با پروتون (PIXE)، S از ناحیه AI و 19 از ناحیه C مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

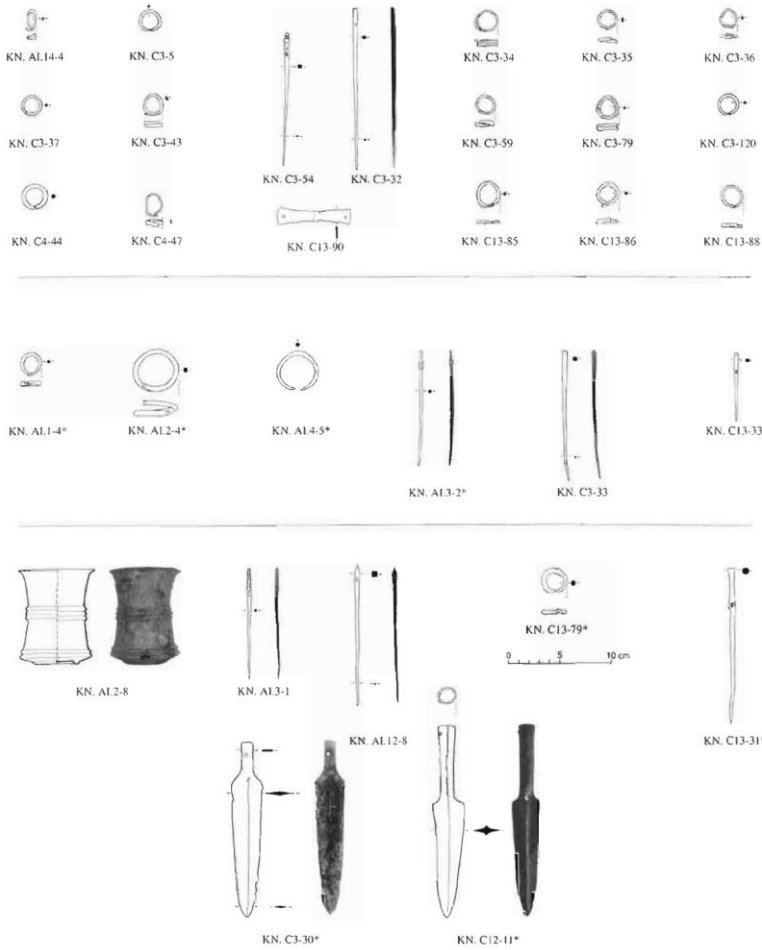
قبر	شیء	مس [%]	آرسنیک [%]	قلع [%]	آهن [%]	سرب [%]	نیکل [%]
AI.1-4	حلقه	۹۳/۹	۰/۹۶	۳/۵۲	۰/۳۱	۰/۲۹	۰/۲۴
AI.2-4	دستبند	۹۳/۱	۱/۰۷	۳/۴۹	۰/۳۹	۰/۷۶	۰/۱۴
AI.3-2	سنجاق	۹۳/۱	۰/۹۱	۳/۷۴	۰/۴۵	۰/۱۸	۰/۷۲
AI.4-5	دستبند	۹۳/۸	۰/۶۹	۳/۸۵	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۶۲
AI.14-4	حلقه	۸۲/۶	۰/۴۸	۱۴/۸	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۸۰
C3-5	حلقه	-	-	≤۰/۰۵۵	-	-	-
C3-32	سنجاق	-	-	≤۰/۰۹۳	-	-	-
C3-33	سنجاق	-	-	۷/۶۶	-	-	-
C3-34	مارپیچ	-	-	۴/۸۸	-	-	-
C3-35	حلقه	-	-	۵/۷۳	-	-	-
C3-36	حلقه	-	-	۶/۳۶	-	-	-
C3-37	حلقه	-	-	۷/۱۷	-	-	-
C3-43	حلقه	-	-	۵/۰۱	-	-	-
C3-54	سنجاق	-	-	۴/۹۲	-	-	-
C3-59	حلقه	-	-	۷/۸۱	-	-	-
C3-79	حلقه	-	-	۱/۸۹	-	-	-
C3-120	حلقه	-	-	۱۱/۸	-	-	-
C4-44	حلقه	-	-	≤۰/۰۲۳	-	-	-
C4-47	حلقه انگشتری	-	-	۱/۶۷	-	-	-
C13-33	سنجاق	-	-	۸/۹۴	-	-	-
C13-85	حلقه	-	-	۵/۳۰	-	-	-
C13-86	حلقه	-	-	≤۰/۰۱۷	-	-	-
C13-88	حلقه	-	-	۸/۱۴	-	-	-
C13-90	ورق فلزی	-	-	۲/۰۹	-	-	-

اف. بگمان، ای. هرینک، بی. اورلیت، اس. اشمیت-استرکر و اف. تالون ۲۰۰۸: از آزمایشگاه موزه‌های فرانسه ۱۳، شیء از مناطق کال نثار AI و C را برای بررسی ترکیب شیمیایی و ردیابی محتویات عناصر کمیاب توسط طیف‌سنجی انتشار آتونیک (AES) تجزیه و تحلیل کردند و ۹ مورد از آنها متعاقباً برای ترکیب ایزوتوپی سرب خود با استفاده از طیف‌سنجی جرمی یونیزاسیون حرارتی TIMS در مؤسسه شیمی خز ماکس پلانک و ماینز، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

C13-79	C13-33	C13-31	C12-11	C3-33	C3-30	AI.12-8	AI.4-5	AI.3-2	AI.3-1	AI.2-8	AI.2-4	AI.1-4	قبو
حلقه انگشتری	سجاق	سجاق	سوزنه	سجاق	خنجر	سجاق	دستبند	سجاق	سجاق	طرف	دستبند	حلقه انگشتری	شمی
۰/۱۴۲	۰/۰۲۹۴	۰/۰۷۲	۰/۱۰۵	۰/۰۴۳	۰/۴۰۲	۰/۰۳۹	۰/۰۴۵	۰/۱۷۰	۰/۰۹۳	۰/۰۳۱	۰/۴۰۱	۰/۳۶۳	سرب [٪]
۲/۱۱۱۷	۲/۰۸۷۳	۲/۰۹۰۳	۲/۰۸۶۰	-	۲/۰۹۴۹	-	۲/۰۸۱۶	۲/۱۰۸۴	-	-	۲/۰۸۳۴	۲/۰۸۸۹	سرب ۲۰.۸
۰/۱۷۲۶	۰/۸۴۴۹	۰/۸۵۱۹	۰/۸۴۵۴	-	۰/۸۵۱۰	-	۰/۸۴۵۶	۰/۸۷۰۰	-	-	۰/۸۴۳۰	۰/۸۴۱۴	سرب ۲۰.۶
۰/۰۵۵۸۹	۰/۰۵۴۰۲	۰/۰۵۴۵۳	۰/۰۵۳۶۵	-	۰/۰۵۴۴۲	-	۰/۰۵۳۹۵	۰/۰۵۵۹۴	-	-	۰/۰۵۳۹۰	۰/۰۵۳۵۳	سرب ۲۰.۴
۰/۰۹۶	۷/۳۵۰	۰/۱۵۳	۳/۹۵۰	۵/۲۳۰	۳/۶۵۰	۰/۰۶۶	۲/۹۰۰	۲/۷۷۰	۲/۷۳۰	۵/۸۰۰	۲/۳۳۰	۳/۳۰۰	سرب ۲۰.۶
۱/۸۰۰	۰/۵۰۵	۰/۳۱۱	۰/۷۶۵	۰/۳۴۰	۲/۹۷۶	۲/۳۵۰	۰/۶۹۳	۰/۹۳۴	۰/۵۷۰	۰/۵۰۷	۰/۷۴۰	۰/۹۸۷	آرسنیک [٪]
۳۷۰	۳۶۰	۱۹۰	۲۶۰	۷۰	۱۲۶۰	۳۱۷۰	۳۷۰	۱۴۰	۸۰	۸۰	۳۳۰	۹۵۰	آنتیموان [g/g]
۷۰۰	۱۸۲۰	۳۰۰	۱۸۸۰	۱۵۰۰	۱۳۸۰	۱۵۲۰۰	۲۲۲۰	۸۹۵۰	۴۱۰۰	۱۹۵۰	۷۲۸۰	۵۷۳۰	آهن [g/g]
۱۱۰۰	۶۶۰	۲۴۰	۳۰۰	۶۲۰	۷۷۰	۴۳۰	۳۷۰	۲۶۰	۱۷۰	۴۵۰	۸۰۰	۷۷۰	نقره [g/g]
۱۵۶۰	۲۶۶۰	۵۰۰	۱۹۲۰	۲۷۰	۲۶۶۰	۱۱۰۰۰	۴۳۴۰	۵۵۷۰	۴۹۷۰	۳۳۰	۶۳۰	۱۶۶۰	نیکل [g/g]
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۷۰	۹۰	۱۴۰	۱۷۰	۹۰	۳۰	۷۰	۱۲۰	۳۰	بیسموت [g/g]
۸۰	۱۲۰	۸۰	۲۴۰	۳۰	۳۴۰	۱۹۰	۴۴۰	۵۷۰	۳۴۰	۱۴۰	۱۲۰	۲۰۰	کیات [g/g]
۵	۳۷	۷	۱۹	۱۳	۱۲	۳	۱۳	۱۰	۶	۱۲	۷	۱۰	طلا [g/g]
۴۰	۱۰	۵۰	۲۷۰	۱۰	۳۰	۱۰	۸۰	۴۰	۱۰	۵۰	۶۰	۳۰	روی [g/g]

ADDENDA

73



شکل ۴: اشیایی از مناطق AI و C کال نسا که در مطالعات متالورژیک توسط MASCA (اشیاء بالایی و میانی) از آزمایشگاه موزه‌های فرانسه و مؤسسه شیمی خز ماکس پلانک (اشیاء میانی و پائینی) به کار گرفته شده‌اند. علامت ستاره پشت شماره‌ی قبر، نشان می‌دهد که آن شیء برای ترکیب ایزوتوپی سرب آن، مورد بررسی قرار گرفته است.

## نتیجه گیری

مقبره‌های منطقه AI در کال نزار متعلق به این دوره است. در مقایسه با مقبره‌های مشترک فاز بعدی، همه‌ی این مقبره‌ها نسبتاً کوچک با درازای داخلی هستند که بین ۱/۴۰ سانتی‌متر و ۴ متر متغیر است. بسیاری از آنها دوباره مورد استفاده قرار گرفته‌اند، برخی حتی به قدمت عصر برنز میانه هستند، و طی این فرایند، کالاهای تدفینی برداشته شده و یا بهم ریخته شده‌اند. این امر اغلب تاریخ‌گذاری مقبره‌ها و مدفن‌های فردی را پیچیده می‌کند. با این حال، برخی از نتایج کلی را می‌توان بدست آورد. اگرچه با اطلاعات موجود می‌توان تصویر کلی قبرستان کال نزار را ترسیم کرد، اما بسیاری از جنبه‌ها همچنان مبهم باقی مانده است. چه چیزی باعث این تغییرات در مکان، طراحی و کاربری مقبره‌ها شده است؟ همه چیز باید توضیح داده شود. موقعیت اجتماعی متوفی یا خانواده او، جنسیت، پیوندهای خانوادگی، اعتقادات مذهبی، همه اینها ممکن است نقش خود را ایفا کرده باشند. درک چنین عناصری هنگام استفاده از رویکرد دقیق باستان‌شناسی، حتی زمانی که گورستان‌ها بزرگ بوده و مستندسازی شده‌اند، همیشه دشوار است. در شرایط کنونی که اکثر مقبره‌ها غارت شده یا بهم ریخته شده‌اند، تقریباً غیرممکن است. در مورد کال نزار با داده‌های بسیار ناقصی مواجه هستیم. بقایای اسکلتی ظاهراً بسیار نادر بودند. برخی از آنها در برنامه‌ها ذکر شده است؛ اما ما فرض می‌کنیم که آنها در این زمینه کنار گذاشته شده‌اند. مطمئناً آنها هرگز تحت هیچ تحقیق انسان‌شناسی قرار نگرفته‌اند. در حالی که بیشتر مقبره‌های بزرگ غارت شده بودند، اما آن‌هایی که خالی نشده بودند، هنوز تصویر مخدوش و ناقصی را ارائه می‌دهند. استفاده مجدد طولانی مدت از این قبرها همراه با آشفستگی در دینه‌های قدیمی‌تر و احتمالاً با برداشتن سفال‌ها و سایر وسایل تدفینی از مقبره همراه

بود. این ممکن است، برای مثال، توضیح دهد که چرا فقط بخش‌هایی از رگه‌ای خاص پیدا شده است. در نتیجه، به ندرت می‌توان ارتباط بین یافته‌های درون مقبره‌های مختلف را مشخص کرد. در عین حال، این نیز درست است که همه مقبره‌ها به طور کامل توسط حفاری ثبت نشده‌اند. مثلاً در بان‌سر مه، برای واندنبرگ مشخص بود که غارت قبرستان یک روند ادامه دار است و غارت‌گران به زودی به محل بازخواهند گشت. بنابراین، در پاییز ۱۹۶۸ کمتر از دو ماه فرصت داشتند تا قبرستان کال نسا را کاوش کنند. این نه تنها شامل مقبره‌ها و دو بنا می‌شود، بلکه شامل حفر ترانشه‌های آزمایشی (۴۲ متر دیگر) و گورستان AII می‌شود که در جلد بعدی اسناد کاوش لرستان مورد بحث قرار خواهد گرفت. در چنین شرایطی، باید انتخاب‌هایی صورت می‌گرفت. مقبره‌هایی که به نظر می‌رسید غارت شده بودند به طور کامل مستند نبودند، فقط برخی از اندازه‌گیری‌های مربوط به ساخت و ساز ذکر شدند. آن دسته از قطعاتی که واندنبرگ آنها را غیر آموزنده می‌دانست، گاهی اوقات به سادگی در میدان بدون هیچ مدرک دیگری دور انداخته می‌شدند. با وجود این، او هنوز هم می‌توانست اطلاعات مهمی را در مورد یک مرحله‌ی فرهنگی که در آن لحظه به سختی در پشت کوه ثبت شده بود، به دست آورد.

## منابع و مأخذ:

– بیگ محمدی، خ.؛ (۱۳۸۸)، ”بررسی نقوش سرسنجاق‌های دیسکی مفرغی لرستان”، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، رشته باستان شناسی گرایش تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ص ۳۱.

– گراوند، م.؛ (۱۳۹۰)، ”گزارش بررسی باستان شناختی دهستان کره گاه شرقی خرم آباد”، باستان شناسی ایران (۲)، موسسه بین المللی مطالعات گردشگری و هشت مینا، ص ۷۶.

– واندنبرگ، ل.؛ (۱۳۷۹)، ”باستان شناسی ایران باستان”، ترجمه دکتر عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران. سایت رسمی سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور، تهیه کننده: مهدی زاده – زمانی [www.gsi.ir](http://www.gsi.ir).

- ABDI, K., NOKANDEH, G., AZADI, A., BIGLARI, F., HEYDARI, S., FARMANI, D., REZAI, A. & MASHKOUR, M., 2002 Tuwah Khoskkeh: A Middle Chalcolithic Mobile Pastoralist Camp-site in the Islamabad Plain, West Central Zagros Mountains, Iran, in *Iran* XL, 2002, p. 43-74.
- FLEMING, S.J., PIGOTT, V.C., SWANN, C.P. & NASH, S.K., and 2005 Bronze in Luristan: preliminary analytical evidence from copper/bronze artifacts excavated by the Belgian mission in Iran, in *Iranica Antiqua* XL, 2005, p. 35-64.
- FOREST, J.D., 1980 Kheit Qasim I, UN cimetiere du troisieme millenaire dans la vallee de Hamrin, Iraq. In *Paleorient* 6, 1980, p. 213-
- HERINCK, E. & OVERLAET, B., 2004a The Iron Age III graveyard at War Kabud, Pusht- i Kuh, Luristan (= Luristan Excavation Documents V), *Acta Iranica* 42, troisieme serie, Leuven, 2004.
- HERINCK, E. & OVERLAET, B., 2004b the Chronology of the Pusht-i Kuh, Luristan in *From Handaxe to Khan*. Essays presented to Peder Mortensen on the occasion of his 70<sup>th</sup> Birthday (Kj, Von Folsach, H. Thrane & I. Thuesen, eds.), Aarhus, 2004, p. 118-135.
- HERINCK, E. & OVERLAET, B., 2006 Bani Surmah. An Early Bronze Age Graveyard in Pusht-i Kuh, Luristan (= Luristan Excavation Documents VI), *Acta Iranica* 73, troisieme serie, vol.

## بازتاب تحولات تاریخی-اجتماعی در تطور زیارتگاه های عشایری

و روستایی استان ایلام در زاگرس مرکزی علی نوراللهی<sup>۱۵</sup>

### چکیده:

در این مقاله نگارنده به بررسی زیارتگاه های استان ایلام پرداخته است. بخش هایی از این نوشتار از دو تن از باستان شناسان سرشناس در زمینه عصر آهن حوزه زاگرس مرکزی در غرب گرفته شده که خود سالها در این منطقه پژوهش کرده اند، به بررسی امام زاده های مناطق پشتکوه (ایلام امروزی) پرداخته و در این مورد اطلاعات جالب توجهی ارائه داده اند که می تواند راهگشای پژوهشگران و محققانی باشد که در این زمینه مطالعه می کنند. همچنین، در این مقاله عکس های بسیار با ارزشی از این بناها، ارایه شده که با توجه به تغییر و نوسازی این بناها طی ادوار گذشته که تا حال حاضر نیز ادامه دارد، می تواند مدارک ارزشمندی از معماری و تزینات این بناهای مذهبی که بدست خود مردم ساخته شده و تبلور و عصاره ایمان آنها است، در اختیار ما و آیندگان قرار دهد. به دلیل اطلاعات محدود در این عرصه، در این نوشتار کوشش شده تا اطلاعات کاملتری در این زمینه - که مسلماً تعداد آنها بسیار بیشتر از آنهایی است که ذکر شده است - ارائه داده و دلائل شکل گیری و تحولات معماری آنها را مورد بررسی قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** اماکن مذهبی، پشتکوه، زیارتگاه های روستایی، معماری مذهبی، گچبری.

<sup>۱۵</sup> - دکترای باستان شناسی - پژوهشگر مستقل، alinorallahy@yahoo.com

## پیش در آمد

آرامگاه بنایی است که یک یا چند شخصیت مذهبی یا سیاسی<sup>۱۶</sup> در آن دفن شده باشد. این نوع بناها به دو گروه مذهبی (زیارتی) و غیرمذهبی تقسیم می شوند. آرامگاه های مذهبی به امام زاده یا پیر، بابا و سید معروف اند و در مقایسه با سایر بناهای اسلامی، جز مساجد، اعتبار ویژه ای دارند. مسلمانان، به ویژه شیعیان، به این بناها بیش از دیگر بناهای دوره اسلامی علاقه دارند و بدان ها احترام می گذارند<sup>۱۷</sup>. بعضی از این بناها از نظر نوآوری و سبک معماری قابل توجه اند و در زمان ساخت و بعد از آن اهمیت بسیار داشته اند. همچنین، بنای بعضی از آرامگاه ها رفته رفته گسترش یافته و به مجموعه های معماری پیچیده و باشکوه تبدیل شده اند. بناهای آرامگاهی هم مانند سایر بناها نقشه های زیربنای متفاوتی دارند که از آن جمله اند نقشه های مدور، مربع و هشت ضلعی که با شیوه های گوناگون معماری ساخته شده اند و تزئیناتی چون آجرکاری، گچبری، کاشی کاری دارند. ساخت مقبره و زیارتگاه در ایران بعد از اسلام پیشینه ای طولانی دارد. این بناها با نام هایی چون برج، گنبد، بقعه و مزار نیز

<sup>۱۶</sup> - از جمله آرامگاه خلیفه المهدی بالله در شهر ایلام امروزی که پیش از انقلاب توسط شهرداری ایلام تخریب شد و بجای آن پارک کودک احداث گردید. مورخانی چون یعقوبی نیز از درگذشت المهدی در این منطقه خبر داده اند وی می نویسد: مهدی یازده شب گذشته از محرم سال ۱۶۹ از بغداد رهسپار عراق عجم شد و در قریه ای بنام رذ از قرای ماسبدان فرود آمد و برای شکار بیرون رفت و تمام روزش را سرگرم تعقیب شکار بود و سگ ها به تعقیب آهوئی شتافتند و مهدی بدنبال آهو همچنان می تاخت تا اینکه آهو به درون ویرانه ای جست و سگ ها در پی او تاختند و اسب مهدی او را در پی آهو به درون کشید و در ویرانه او را صدمه زد و به سراپرده اش حمل گردید و هشت روز مانده از محرم سال ۱۶۹ در چهل و هشت سالگی درگذشت (یعقوبی، ابن واضح، ۱۳۵۶، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۴۰۱).

<sup>۱۷</sup> - محمدیوسف کیانی، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۷۴، ص ۱۰.

معروف اند<sup>۱۸</sup>. با این همه، بناهای زیارتگاهی که در این مقاله بررسی شده اند، از نظر نوع ساخت به دو گروه تقسیم می شوند:

الف) بناهایی که حکومت محلی (والیان) در ساخت آنها دخالت داشته یا مستقیماً خود به ساخت آنها اقدام کرده و در ساخت آنها از پلان چهارطاقی و مصالح با کیفیت استفاده شده است.

ب) سازه‌ها (و روادگاه = زیارتگاه های روباز) و بناهای ساده‌ای که به همت مردم ساخته شده‌اند و از نظر شیوه و سبک معماری چندان شاخص نیستند و شیوه معماری بناهای رسمی و حکومتی که والیان اقدام به ساخت آنها کرده بودند در آنها دیده نمی شود. زیارتگاه روباز عموماً بصورت سازه‌ای با دیواره سنگچین که در ورودی آنها به شرق است ساخته شده و فاقد سقف هستند و مدفن یا قبر در وسط این سازه سنگچین قرار دارد. در برخی موارد ساکنان و اهالی منطقه که دارای زندگی کوچ نشینی بودند بر روی آنها بنای چهار گوشه‌ای با لاشه سنگ و ملاط گل و پوشش گچ بر روی آنها ساخته بودند. این بناها دارای پوشش های مضرس، قیفی شکل و مخروطی بودند. و فاقد الحاقات می باشند. به هر حال، این دو گروه علی رغم تفاوت های بنیادی که در شکل ظاهر دارند. از سنت های محلی ساخت بناهای آرامگاهی و روادگاه ها و قدمگاه ها پیروی کرده‌اند و در ساخت آنها از مصالح بوم آورد؛ یعنی آجر، لاشه سنگ و ملاط گچ نیم کوب یا گل استفاده شده است. با توجه به شکل و فرم ابنیه، گچ در پوشش بیرونی و داخلی آنها به کار رفته تا زمختی و خشونت را بپوشاند و امروزه بقایای اندکی از تزیینات ساده گچی در برخی از آنها باقی مانده است. در این

<sup>۱۸</sup> - همان

نوشتار علاوه بر معرفی و دسته بندی این آثار که کمتر شناخته شده‌اند. به بررسی تاثیرات سیاسی و تاریخی که در یک سده اخیر - که در واقع تاثیرات حوادث سیاسی و اجتماعی است که در منطقه رخ داده از جمله یکجانشین سازی ایلات و کوچ نشینان و تغییرات سیاسی که در منطقه و در ابعاد ملی اتفاق افتاده- بر این بناها گذشته مورد مطالعه قرار گرفته است. این تغییرات بازنمایی از تحولات و تاریخ محلی هستند که کمتر در تاریخ های رسمی و حتی استانی نمود می یابند.

### در آمد

در طی ۱۵ سال، بین سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹، یک هیأت باستان شناسی بلژیکی کاوش های گسترده ای را در ایلام (پشتکوه لرستان) در کوه های زاگرس در غرب ایران به عهده گرفت. پشتکوه در استان ایلام قرار دارد که در آن کبیرکوه آخرین رشته کوه و مانع از ورود به دشت آبرفتی بین النهرین از بلندی های ایران است. ایلام به همین صورت نام مرکز استان است. تا دهه سوم قرن بیستم این مکان حسین آباد یا ده بالا خوانده می شد. فریا استارک مشاهده کرد که مرکز پشتکوه هنوز یک شهر متحرک از چادرهاست که فقط یک بنای حفاظ دار یا دو نفر از والیان به آن اعتبار داده‌اند. در سال ۱۹۳۱ دولت آن را در اختیار خود گرفته و شروع به ساختن شهری در آن کرد<sup>۱۹</sup>.  
واندنبرگ به نمایندگی از دانشگاه ژانت و موزه های سلطنتی هنر و تاریخ در بروکسل این تحقیق در این منطقه را سرپرستی می کرد. تیمی از دو یا سه باستان شناس، یک عکاس - طراح و معمار در این منطقه سالانه سه ماه در آن فعالیت می کردند.

5- F. Stark, Valleys of the Assassins and other Persian Travels (London, first edit. 1934-1(Reprint 1947), p. 148.

گورهای متعددی مربوط به دوره ی مس سنگی (Chalcolithic)، مفرغ (Bronze)، و آهن در آنجا کشف و حفاری شدند. بعلاوه آثار دیگری از دوره ی قبل از اسلام، مانند سنگ نوشته آشوری، چندین آتشکده زرتشتی و آثار دیگر شناسایی و بررسی شد. تعدادی از عکس‌های امام زاده ها که در این مقاله آمده توسط اریک اسمکنز عکاس و طراح در دانشگاه ژانت در طی سفرش به ایلام به عنوان یکی از اعضای اصلی هیأت باستان‌شناسی بلژیکی (BAMI) بین سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹ گرفته شده اند. در طی آن سال‌ها گاهی امکان مسافرت با اتومبیل در جاده‌های ناهموار وجود داشت، در بعضی موارد پیاده روی‌های طولانی بین دره‌های با شیب تند در کوه‌های بزرگ و اعجاب برانگیز کبیرکوه یا سواری بر پشت قاطر یا اسب تنها وسیله حمل و نقل برای بررسی دره‌های کوچک میانکوهی بود. اطلاعات بدست آمده از سیاه چادر نشینان برای در شناسایی و بررسی و تعیین محل این محوطه‌ها بسیار مهم بود. این موضوع فراتر از گفتن این بود که مقابر اسلامی با ماهیت متفاوت نیز گاهی یافت می شدند. هرچند بررسی این آثار، جزء هدف علمی اصلی ماموریت هیأت بامی نبود، ولی بناها روی نقشه تعیین جا شده و از اکثر آنها عکسبرداری شد. در واقع، اقدامات این هیأت مشخص کرد که فقط تعداد اندکی از اروپائیان (که برای شناسایی این مناطق که از نظر آنها ناشناخته بود. این در حالی بود که این مناطق از دیرباز برای جغرافیدانان و مورخین عرب و ایرانی کاملاً شناخته شده بود). مسافرت کرده بودند، توانسته‌اند در این ناحیه بایر و دورافتاده مسافرت نمایند. زیرا اکثر آنها خیلی مشتاق بودند از این ناحیه خارج شده و از سکنه آن هرچه زودتر دور شوند.

بنابراین، آثار منتشر شده اندکی از این مسافران قرن نوزدهم و بیستم در دست است و اکثر آنها نیز برای افراد محلی جالب نیستند، هرچند همه این مسافران (کاشفان) تحت

تأثیر مناظر بدیع و چشم نواز زاگرس قرار گرفته اند؛ اما این مسافران که تحت تأثیر یا پیرو تفکر برتری نژادی اروپایی بودند، در نوشته‌هایی که منتشر کردند. به جای تعامل و درک رفتارهای فرهنگی این مناطق، توصیفات و شرح غیر واقعی از آنها را در نوشته‌های خویش ارائه داده‌اند. چنانچه در سال ۱۸۳۹، اچ. سی. راولینسون توصیه زیر را به مسافران نموده است: خانواده‌والی بخاطر روحیه تحمل‌ناپذیرشان بدنام هستند<sup>۲۰</sup>؛ و من باید به هر مسافر اروپایی که از ولایت پشتکوه برای بررسی آثار قدیمی قابل توجه آن بازدید می‌کند. توصیه کنم به فقیرترین وجه ظاهر شود و در میان قبایل سرگردانی زندگی کند که عمدتاً علی‌اللهی [اهل حق] هستند و نسبت به مسائل مذهبی کاملاً بی‌اعتنا [اهل تسامح] هستند.<sup>۲۱</sup>

<sup>۲۰</sup> - حاج سیاح در مورد خانواده‌الیان هنگام دیدارش از این منطقه می‌نویسد: حسینقلی خان که از هفتصد سال پیش خود و پدرانش را سرپرست و مالک رقاب این مردم پریشان می‌داند باز ایشان را بیگانه می‌شمارد یا نفع خود را نمی‌خواهد؟ چه منظور از ضعف و بدحالی این بیچارگان دارد؟ بگمان من این اعتقاد مهلکی است در هر مستبد خود پرستکه می‌خواهد هر کسی را که دستش می‌رسد چنان ضعیف کند که بر خاطرش ترمرد خطوط نکند یا بالفطره از شدت تذلل و حقارت زیر دستان خوشحال می‌شوند (حاج سیاح، ۱۳۴۶، سفرنامه حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران، ص ۲۲۵). لرد کرزن در مورد حسینقلی خان نیز می‌نویسد: وی خوش محضر است و قیافه‌ای جالب و ریش درازی دارد که به او لقب والی ریش بزرگ داده‌اند او را فیلی هم می‌خوانند و به واسطه هیبت زیاد و رفتار باخشونتش ابوالقداره لقب دارد و این صفت اخیر در باره او و طرز حکومتش نیک وارد است و سبب شده است که عده‌ای از اتباعش به خاک عثمانی فرار کنند و زیر دستانش دوستش ندارند (کرزن، ج ۱، ص ۱۳۵، ایران و قضیه ایران، جلد ۲، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۳۳۵).

<sup>21</sup> - H.C. Rawlinson, Journal of the Royal Geographical Society, (1839): 52. “، یادداشت‌های بر راهیمایی از ذهاب، در دامنه زاگرس، در طول کوه‌ها به سوی خوزستان (سوزیانا) و پس از آن در میان استان لرستان به سوی کرمانشاه، در سال ۱۸۳۶” .

در سال ۱۹۲۲ سی. جی. ادموندز دربارهٔ لرهای پیشکوه که در شمال پشتکوه قرار دارند، نوشته است: که ویژگی یک لر را می توان در یک کلمه جمع کرد اگر بتوان کلمهٔ نسبتاً بدی برای او بکار برد. لر یک "خوک"، یک خوک که تربیت نشده، بدون هیچ وفاداری. دید او به مسافر چه ایرانی یا اجنبی... نگاه "یا پولت را بده یا زندگیت" است. گاهی هردو مد نظرش است. او عهدشکن است و هیچ قسمی برایش آتقدر مقدس نیست که او را پایبند سازد. طماع است و روح خود را برای پول می فروشد. او همان چیزی است که اعراب به "ابن الوقت" می گویند یعنی فرزند زمان حال بدون هیچ حافظه و بینشی؛ او طبق زمان و بدون توجه به تجربه گذشته و یا پیامد احتمالی عمل می کند. همین نبود منطق در رفتار یعنی عدم قطعیت در مورد کاری که انجام خواهد داد است، که به محدودیت مسافرت به لرستان را زیاد می کند. مسافران اندکی در لرستان از مهلکه گریخته اند.<sup>۲۲</sup>

به همین ترتیب اورل استین دریافت که "در همه دوره های اخیر لرستان، به خاطر شرایط پایدار یک حکومت یک نفره در میان قبایل، منطقه ایست که کمتر از همه جای ایران پیشرفت کرده است".<sup>۲۳</sup> هرچند ادموندز دیدی خیلی منفی دربارهٔ خصلت و رفتار لرها ارائه کرد، نیم قرن بعد وقتی هیأت بامی در این ناحیه به مسافرت و کاوش های دامنه دار اقدام کردند، هیچ بیگانه ای از زندگی خود نگرانی نداشت چونکه منطقه امن بود. دولت مرکزی تسلطی قوی بر این ایالت و اذهان کوچروهای چوپان داشت. شهرت بد لرها از بین رفته بود. در همه جا از آنها با احترام پذیرائی شد و با حداکثر مهمان نوازی

22- C.J. Edmonds, "Luristan: Pish-i-Kuh and Bala Gariveh", The Geographical Journal, LIX: 5 (1922): 342.

9-A. Stein Old Routes of Western Iran. Narrative of an archaeological journey (London, 1949), p. 179.

با آنها برخورد کردند. سیاه چادرهای عشایر که در آنها مهمان می شدند و گاهی هم در آنجا اقامت می کردند، قرن ها تغییری نکرده بود هرچند که هیچ شیوه و راه جدیدی برای زندگی نیز ارائه نشده بود. به هر حال، بدون هیچ ترس و نگرانی آزادانه به فعالیت های علمی و پژوهشی خود مشغول بودند. ظاهراً تنها دلیل نگرانی آنها سگ های بدترکیب و پر سر و صدائی بودند که از چادرها نگهداری می کردند. این سگ ها هنوز هیچ نشانه ای از کمترین ملاحظه برای افراد تازه وارد بیگانه نداشتند و خطرناکترین چیزی بود که باستان شناسان با آنها روبرو می شدند. بازدید کنندگان در گذشته نیز مشاهداتی در مورد باورهای رایج در میان لرهای بیسواد بویژه در مورد ساکنان اصلی لرستان که اکنون لرستان پیشکوه نامیده می شود و مرکز آن خرم آباد است که در شمال کبیر کوه و بنابراین در پشتکوه واقع است، انجام داده اند. راولینسون در مورد پشتکوه (ایلام امروزی) نوشته است:

مذهب قبایل لر کوچک<sup>۲۴</sup> خیلی عجیب است و لازم است بدقت بررسی شود؛ زیرا هرچند بنیاد همه آنها یکی است و شامل باور به یک رشته از مظاهر به دنبال هم است، هنوز به خرافات محلی باور دارند که بوضوح کهن هستند. لرها کمترین حرمتی برای محمد (ص) و قرآن قائل نیستند و تنها کسی که عبادت می کنند بابا بزرگ است و گور بابا بزرگ در لرستان مقدس ترین نقطه استان است<sup>۲۵</sup>. زیرا لرها هیچ ایده ای در

<sup>۲۴</sup> - پشتکوه امروزه شامل استان ایلام است و زبان اصلی مردم این منطقه کردی جنوبی است.

<sup>۲۵</sup> - «باوه پیره» یا بابابزرگ از مکان های مقدس لرستان است که در ۶۵ کیلومتری دلفان و در شهرستان نورآباد قرار دارد. بقعه باوه پیره یا بابابزرگ از احترام زیادی در بین اهالی لرستان، ایلام، کرمانشاه و همدان برخوردار است. این بنا با توجه به شیوه معماری آن متعلق به دوره قاجاریه است. کلمه بابا به پیران و مرشدان مذهب اهل حق و یارسان که در این مناطق رواج دارد گفته می شود. بنای آن ساده و داخل گنبد هشت ضلعی و ورودی آن از طرف شمال است.

مورد دین جز زیارت این پیر خود ندارند.<sup>۲۶</sup> اگرچه، تقریباً یک قرن بعد ادموندز در سال ۱۹۲۲ نوشته است: که در رابطه با مذهب تجربه من برخلاف اکثر اسلاف من این بود که اسلام تأثیر زیادی روی لرها دارد هر چند در کشان مبهم و اغلب ابتدائی است و مقابر محلی و اماکن مقدس آنها را بخود جلب می کند که این یک پدیده رایج در سراسر ایران است. بسیاری از آنها نمازهای خود را مرتب می خوانند و روزه ماه رمضان را رعایت می کنند. قراری که معمولاً الزام آور است معمولاً در حاشیه قرآن نوشته، مهر و امضا می گردد که معمولاً این توافق کمتر پایدار می ماند؛ ولی بهرحال این موضوعی دیگر است.<sup>۲۷</sup> بهر حال، این تنها نویسنده ای است که این دیدگاه را ابراز داشته است. همانطور که اینگه دمانت مورتسن گفته: " آن چه همه ی نویسندگان تا بحال به آن اشاره کرده اند - بجز ادموندز - در این دیدگاه لرها هر چند به اسلام تظاهر کنند تنها ایده های ضعیف از دین اصیل دارند و تا حدود زیادی به اصول اسلامی بی تفاوت و غافل هستند، در حالی که در همان زمان در مراسم خرافه افراط می کنند و حرمت زیادی برای پیرها و قدیسان خود قائل هستند."<sup>۲۸</sup> مطابق نظرای. کی. اس لمبتون امام زاده برای نامیدن اخلاف امامان شیعه و مقبره ی چنین شخصی بکار برده می شود. ...از این رو امام زادگان سید هستند، همه سید ها دارای این عنوان نیستند. در کاربرد عام این عنوان به پیران و نوادگان امامان و نیز اخلاقی که تقدس ویژه دارند و به شهادت رسیده اند داده می شود. وی سپس ادامه می دهد و یادآوری می نماید که "

12-Rawlinson, 100, 109.

13-Edmonds, 341.

14-I. Demant Mortensen, Nomads of Luristan. History, Material culture and Pastoralism in Western Iran (London, 1993), p. 121

احترام قائل شدن برای آنها مساوی است با احترام به امام.<sup>۲۹</sup> افراد محلی ممکن است تفسیر متفاوتی از معنای امام زاده داشته باشند. در نتیجه ممکن است محل دفن یک رئیس یا رهبر ایل یا هر شخص پرهیزگاری را امام زاده بنامند.<sup>۳۰</sup>

گاهی سنت شفاهی یک نسب کلی و افسانه ای را بوجود می آورد و حقیقت بطور کامل تحریف، مبهم و حتی مخلوط می گردد. به هر صورت ممکن برای این افراد محلی این امام زاده ها عنصری مهم در سختی های زندگی هستند، جایی که می توانند بروند از این متوفیان طلب برکت نمایند و برای برآوردن آرزوی خود دعا کنند و از یک بیماری نجات یابند. مورتسن در پشتکوه مشاهده کرد، بویژه در هلیلان، که در بخش های روستائی لرستان مردم به سوی امام زاده ها و مقابر به چند دلیل می روند از جمله قسم خوردن در موارد حقوقی، علاج دردهای جسمی و روحی، زیارت

<sup>۲۹</sup> - اهل حق دارای سلسله مراتب معنوی است که در بالاترین رده آن «پیر» قرار دارد و بعد از آن «سید» است. «سید» کسی است که از فرزندان یکی از خاندان های یازده گانه «یارسان» باشد و کارش دعا خوانی نذور است و تا به نذور دعا خوانده نشود خوردن آن جایز نیست. نایب سید کسی است که از فرزندان «دلیل های یارسان» باشد و در نبودن سید کار او دعا خوانی است. «خلیفه» هم نذور را میان جم نشینان قسمت می کند. «کلام خوان» کسی است که به علم کلام بزرگان اهل حق آشنایی تام داشته باشد تا در هنگام خواندن کلام، دیگران گفته های او را تکرار کنند. کلام خوان باید به تنبور زنی هم آشنایی داشته باشد، زیرا کلام ها را با آهنگ تنبور می خوانند. خادم کسی است که نذور را پس از اینکه «خلیفه» از هم جدا می کند، او در میان جم نشینان تقسیم می کند و تا پایان جم حق نشستن و خروج از جمخانه را ندارد و اگر چنانچه خروج وی واجب بود باید کلاه خود را بجای خویش بگذارد و دستور چنین است که کارهای واگذاری را باید با پای برهنه انجام دهند(بنگرید به الهی، نورعلی، ۱۳۷۹، برهان الحق، تهران، انتشارات جیحون؛ بنگرید به سلطانی، محمدعلی، ۱۳۷۷، قیام و نهضت علویان زاگرس، یا، تاریخ تحلیلی اهل حق، کرمانشاه، انتشارات سها).

16-A.K.S. Lambton, "Imamzada", EI2, III (1971), fasc. 59-60, p. 74.

و جشن های آخر رمضان یعنی عید فطر و اجرای مراسمی بنام تعزیه که در خلال ده روز اول ماه محرم و به یاد شهادت امام حسین (ع) و خانواده اش انجام می گیرد.<sup>۳۱</sup> معمولاً مردم اشیائی مانند شانه، بطری های روغن<sup>۳۲</sup>، فسیل ها و حتی سنگ های صیقل خورده را در مقابر قدیسان و یا افراد مورد احترام جای می گذارند تا برکت یابد.<sup>۳۳</sup> این سنت بعلاوه ممکن است مورد علاقه ی باستان شناسان باشد. دومین کاربرد اشیاء باستانی را در چند مناسبت دیگر ایران می توان مشاهده کرد (بخشی از یک سنگ که روی آن کار صورت گرفته، یا یک شیء سنگی، تکه هائی از یک کاسه، سرهای گرز و غیره).<sup>۳۴</sup> فریا استارک سوار بر اسب از بدره در عراق وارد پشتکوه شد و به همین نحو راه خود را به سمت کوه های عظیم کبیر کوه ادامه داد. در مسیر خود جائی بین روستای منصورآباد (شهر مهران امروزی) و ارکواز (۴۰ کیلومتری جنوب ارکواز) وی امام زاده ای را دیده که طبق توصیفش باید برای وی جالب بوده باشد. وی می نویسد: بعد از حدود ۳ ساعت به یک بلندی وارد شدیم که با یادبودی سنگی پوشیده شده بود و از روی این نمادها دریافتیم که باید یک مکان مقدس در دید ما باشد، جلوتر را نگاه کردیم و امام زاده پیر محمد را با چهار مناره ی سفید و دو گنبد آبی روبروی ما در یک فضای باز و مستور از مزارع برنج دیدیم که در زیر آفتاب رنگ سبز درخشانی

17-Demant Mortensen, 131.

18-Stark 1934, 100; H. Izadpanah, "Atar-i bastani wa tarihi Luristan", Tehran, 1 (1350/1971-72): 527.

19-Demant Mortensen, 126-127.

20-G.F. Dales, "Hissar, IIIC Stone objects in Afghan Sistan", in Mountains and Lowlands: Essays in the Archaeology of Greater Mesopotamia, eds. L.D.

Levine & T. C. Young, eds., Bibliotheca Mesopotamica, 7 (1977): 17-27, 3 ill.

(Gudar-i Shah ziarat) / D. Potts, Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1975.

The Third Millennium [American School of Prehistoric Research Bulletin 45] (Cambridge, 2001), pp. 142, fig. 4.41 (Soghun Valley).

داشتند.<sup>۳۵</sup> در ۱۹۷۰ تیم بامی به همین ترتیب آرامگاه پیرمحمد را مشاهده کردند. آنها بر اساس اطلاعات محلی این آرامگاه را برادر امام رضا که در مشهد مدفون است دانسته اند.<sup>۳۶</sup> این موضوع تاکنون در جایی نیامده است و در ضمن این امام زاده یا پیر، مورد احترام مردمان ایل ملکشاهی است و در بین آنها هنوز از احترام بالایی برخوردار است. احتمالاً این موضوع را از افراد محلی شنیده اند. وجود بقاعی با پیشوند پیر همچنان که در مقاله نیز به چند تا از آنها اشاره شده می تواند در ارتباط با پیروان اهل حق باشد. به احتمال خیلی زیاد این بنا به دوره متاخر تعلق دارد و بناهای بزرگتر مناره هائی دارند که با کاشی های لعاب دار تزیین شده اند. وجود "یادبود های سنگی و سنگ قبرها" در اطراف یک امام زاده پدیده ای شایع است. تیم بلژیکی به عنوان مثال متذکر شد که در امام زاده جابر انصار، به محض آنکه امام زاده دیده می شود مردم شروع به جمع کردن سنگ روی هم می کنند. این به این دلیل است معمولاً زوار این امام زاده ها با قرا دادن سنگ های گرد صیقلی روی همدیگر نیت و مراد خود را با کمک پیر مورد آزمایش قرار می دهند. چنانچه بعد زیارت و دخیل بستن این دوسنگ روی هم بند شوند به معنای آن است که به مرادش خواهد رسید. (متاسفانه بیشتر این سنگ ها که به علت صدها سال استفاده صیقل یافته بودند و بر اثر سایش مکرر شکل های خاصی پیدا کرده بودند، توسط قاچاقچیان از این اماکن سرقت و همچنین با نوسازی بسیاری از این اماکن متبرکه ناپدید شده و کسی از سرنوشت آنها اطلاعی

21-Stark 1934, 66-67.

<sup>36</sup> - Haerincq, Ernie, Bruno Overlaet (2008), Holy places in Pusht-i Kuh, Luristan: rural Islamic shrines in the Central Zagros, W-Iran, in Continuity and change in the realms of Islam: studies in honour of Professor Urbain Vermeulen. Pp.287-310.

ندارد (لوح ۱۲). در پشتکوه از این امام زاده های بزرگ چندین مکان وجود دارد در جایی که الان تا حدودی تبدیل به شهرهای بزرگی شده اند.

به هر حال، این موارد فراتر از فضای این مقاله هستند که در آن می خواهیم یک بررسی از معماری کوچکتر، رایج تر و ساده تر در حوالی روستاها انجام دهیم. معماری های دقیق از جانب معماران ساخته شده اند و دیوار هائی که به زیبایی و خط مستقیم ساخته شده اند از آجر درست شده اند. بعضی از این امام زاده ها درون خود آرامگاه هائی دارند که دارای گنبد های لعاب دار و مناره هستند. امام زاده سید حسن (مهران) و علی صالح (صالح آباد) (این امام زاده خاص علی نام دارد، بنای اصلی آن در اواخر دوره قاجاریه بدنبال خوابی که یکی از اهالی کرمانشاه می بیند، ساخته می شود، این بنا در اصل مانند دیگر زیارتگاه های منطقه از نوع روباز بوده و در زمان والیان ساختمان و بنایی بر روی آن ساخته می شود (لوح ۱). در این گروه جای می گیرند. این آرامگاه ها همگی در مراکز اصلی دشت های بزرگتر واقع شده اند و احتمالاً برخی از آنها بعد از ۱۹۳۰ یعنی دوره ی رضاشاه ساخته شده اند، وقتی که وی عشایر را مجبور کرد از زندگی کوچ نشینی دست بکشند و در روستاها و شهرها مسکن گزینند.

یکی از اقدامات شایسته هیأت بامی در خلال بررسی های خود ثبت و عکسبرداری از این مکان های مقدس بوده که با این اقدام خود اطلاعات ارزشمندی در مورد بناهای اولیه آنها به ما می دهند. زیرا در طی سالیان بعد از کاوش ها و بررسی های هیأت بامی این منطقه تحولات و دگرگونی های اجتماعی و سیاسی مختلفی را پشت سر گذاشته و دیدگاهها نیز در مورد این مکان ها تغییر یافته است. بطوریکه بسیاری از ایل ها بطور کامل یکجانشین شده اند و روستاهای کوچکی که در طی اقدامات رضاه شاه شکل گرفته بودند به سرعت تغییر شکل و بافت داده و به شهر تبدیل شدند.

بنابر این همه‌این آرامگاه‌های محلی نیز در معرض تغییر قرار گرفتند و بعضی از آنها در طی دهه گذشته برای انطباق با نیازها و سلیق جدید تغییر یافته‌اند. اکثریت ارزش این مستند سازی موجود در این حقیقت وجود دارد که بیانگر موقعیت قبل از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) است، یعنی زمانی که این مقبره‌ها هنوز در زندگی اجتماعات کوچک و محلی حضور پر رنگی داشتند. جهانگردان گذشته فقط تعداد اندکی از امامزادگانی را که اینجا نامشان آمده، ذکر کرده‌اند و هیچ کدام از آنها نیز تصویر نشده‌اند. در کل امکان ندارد تاریخ این اماکن را به روشنی معین کرد. در آنها هیچ نوشته‌ای وجود نداشت، که بتواند تاریخ‌های به‌خصوصی را در اختیار هیأت بامی قرار دهد. ذکر این اماکن از سوی تعدادی از جهانگردان اولیه، به هر حال، نشان می‌دهد که حداقل تعدادی از آنها ۱۷۵ سال قبل وجود داشته‌اند. تقریباً تعداد کمی از آرامگاه‌های مقدس را می‌توان در پشتکوه یافت. در فهرست‌های هیئت باستان‌شناسی بلژیک حداقل به شانزده تا از این امام زاده‌ها اشاره شده است.

### در منطقه زرین آباد

- ۱- امام زاده سید فخرالدین، (لوح ۳)؛
- ۲- امام زاده سید ابراهیم، (لوح ۴-۵)؛
- ۳- امام زاده سید ناصرالدین محمد<sup>۳۷</sup>؛
- ۱-۳- زیارتگاه روباز بابا فلک الدین میمه، (لوح ۶)؛

### در منطقه آبدانان

- ۴- امام زاده پیرمحمد، (لوح ۷-۸)؛

37 - Haerinck, Ernie, Bruno Overlaet (2008), Holy places in Pusht-i Kuh, Luristan: rural Islamic shrines in the Central Zagros, W-Iran., Pp.287-310.

۵- امام زاده صلاح الدین؛ (لوح ۹-۱۰)؛

### در منطقه بدره

۶- امام زاده جابر انصاری (دشت لارت). (لوح ۱۱-۱۲)؛

۷- امام زاده عباس (گنبد عباس یا پیر گول گه (ریزه- کوتوله)<sup>۳۸</sup>،

۱-۷- زیارتگاه روباز پیر خدر یا خضر زنده،

۲-۷- زیارتگاه شاه رنگی،

۳-۷- زیارتگاه روباز بابازید روستای پیشته زرانگوش،

۴-۷- زیارتگاه روباز بابازید روستای زید هندی مینی.

۸- تاج الدین یا حاجی نام؛

### در منطقه دره شهر

۸-۱- بابا سیف الدین: در دهستان آرمو شهرستان دره شهر و در دامنه تپه ای بنام

چهارطاق قرار دارد. در اطراف این آرامگاه درختان چندصدساله تاریخی وجود دارد.

این بنا بصورت مربع شکل که ابعاد آن  $۵/۳۰ \times ۵/۳۰$  متر و ارتفاع آن ۷ متر است. این

مقبره قبل از نوسازی با سنگ لاشه‌ای و گچ ساخته شده بود. بر سردر ورودی آن

کتیبه ای که زمان تعمیر آن را نشان می‌دهد: امیر غلامرضا خان هاشمی در سنه

۱۳۵۰ بقعه امام زاده سید سیف الدین علیه السلام را تعمیر نموده است. ورودی

آرامگاه به سمت شمال باز می‌شود<sup>۳۹</sup>. با توجه به نقشه بنا و گنبد قیفی شکل آن که

38 - idem

39 - ایزدپناه، حمید، ۱۳۵۰، آثار باستانی و تاریخی لرستان، جلد ۱، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ، صص ۴۹۴،

شبهه به دیگر زیارتگاه‌ها با معماری بومی است، احتمالاً این بنا در اصل زیارتگاهی روباز بوده است (لوح ۱۳).

۸-۲- آرامگاه مهدی صالح (می سالار): آرامگاه مهدی صالح در گورستان منطقه ماژین دره شهر واقع شده است. بنایی چهارگوش به ابعاد  $۳ \times ۵/۲۰$  متر و ارتفاع  $۳/۳۰$  متر بوده است. این آرامگاه دارای سردابه است که دسترسی به آن از طریق چند پله میسر بوده و مقبره اصلی در سردابه زیربنا قرار دارد. این طبقه تماماً با آجر ساخته شده و با طاق جناغی پوشش یافته است. طبقه دوم بنا به ابعاد  $۶ \times ۶/۴۰$  متر در وسط این طبقه قبری به طول ۱۵۵ سانتی متر با سنگ، گچ و پوشش سفالی ساخته شده است. ارتفاع آن  $۱۸/۴۵$  متر است. این بنا که به قرن هشتم هجری قمری تعلق دارد. گچ‌بری‌های داخل مقبره از جمله آثار ارزنده و بی‌نظیر قرن هشتم می باشد که شامل آیات قرآنی به خط ثلث و تزیینات شمسه و نقش اسلیمی می‌باشد. گچ‌بری‌ها عمل استاد حاجی خوارزمی و استاد حاجی اصفهانی بتاریخ ۷۷۰ هجری است. ورودی این آرامگاه به سمت مشرق است.<sup>۴۰</sup>

۸-۳- زیارتگاه روباز مادر زلیخا:<sup>۴۱</sup> این زیارتگاه در ۵۰ متری روستای سیکان و بر دره سیکان مشرف است. دارای پلانی مربعی شکل از سنگ چین است که روی قبر که در وسط سازه سنگ چین قرار دارد کپه ای از سنگ لاشه ای بصورت مستطیلی

<sup>۴۰</sup> - همان، صص ۴۸۹-۴۹۳، تصاویر صص ۵۳۱-۵۳۷.

<sup>۴۱</sup> - در مذهب آل حق از بسیاری از زنان نام برده شده که به درجات بالای این مذهب رسیده اند، از جمله این بانوان دایه تبریز اورامی، جلاله خانم لرستانی، ریحان خانم لرستانی، فاطمه لره گوران، لزا خانم جاف-خاتون می زرد، دایه خزان سرکتی، خاتون دایراک رزبار، سمن خانم دودانی، (بنگرید به صفی زاده، صدیق، ۱۳۶۰، مشاهیر اهل حق، تهران، کتابخانه طهوری، صص ۳۲-۳۷، ۴۷، ۶۵، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۱).

چیده شده است بر روی درخت بلوط نزدیک زیارتگاه و چوب های که در بالای مقبره و سنگچین اطراف توسط زوار نصب شده دخیل های فراوانی از پارچه رنگی بسته شده است. این زیارتگاه از این نظر جالب توجه است که متعلق به یک زن و بنام یک زن می باشد. به علت آبیگری سد سیمره امروزه امکان غرق شدن این زیارتگاه وجود دارد (لوح ۱۴).

۸-۴- سید محمد کوه‌نشین (سی مامه‌ی) در منطقه کله‌باد کبیر کوه در نزدیک روستای کوه‌نشین ماژین دره شهر واقع شده و حدود ۷۰ کیلومتر با این شهر فاصله دارد.

### در منطقه ایوان

۹- امام زاده «حاجی نازر» (اطراف زرنه)، حاجی حاضر- نزدیک شهر زرنه شهرستان ایوان قبل از تخریب بنای اصلی این بقعه دارای پلانی مربعی ساده که گنبدی بلند بر آن استوار شده بود. این بنا ساده بود مانند دیگر بناهای مقدس پشتکوه که در این مقاله به برخی از آنها اشاره شده با اندود گچ نیم کوب بطور کامل اندود شده بود [لوح ۱۵].

۱۰- امام زاده ای در گیلانغرب، (لوح ۱۶) ۴۲؛

۱۰-۱- امام زاده سید عبدالله خوران (قبلاً زیارتگاهی روباز بوده است) (لوح ۱۷)؛

۱۰-۲- زیارتگاه های روباز بابا یادگار ۴۳، امام کلینه و امام بوچکه (لوح ۲۰-۱۸)؛

42 Haerinc, Ernie, Bruno Overlaet (2008),. Pp.287-310.

۴۳- زین الواصلین و فخرالعاشقین سید احمد ملقب بابایادگار که از اکابر و عظمای اهل حق است که در سال ۷۶۱ هجری به روایتی در دیه شیخان و به روایتی دیگر در ریژآب کرمانشاه متولد شد و بعد از سال ها ارشاد به دیار خود برگشته و در دیه شیخان به شهادت می رسد. و از هفتن به شمار می رود و از او کتابی بنام زلال زلال باقی است (صفی زاده، ۱۳۶۰، همان، صص ۶۸-۷۰).

### در مناطق سیروان (سیروان)، چرداول، هلیلان

۱۱- امام زاده سیدعلی (روستای ورگچ)، (لوح ۲۱-۲۳)؛

۱۲- امام زاده عباس (روستای چم روته)، (لوح ۲۴)؛

۱۳- امام زاده عباس (روستای شامنصوری)؛ (لوح ۲۵)؛

۱۴- امام زاده حاجی حاضر در روستای سراب کلان؛ (لوح ۲۶-۲۷)؛

۱۵- امام زاده محمدباقر پنجم (سرقلهه باقر سفید خانی)، (لوح ۲۸)؛

۱۶- امام زاده شاه قلندر (روستای شاه قلندر علیا)، (لوح ۲۹)؛<sup>۴۴</sup>

۱-۱۶- پیر وسین (پیرحسین روستای زنجیره) (لوح ۳۰)؛

۲-۱۶- باباقاسم سربله (لوح ۳۴)؛

۳-۱۶- بابا جعفر شباب (شواو) (لوح ۳۱)؛

۴-۱۶- امام زاده عباس چم شیر سیروان (لوح ۳۵)؛

۵-۱۶- زیارتگاه روباز بابا حیدر سنگ سفید (لوح ۳۲)؛

۶-۱۶- پیرحمزه آسمان آباد (لوح ۳۳)؛

۷-۱۶- زیارتگاه روباز امام روتله روستای گدومه؛

۸-۱۶- زیارتگاه روباز صورت خانم سیروان؛

۹-۱۶- زیارتگاه روباز بابازید گوراب؛

۱۰-۱۶- زیارتگاه عین علی زردلان (لوح ۳۶)؛

۱۱-۱۶- روادگاه پیران کل (لوح ۳۷).

این مکان ها عمدتاً با فاصله در کنار روستاهای کوچک قرار گرفته اند. زیارتگاه ها اغلب از فاصله دور دیده می شوند و در چشم انداز زیبایی ساخته شده اند. در گذشته

<sup>44</sup> - Haerinck, Ernie, Bruno Overlaet (2008),. Pp.287-310.

و حال حاضر علاوه بر وجود درخت مقدس «داغداغان» (تایو) یا درخت بلوط در کنار این زیارتگاهها، بر روی آنها نیز بیرق های با پارچه سبز قرار می دادند به همین دلیل از دور به راحتی قابل دیدن بوده اند (لوح ۲۹-۳۱)؛ زیرا بیشترشان در دامنه یک تپه و یا بالای آن قرار دارند. گاهی وقت ها دارای متولی هستند اما اغلب بدون متولی هستند. کسب اطلاعات در مورد این اماکن آسان نیست و اطلاعات بدست آمده همیشه قابل اعتماد نبودند. گاهی حتی این اطلاعات ضد و نقیض بودند. باورهای محلی معمولاً باعث می شود اطلاعات و حقیقت را تحریف کنند. کرامات و شفا دهندگی و دیگر داستان های عجیب معمولاً در مورد افراد مقدس مدفون در این مکان ها گفته می شود. معماری و ساختمان این زیارتگاههای کوچک و متوسط عبارت بود از: دو اتاق و یک اتاق مستطیلی یا مربع که مقبره در آن قرار دارد، هستند. گنبد یا کنگره ای بالای اتاقک قبر ساخته شده است که از مصالح در دسترس محلی ساخته شده و لایه ای اندود روی آن قرار دارد. معماری آنها با دیوارهای نامنظم و سقف های گنبدی بدون دقت لازم هستند و اکثر آنها تزئین نشده اند. امام زاده عباس در روستای شامنصوری در شهرستان سیروان دارای مثلث های ساده ی رنگ شده در دیوار بیرونی اتاق مدفن و نیز نوارهای افقی رنگی در گنبد است (لوح ۲۵) و بندرت شکل دست های رنگی (یا خون حیوانات قربانی شده؟) روی دیوارها دیده می شود (لوح ۲۴). گاهی طرح های هندسی ساده در اطراف چهار چوب درها دیده می شود. پرچم های پارچه ای کوچک و یا علم اغلب وجود دارد (لوح ۲۴، ۲۶-۲۷، ۲۹). گاهی هم تکه هائی از پارچه از این علم ها و پرچم های سبز رنگ بریده می شود و بعنوان تبرک روی لباس دوخته می شود.<sup>۴۵</sup> در بعضی از امام زاده ها متولی

31-Demant Mortensen, 135-136.

با ارائه تکه کوچکی پارچه سبز به زائران کمک دریافت می کند. معمولاً افراد محلی مردگان خود را در اطراف زیارتگاه دفن می کنند چون به باور آنها زمین و خاک اطراف مقبره آنها مقدس است. روی بعضی از این گورها سنگ های ایستاده و دارای اشکال نمادین به سبک لری وجود دارد. این سنگ قبرها صحنه های مختص مردان یا زنان را نشان می دهد و اساساً تاریخ آنها به اواخر قرن هجدهم و نوزدهم و سه دهه اول قرن بیستم بر می گردد.<sup>۴۶</sup> سنت ساختن این سنگ قبرهای تزئین شده زمانی که هیات بلژیکی در آنجا مشغول کار بودند دیگر متروک شده بود. اگرچه، در ۱۹۶۹ هنوز در سرتنگ بدره یک استاد کار سنگ قبرهای حکاکی شده تولید می کرد. بعلاوه ستون های مخروطی که در بالای قبور برپا شده بود (بنگرید به لوح ۲۱-۲۲). تاریخ سنگ قبرها می توانند برای ارائه تاریخ ساخت این زیارتگاه ها مورد استفاده قرار گیرد.

### منطقه زرین آباد

در طول رودخانه میمه در زرین آباد بین روستاهای میمه و دهلران حداقل دو امام زاده دیده می شوند. اولی امام زاده «سید فخرالدین» نام دارد (لوح ۳). گنبد کوچک آن بالای یک مخزن هشت ضلعی قرار دارد و دومی سید ابراهیم است که دارای بنای نسبتاً کوچکتری با تاجی از ماریچ چندضلعی بالای یک مخزن هشت ضلعی است (لوح ۴-۵). حدود ده کیلومتری غرب رود میمه و نزدیک روستای علی آباد امام زاده ی دیگری گزارش شده که امام زاده «سید ناصرالدین محمد»<sup>۴۷</sup> دارد که هیأت

32-Demant Mortensen, 137-144, fig. 6.65-6.72.

33-for locations see E. Haerincx & B. Overlaet, The Chalcolithic period.

Parchinah and Hakalan [Luristan Excavation Documents I] (Brussels, 1996), map on pl. 2.

هنگام بررسی به کتیبه که نشانی از هویت آن باشد برنخورده اند و در مورد آن هیچ اطلاعی بدست نیاورده اند.

### منطقه آبدانان

در آبدانان زیارتگاه کوچکی وجود دارد که به «پیر مامهی» منسوب است (لوح ۷-۸). این را نباید با امام زاده ی بزرگتری به همین نام که بین مهران و ارکواز وجود دارد اشتباه کرد. این امام زاده نزدیک سایت باستانی تخت خان (در ۵ کیلومتری آبدانان قرار دارد) که هیأت بلژیکی در آن دو گور متعلق به هزاره سوم قبل از میلاد را حفاری کردند.<sup>۴۸</sup> این واقعیت که چندین آرامگاه در لرستان گاهی به یک پیر نسبت داده می شوند چیز غیر معمولی نیست.<sup>۴۹</sup> امام زاده پیر محمد بنای مستطیل شکلی است با یک ماریچ که در بالای پشت مسطح قرار دارد. بیرون از بنا ایوان و طاق هائی هستند و به این ترتیب به امام زاده ی مجاور یعنی صلاح الدین خیلی شبیه است (لوح ۹-۱۰). اما این یکی دارای ماریچ اندود شده ی سفید ویژه است که معمولاً «به شکل کاج» توصیف شده است. این ماریچ از چند ضلعی های افقی با اندازه ی کاهش یابنده که بر روی هم قرار دارند درست شده است. این نوع ماریچ ویژگی اماکن مقدس و امام زاده های عراق و جنوب غرب ایران است. نمونه های معروف در ایران مقبره ی دانیال در شوش و میرمحمد در جزیره خارک است.<sup>۵۰</sup>

34-L. Vanden Berghe, "Le Luristan à l'âge du Bronze", *Archéologia*, 63 (1973): fig. p. 26: Bronze Age tombs with the imamzadeh in the background

35-Demant Mortensen, 129-130.

36-J.M. Unvala, "The origin of the pine-cone decoration of the Imamzadahs of Khuzistan", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 5 (1929):

A. Godard, "Les dômes alvéolés", *Athar-i Iran*, 5 (1949): 359--587-590, pl. VI; 360, fig. 295; F. Gaffary, "Regards sur l'histoire de Kharg à partir du Xe siècle de notre ère", in *L'île de Kharg. Une*

### منطقه بدره

در بخش بدره امام زاده جابر انصاری (سی جاور)<sup>۵۱</sup> در دشت لارت مهمترین بنائی است که یافت می شود (لوح ۱۱-۱۲). این بنا در دو کیلومتری دریاچه زمزم و حدود ۱۲ کیلومتری شمال بدره قرار دارد. دریاچه زمزم نزدیک چم گراب و ۲ کیلومتری روستای مسیاوان قرار دارد. این زیارتگاه را راولینسون<sup>۵۲</sup> در قرن نوزدهم دیده و فریا استارک درباره آن نوشته: تمام عرض رودخانه شن و ماسه بود اما در بهار آب فوران می کند و چند هفته هرچه در مسیرش باشد حمل می کند. در وسط زمین های آبرفتی آن یک سوراخ گرد قیف مانند وجود دارد که آبی بنام زمزم در ته خود دارد که حدود ۳۰۰ فوت عرض دارد و آب آلوده اما مقدسی است.<sup>۵۳</sup> به خانم استارک افسانه ای گفته شد که طبق آن استخر زمزم وقتی که شداد فرزند نوشیروان یک مشک آب روی زمینی که از پیر جابر گرفته بود ریخت، بوجود آمد. وقتی هیأت بلژیکی این منطقه را دیدند به آنها گفتند که شمشیر محمد این استخر را درست کرده. در واقع این استخر گرد که دارای ۵۰ متر قطر است احتمالاً اثر چاله یک آسترئید است که با آب پر شده است.<sup>۵۴</sup> جابر انصار در دامنه یک تپه قرار دارد و گفته شده که یکی از اصحاب پیامبر است امام زاده همانطور که راولینسون گفته<sup>۵۵</sup>: تلاشی برای اینکه

---

Page de l'histoire du Golfe Persique ET du monachisme oriental, ed. M-J. Stève (Neuchâtel, 2003): 186, pl. 70

<sup>۵۱</sup>-در مورد این امام زاده در کتاب آثار باستانی و تاریخی لرستان اطلاعات کاملی ارائه شده است

38-Rawlinson, 57.

39-Stark 1934, 90-91.

40-B. Overlaet, The Early Iron Age in the Pusht-i Kuh, Luristan [Luristan Excavation Documents IV, Acta Iranica 40, troisième série, vol. XXVI] (Leuven, 2003), pl. IV-V.

41-Rawlinson, 57.

چگونه این شخص مقدس مسیر خود را به مرکز لرستان یافته صورت نگرفته است". این بنا یک سالن مستطیلی است و بعد از آن اتاقک مدفن است که دارای پشت بام صاف و یک گنبد مضرس یا اورچین شکل است. دو امام زاده دیگر را می توان در بخش بدره ذکر کرد: امام زاده عباس (گنبد عباس یا پیر گول گه) و تاج الدین حاجی نام<sup>۵۶</sup>. هر دوی آنها در مسیر گنجه به کلم بالا قرار دارند و هیات بامی از این دو امزاده عکسبرداری نکرده اند. در این منطقه علی رغم اینکه تعدادی از زیارتگاه های روباز در گذشته تخریب شده و به جای آنها بناهای ساده ای با همان نقشه ایجاد شده است. ولی امروزه در برخی از روستاها هنوز برخی از این زیارتگاه ها را می توان یافت.

زیارتگاه «خضر زنده» (خدر زنده) که محل عبور خضر نبی بوده از جمله این هاست که در ارتفاعات جنوبی روستای آب چشمه واقع است که دارای نقشه ای مربع شکل با دیواره سنگ چین که کپه ای سنگی در میان آن قرار دارد و ورودی آن در شمال قرار دارد. در دهه گذشته در فاصله ۱۰۰ متری این سازه سنگ چین بنایی با ساده ای با گنبد قیفی برای این زیارتگاه ساخته شده است. در کنار سازه سنگ چین تعدادی درخت وجود دارد که زوار بر آنها دخیل می بندند و از شکستن شاخ و برگ این

<sup>۵۶</sup> - بنا کمی پایین تر از روستای کلم و بر بالای تپه ای که مشرف به باغ های روستاست قرار دارد و امروزه در بنای آن مصالحی چون، آجر، سیمان، گچ، سنگ و آهن بنا بکار رفته. درب ورودیش به طرف شمال باز می شه و بر سردرب آن نام مبارک امام زادگان، و همچنین بر روی دیوار بنا سوره -های عبس، توحید، کوثر، انسان به طرز زیبایی کاشی - کاری شده، همچنین بر بالای ساختمان گنبدی کاشی کاری شده ساخته شده، البته در طول سال های گذشته مقداری از کاشی های گنبد افتاده و نمای گنبد را بهم ریخته، محیط داخلی بنا به سبک بناهای قدیمی ساخته شده، در آن چهار ستون گنبدی به هم متصل و زیر گنبد و بر بالای مرقد قرار دارن. نمای داخلی امام زاده گچ کاری شده است. این امام زاده در گذشته نیز از زیارتگاه های روباز بوده که در نتیجه تحولات اجتماعی و یکجانشین شدن عشایر بناهای بالاشه سنگ و گچ بر روی سازه سنگچین قبلی آن ساخته می شود.

درختان دوری و جلوگیری می کنند. اهالی این محل این درختان را متعلق به خدر نبی می دانند. پیر گولگه (یا گنبد عباس) این زیارتگاه از نوع روباز و سنگچین بوده است. اهالی محل این زیارتگاه را قدمگاه حضرت ابوالفضل عباس (ع) می دانند این زیارتگاه در جنوب روستای بان هلان و در سه کیلومتری شمال شهر بدره واقع است. بنا به گفته اهالی محل این زیارتگاه در ابتدا از روباز بوده تا اینکه در سال ۱۳۲۵ شمسی شخصی بنام شکرالی بنایی از سنگ و گچ با همان نقشه و گنبد قیفی بر روی آن می سازد و این زیارتگاه به عباس شکرالی معروف است. زیرا بنای آن توسط شخصی به نام شکرالی (شکر علی) ساخته شده بود. بنایی که شکرالی ساخته بود در چند سال اخیر توسط اداره اوقاف تخریب و نوسازی شده است. نام «پیر گولگه» که بر این زیارتگاه اطلاق می شود بر گرفته نام شخصی به همین عنوان بوده که نگهبان چاله ذخیره گندم در جوار زیارتگاه بوده است. از دیگر زیارتگاه های سنگچین روباز که هنوز باقی هستند می توان شاه رنگی در ابتدای تنگه دروهن و زیارتگاه بابازید در ابتدای روستای زید هیندی مینی که مردم روستا مردگان خود را در اطراف آن دفن می کنند و همچنین زیارتگاهی سنگچین روباز دیگر بنام بابازید در روستای پشته زرانگوش نام برد.

### منطقه ایوان

در اطراف زرنه امام زاده «حاجی حاضر»<sup>۵۷</sup> قرار دارد که ما اسنادی درباره‌ی آن نداریم (لوح ۱۵). کمی به طرف غرب و بیرون از لرستان، امام زاده ای در گیلانغرب

<sup>۵۷</sup> - بنا به گفته معمرین منطقه در حدود ۱۵۰ سال پیش شخصی بنام نورمحمد (نورمامه‌ی) که از اهالی سرپل ذهاب بود، خواب این امام زاده را می بیند. به این محل می آید و سازه سنگچین روبازی با سایبان در محل فعلی

(لوح ۱۶) بررسی و ثبت گردید. این مورد مثال خوبی است از اینکه چگونه یک ویرانه آتشکده زرتشتی پیش از اسلام تبدیل به یک زیارتگاه یا مقبره شده است. بقایای ۴ ستون از یک چهار طاقی، قسمت گنبدی یک آتشکده به ارتفاع ۳ متر هنوز پا برجاستند.<sup>۵۸</sup> امام زاده ای با آجر بین این بقایای این ستون ها ساخته شده و دارای یک گنبد کم ارتفاع و ساده است. واندنبرگ این بنا را بعنوان یک امام زاده توصیف نموده امام زاده ها از آنجا که جای نماز جداگانه ندارد و اطلاعی از نام این متوفا در دست نیست، ممکن است فقط یک گور شخصی باشد. در حال حاضر هیچ نشانه ای از فعالیت های دینی در این مکان وجود ندارد که امکان دهد این بنای کوچک را به عنوان یک امام زاده طبقه بندی کنیم.<sup>۵۹</sup> از دیگر مکان های مقدس امام زاده سیدعبدالله است که در فاصله ۷ کیلومتری جنوب شرقی شهر ایوان و در دامنه کوه های شیره زول بقعه امام زاده سیدعبدالله قرار دارد. فاصله امام زاده تا جاده اصلی ایلام کرمانشاه ۲ کیلومتر است، در گذشته در این مکان بنایی احداث نشده بود، بلکه مقبره در زیر درختی تنومند قرار گرفته بود و اطراف آن را سنگ چین کرده بودند از جمله زیارتگاه های روباز بوده است. در سال ۱۳۳۰ ساکنان روستاهای اطراف بر اساس همان پلان زیارتگاه روباز اتاق کوچکی از لاشه سنگ و گچ بر روی قبر ساختند و اما در سال ۱۳۷۰ بنای قدیمی تخریب و ساختمان جدیدی به جای آن ساخته شد. این بنا، به صورت شش ضلعی و دارای گنبد دو پوش پیازی شکل است، گنبد بر روی شش پایه

---

بنا می سازد. تا سالیان بعد به همین صورت باقی می ماند تا اینکه توسط حسین قلی خان ابوالقادره بنایی بر روی آن ساخته می شود.

44-L. Vanden Berghe, "Les Chahar Taqs du Pusht-i Kuh, Luristan", *Iranica Antiqua*, 12 (1977): 190, fig. 8, pl. Ib.

59- Haerinck, Ernie, Bruno Overlaet (2008), Pp.287-310.

و در وسط بقعه قرار گرفته و در زیر گنبد قبری وجود دارد که ضریح فلزی جدیدی بر روی آن نصب شده است. دو مناره در طرفین - شرق و غرب - این بنای شش ضلعی قرار گرفته است، در ورودی اصلی در ضلع شمالی بنا قرار دارد (لوح ۱۷).

زیارتگاه های روباز بابا یادگار، ایمام کلینه (امام بزرگ) و ایمام بوچکه (امام کوچک) در شمال و شمال غربی روستای باباگیر ایوان و در دامنه های جنگلی کوه گامی پر (گاو مهر) هنوز به صورت اولیه باقی هستند که بصورت سنگچینی مربعی هستند و ورودی به داخل این سنگچین در شمال سازه سنگچین قرار داشته و قبر در میان این سنگچین مربعی قرار دارد و میان آنها درخت کهنسال بلوطی قرار دارد (لوح ۱۸-۲۰).

### منطقه بولی

زیارتگاه «پیر خمس پولهاد»: این زیارتگاه در گذشته مانند سایر زیارتگاهها مورد احترام عشایر بوده است در روستای باستانی چمن بولی واقع است و دراصل از نوع زیارتگاهها و روادگاه های روباز بوده که بعدها در اواخر قاجار و در زمان آخرین والی مردمان محلی بر روی آن بنایی ساده ای از لاشه سنگ و گچ مشابه بنای حاجی و تیار پیش از تخریب بنا می کنند. این بنا در سال های بعد از انقلاب اسلامی مجدد تخریب و به شکل دیگر تجدید ساخت شده است (لوح ۳۸). زیارتگاه «حاجی و تیار» (حاجی بختیار): از جمله دیگر زیارتگاه های روباز می توان به زیارتگاه روباز حاجی و تیار (به معنای سخن گو که متأسفانه امروزه به بختیار تغییر نام داده شده است) که بر روی ارتفاعی جنگلی در نزدیک گورستان چم ژی مومه در شهرستان چوار و در بخش بولی واقع شده، بعد ها همزمان با یکجانشین شدن عشایر منطقه روی این زیارتگاه روباز بنایی ساده با لاشه سنگ و ملات گچ ساخته می شود و که در سالیان اخیر بر روی آن ساختمانی جدید با آجر و آهن و کاشی ساخته شده است (لوح ۳۹).

## منطقه ملکشاهی

از زیارتگاه‌های معروف منطقه ملکشاهی، زیارتگاه «پیر مامه‌ی» که در ارکواز ملکشاهی واقع است و از احترام زیادی در بین ایل و طوایف ملکشاهی برخوردار است. از دیگر زیارتگاه‌ها می‌توان از «پیر کتک» نام برد که این زیارتگاه در ۲۵ کیلومتری شهر ملکشاهی قرار دارد. به گفته اهالی منطقه در گذشته مقبره امام زاده «پیر کتک» به صورت تخته سنگی مستطیلی شکل و دیواره‌ای سنگ‌چین بود که ساختمان جدید آن در سال ۱۳۷۵ توسط سازمان اوقاف با حمایت و کمک‌های مالی مردمی به مساحت ۵۰ متر مربع با سقف گنبدی ساخته شد. اما امروزه این بنا تغییر یافته و هویتی جدید پیدا کرده است و نام آن به «ابوالچماقین» (صاحب گرز) تغییر یافته و صاحب شجره نامه شده است (بنگرید محمودیان ۱۳۹۵: ۱۶۵).

## مناطق شیروان و چرداول<sup>۶۰</sup>

چندین مکان مذهبی در شیروان و چرداول در قسمت شمال غربی پشتکوه (ایلام) توسط هیات بامی بررسی و شناسایی گردیده‌اند.<sup>۶۱</sup> این ناحیه کمتر کوهستانی، حاصلخیز تر و بیشتر قابل دسترسی در مقایسه با مناطق دیگر پشتکوه است. به خاطر شرایط این بررسی در رودبار انجام نگرفت که در شرق شیروان چرداول واقع شده است. فقط

<sup>۶۰</sup> - در سالین اخیر بر اساس تصمیمات سیاسی منطقه شیروان و هلیلان به عنوان دو شهرستان جدید بنام «شیروان» و «هلیلان» از بخش چرداول جدا گردیدند. ولی این دو ناحیه دارای اشتراکات فراوانی از نظر جغرافیایی، تاریخی و قومی با بخش چرداول هستند. در مطالعات این چنینی نمی‌توان آنها را از هم تفکیک کرد. به هر دو نام شیروان (عربی شده شیروان) پیشتر در برخی از منابع اسلامی «شیروان» ذکر شده، و در برخی دیگر چون الادریسی از این ناحیه به نام «شیروان» یاد کرده‌اند (بنگرید به الدریسی ۱۳۹۹؛ الادریسی ۱۴۲۲/۲۰۰۲). بنابر این در اینجا نگارنده از همین سنت قدیمی یعنی شیروان چرداول پیروی کرده است.

47-L. Vanden Berghe, "Prospections archéologiques dans le district de Shirvan-Chardaval (Pusht-i Kuh, Luristan)", *Iranica Antiqua*, 27 (1992): 20-35, pl. 9-18.

بخش کوچکی از رودبار بررسی شده است. بعلاوه دشت سیمره قبل از اتصال به کرخه یکی از معدود مناطقی است که هیات بلژیکی آن را بررسی نکرده است. امام زاده های زیر در شیروان و چرداول شناسائی شده اند. سید علی در روستای ورگچ (لوح ۲۱-۲۳)، عباس در چم روته (لوح ۲۴)، امام زاده عباس در روستای شاه منصور (لوح ۲۵)، شاه قلندر در روستای شاه قلندر علیا (لوح ۲۹)، حاجی حاضر در سراب کلان (لوح ۲۶-۲۷) و امام زاده محمد باقر در روستای سرقلعه باقر سفید خانی (لوح ۲۸). از این نوع معماری با گنبد کوچک نوک تیز (قیفی شکل) بناهای دیگری نیز در شهرستان های شیروان و چرداول وجود دارند که امروزه به همان شکل اولیه باقی هستند. از جمله این بناها بنای امام زاده عباس چم شیر شیروان (لوح ۳۵)، پیر وسین (= «پیر ایستا» که امروزه به پیر حسین معروف است) (لوح ۳۰) در داخل اشکفتی در شمال غرب روستای زنجیره علیا و در کنار ایل راه لول تر قرار دارد و از دیگر نمونه ها می توان به بنای بابا قاسم (لوح ۳۴) در شرق شهر سرابله که بنای آن در سالیان اخیر توسط اداره اوقاف تخریب و نوسازی شد. بنای بابا جافر (لوح ۳۱) در میان گورستان قدیمی شهرک شباب که در سالیان اخیر تخریب و در حال نوسازی آن هستند و زیارتگاه روباز عینالی (عین علی) و روادگاه پیران کل (لوح ۳۶-۳۷) می توان نام برد، می باشند. بنای بابا جافر یا سی جافر علی رغم اینکه دارای گنبد قیفی شکل می باشد. از این نظر مشابه بناهای نامبرده است. اما این بنا بجای یک گنبد قیفی شکل در بالای بنا دارای دو گنبد قیفی شکل بود که آنرا از سایر زیارتگاه های که اشاره شد متمایز می کند، این شیوه گنبد دوگانه در بنای سلطان سحاک (اسحاق) در روستای نیسانه در شهرستان پاوه کرمانشاه مشابه است. شاید این شیوه دو گنبدی دلیلی بر جایگاه والای معنوی فرد مدفون شده و اهمیت این زیارتگاه در نزد مردمان این منطقه در گذشته

بوده است (لوح ۳۱). همچنین در منطقه آسمان آباد چرداول بنای آرامگاهی پیر نم ز (آدمزاد Amza) که امروزه امامزاده حمزه نامیده می شود، وجود دارد که تا قبل تخریب و نوسازی توسط اداره اوقاف از نظر معماری جالب توجه بوده و با همه بناهای که در این مقاله به آنها اشاره شده تفاوت داشت. بدین صورت که این بنا بصورت مربع بوده و دیواره های آن از بیرون با لاشه سنگ با اندود گچ سفید و دیواره های داخلی آن با سنگ های آهکی پاکتراش ساخته شده بود که در آن تاقچه های جهت روشن کردن شمع و تعدادی سنگ گرد صیقلی برای نیت قرار دادن شده بود. از هرم چهار وجهی برای پوشش با نوک تیز استفاده کرده بودند. در این نوع دیگر برای پوشش چهار گوش احتیاج به ایجاد گوشواره در چهار گوش بنا نیست (لوح ۳۳).

همه این بناها گنبدی هستند بجز یکی که در شاه قلندر است. این آخرین زیارتگاه روباز مستطیلی است که با تخته سنگ در مرکز، برای یک رئیس ایل ساخته شده است.<sup>۶۲</sup> از این نوع زیارتگاه ها هنوز در برخی از مناطق استان ایلام از جمله زیارتگاه های روباز «بابا یادگار» روستای باباگیر منطقه ایوان و بابا حیدر (لوح ۳۲) در غرب روستای سنگ سفید و در ابتدای تنگ قیر؛ «ایمام رو تله» (امام ندار و برهنه) در محل روستای گدومه که امروزه از بین رفته است، زیارتگاه بابازید در نزدیک امام زاده ساعلی، «زیارتگاه صورت بانو» در روستای گوراب در ۷ کیلومتری شهر لومار باقی مانده اند که مورد احترام مردم بوده و هستند. امام زاده عباس در اطراف شامنصوری به احتمال زیاد همان است که راولینسون ذکر کرده است: ..... این به نظر من نقطه ای

<sup>۶۲</sup> - این زیارتگاهها برای افرادی که دارای جایگاه معنوی مهمی نزد مردمان کوچنشین منطقه بوده ساخته می شد. در حالیکه برای روسای طوایف میل های سنگی در چمرگاهها برپا می شد که امروزه نمونه های فراوانی از این میل های سنگی در مناطق گرمسیر و سردسیر ایلام وجود دارد.

نزدیک شیروان است که امروزه کردهای شیروان آن را قبر عباس علی<sup>۶۳</sup> می نامند یعنی برادر امامان حسن [ع] و حسین [ع] که در واقع در کربلا واقع شده است؛ این مکان بسیار مقدس است و زایران از هر نقطه ی ایلام و لرستان به آنجا می آیند؛ عباس علی از نظرگاه یارسان ها (پیروان اهل حق) با برادرانش جانشین بلافصل و بتقدیر الهی، بعد از قتل پدرش است.<sup>۶۴</sup> این مقبره در شیروان است هرچند که همانند درک کلی آنها از مقابر دیگر در پشتکوه انواع متفاوتی از گنبدها را نشان می دهد. در اینجا ماریچی نوک تیز، ماریچی های کاجی شکل (گنبد اورچین یا مضرس) و قوس های گنبدی در بالای محل دفن وجود ندارد. در عوض گنبدهای کوتاه یا بلند گرد (لوح ۲: ۱۵ و ۱۱)، گنبدهای دارای دارای ارتفاع کم (لوح ۲: ۱۲) گاهی نامنظم بر روی هشتی ها قرار دارند (قیفی شکل (لوح ۲: ۱۳-۱۴). تا دوره قاجار عمده ساکنان این ناحیه یعنی پشتکوه پیرو مذهب یارسان بوده اند که در برخی از گزارش ها و همچنین سفرنامه ها و یادداشت های اروپائانی که به نواحی سفر کرده اند انعکاس یافته است. همچنین در بخش ضmann کتاب گزیده‌ی اسناد سیاسی ایران و عثمانی، در مورد مذهب مردم پشتکوه و هلیلان آورده است که مذهب آنها اسلام شیعه ی علی الهی (یارسان- اهل حق) است.<sup>۶۵</sup> به همین دلیل در اواسط دوره قاجار عده ای علما از نجف و عتبات عالیات به میان ایل ها و مردمان این

<sup>۶۳</sup> - در نزد مردمان منطقه به عباس شیروان و سید عباس معروف است. تعلق این مقبره به عباس (ع) در هیچ جایی نیامده است.

50-Rawlinson, 56.

<sup>۶۵</sup> - گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه، جلد (۲)، (۱۳۶۹)؛ انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، صص ۷۴۴-۷۴۵.

ناحیه برای تبلیغ تشیع فرستاده می شوند. گسترش ساخت بسیاری از روادگاهها در واقع به این دوره بر می گردد، که حکومت وقت سعی داشت تا با ساختن و ترویج این امامزادگان مردمان و ایلها را به شریعت تشیع برگردانند.

### جمع بندی

نکته ای که در مورد برخی این زیارتگاهها یکسان است. منشأ پیدایش آنها است که بعد از پرسش در این مورد معمولاً جواب یکسان است که در گذشته امام زاده به خواب شخصی آمده و او را مامور معرفی به مردم کرده است. علی رغم آنچه در بالا اشاره شد، تحول و تغییر بناهای مقدس این منطقه ارتباط تنگاتنگی با تحولات اجتماعی و سیاسی این منطقه را نشان می دهند که در طی یک قرن اخیر سبب دگرگونی های در ساختار و معماری این بناهای مقدس روستایی شد، از جمله تغییر و تحولات مذهبی، دیگری از بین رفتن حکومت مستقل والیان و خلع ید روسای طوایف مختلف این منطقه بود که به دست رضاه شاه اتفاق افتاد. از دیگر عامل برنامه یکجانشین سازی عشایر بود که در زمان حسینقلی خان ابوقداره با ساخت قلعه والی در شهر امروزی ایلام شروع شد، در زمان همین والی بر روی تعدادی از زیارتگاه های روباز از جمله حاجی حاضر (نازر) ایوان، خاص علی و تعدادی دیگر بناها ساخته می شود، در واقع این تلاش ها که توسط والی صورت گرفت برای ترغیب چادرنشینان به اسکان دائمی بود<sup>۶۶</sup>. در ادامه سیاست رضا شاه برای تخته قاپو کردن ایلات منطقه و اجبار آنها به خانه سازی بود در همین زمان نیز تعداد زیادی از این زیارتگاه های روباز تخریب و بر جای آنها دقیقاً با همان نقشه مربع شکل و درب روبه شمال بناهایی از

۶۶ - نوراللهی، علی، ۱۳۹۵، علل و زمینه های تخته قاپو کردن عشایر استان ایلام در دوران معاصر براساس نظریه سیستمها (مطالعه موردی ایل خزل)، فصلنامه فرهوشی، ش ۲، صص ۱۰۷-۱۱۳.

لاشه سنگ و گچ توسط مردم اسکان یافته ساخته می شود. بنابراین از دلایل شباهت و سبک خاص این بناها در همه جای استان ناشی از این عوامل بوده است و می توان این بناها را جز بناهای مردمی در مقابل تعدادی از آنها از جمله مهدی صالح روستای ماژین و آرامگاه مهدی خلیفه عباسی (سی می) و حتی بناهایی که توسط والی ساخته می شوند از جمله حاجی حاضر ایوان، سیدحسن مهران و غیره دانست. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) بسیاری از بناهای که پیشتر بر روی زیارتگاه های روباز که دارای پیشوندهای بابا، پیر، سید و حاجی بودند توسط مردم ساخته شده بودند و همچنین برخی از زیارتگاه های روباز که بمدت چندین سده دست نخورده بودند توسط سازمان اوقاف و هیات های مذهبی تخریب شده و بناهای جدیدی با آجر، کاشی، آهن و دیگر مصالح نوین به سبک رایج در سایر مناطق کشور برجای آنها ساخته شد و طبعاً که بسیاری از این بناها که دارای هویت خاص خود بودند، در این پرتو تحولات سیاسی و مذهبی هویت تازه ای پیدا کرده و بسیاری از آنها صاحب شجره نامه شده اند (لوح ۳۳ و ۶۷).

از این بررسی اجمالی از امام زاده ها در پشتکوه قبل از آنکه تغییرات فراساختاری و جمعیتی در ایلام بعد از وقوع انقلاب اسلامی صورت گیرد، یک تنوع منطقه ای معلوم می گردد که نمایانگر یک وضعیت پایدار است. این یک الگو است که توضیح خود را در شرایط جغرافیائی این منطقه کوهستانی پیدا می کند. رشته کوه ها و رودها محدودیت هائی بوجود می آورند و قویاً امکان ارتباط های اقتصادی و فرهنگی درون منطقه ای را تعیین می کنند. این الگوها از روی اسناد باستان شناسی نیز آشکار می

<sup>۶۷</sup> - برای آشنایی با وضعیت حال حاضر و آگاهی تغییرات صورت گرفته در ماهیت این بناها و مکان های مقدس بنگرید به محمودیان، حبیب الله، ۱۳۹۴، اطلس زیارتگاه های استان ایلام، انتشارات زاگرو، ایلام.

گردد، مثلاً از عصر مفرغ گورستان هائی که بدست هیأت بلژیکی حفاری شده اند.<sup>۶۸</sup> شکل گنبدها یا تاقهای قوسی بالای محل دفن در آبدانان، زرین آباد و بدره به وضوح با گنبدهای شیروان چرداول متفاوت است. گنبدهای اورچین و مضرس، کاجی شکل مانند امام زاده صلاح الدین و جابر انصاری در عراق و جنوب غرب ایران آشنا هستند. ماریچ های چند ضلعی (گنبد مضرس یا اورچین) و هشتی ها و قوس های گنبدی آن طور که در پیر محمد است، سید ابراهیم، و سید فخرالدین وجود دارد در شیروان و چرداول دیده نمی شود که به بخش پیشکوه لرستان نزدیک است. به هر حال شکل و شیوه معماری این بناها تداوم سنت های منطقه ای هستند که پیشتر مدت های مدیدی بر این نواحی حاکم بوده اند و مردمان محلی با آنها آشنایی کاملی داشته اند. بنابر این می توان گفت که سنت ها سخت از بین می روند. «کهنه سربازان هرگز نمی میرند».

#### منابع و مآخذ:

- الادریسی، ابی عبدالله، الشریف؛ (۱۴۲۲هـ/۲۰۰۲)، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق مکتبه الثقافة الدینیة، بورسعيد، القاهرة.
- الادریسی القرطبی، محمد بن محمد بن عبدالله؛ (۱۳۹۹)، انس المهج و حدائق الفرج، به کوشش یوسف بیگ باباپور، با همکاری کتابخانه و موزه مجلس و مجمع ذخائر اسلامی، تهران.

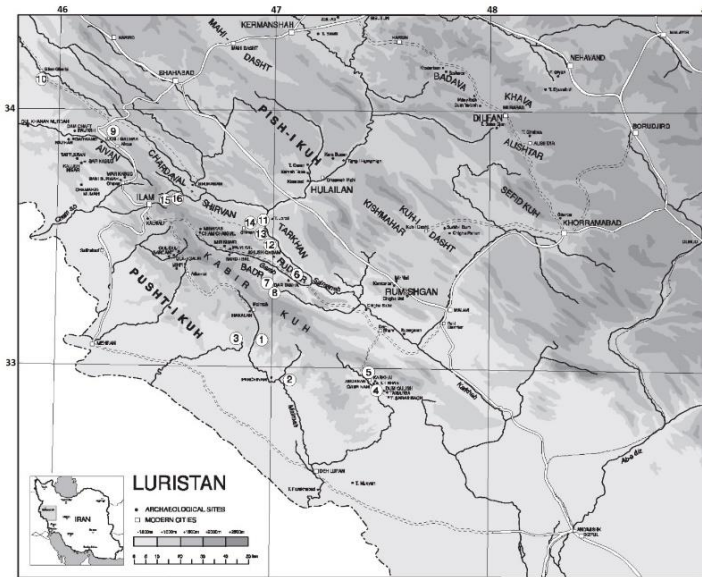
---

54-E. Haerinc & B. Overlaet, "The Chalcolithic and Early Bronze Age in Pusht-i Kuh, Luristan (West-Iran). Chronology and Mesopotamian contacts", *Akkadica*, 123-2 (2002):163-181, 9 fig.; idem, "The Chronology of the Pusht-i Kuh, Luristan — Results of the Belgian Archaeological Expedition in Iran", in *From Handaxe to Khan, essays presented to Peder Mortensen on the occasion of his 70th. Birthday*, eds. Kj. von Folsach, H. Thrane & I. Thuesen (Aarhus, 2004): 119-135, 7 fig

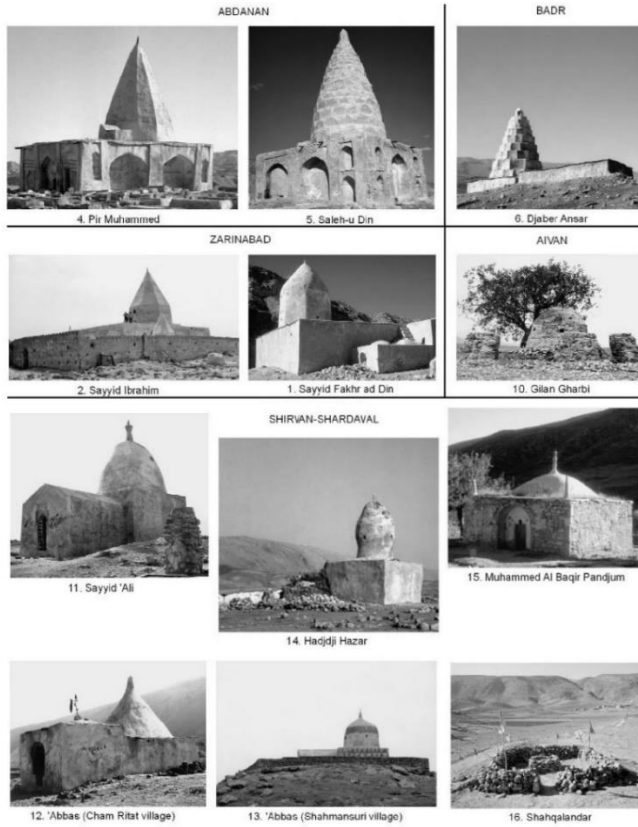
- الهی، نورعلی؛ (۱۳۷۹)، برهان الحق، تهران، انتشارات جیحون.
- افشار سیستانی، ایرج؛ (۱۳۷۴)، ایلام و تمدن دیرینه آن، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایزدپناه، حمید؛ (۱۳۵۰)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، جلد ۱، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ.
- صفی زاده، صدیق؛ (۱۳۶۰)، مشاهیر اهل حق، تهران، کتابخانه طهوری.
- سلطانی، محمدعلی؛ (۱۳۷۷)، قیام و نهضت علویان زاگرس، یا، تاریخ تحلیلی اهل حق، کرمانشاه، انتشارات سها.
- کرزن، جرج.ن؛ (۱۳۵۰)، ایران و قضیه ایران، جلد ۲، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه، جلد ۲؛ (۱۳۶۹)، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران.
- نوراللهی، علی؛ (۱۳۹۵)، علل و زمینه‌های تخته قاپو کردن عشایر استان ایلام در دوران معاصر براساس نظریه سیستم‌ها (مطالعه موردی ایل خزل)، فصلنامه فره‌وشی، ش ۲، صص ۱۰۷-۱۱۳.
- حاج سیاح محلاتی؛ (۱۳۴۶)، سفرنامه حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران.
- یعقوبی، ابن واضح؛ (۱۳۵۶)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کیانی، محمدیوسف؛ (۱۳۷۴)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: سمت.
- محمودیان، حبیب‌الله؛ (۱۳۹۴)، اطلس زیارتگاه‌های استان ایلام: انتشارات زاگرو.

1. Haerinck, Ernie, Bruno Overlaet (2008), Holy places in Pusht-i Kuh, Luristan: rural Islamic shrines in the Central Zagros, W-Iran, in Continuity and change in the realms of islam : studies in honour of professor Urbain Vermeulen. Pp.287-310.
2. -Haerinck, Ernie & B. Overlaet, "The Chalcolithic and Early Bronze Age in Pusht-i Kuh,
3. Luristan (West-Iran). Chronology and Mesopotamian contacts", Akkadica, 123-2 (2002):163-181, 9 fig.
4. Overlaet, Bruno, The Early Iron Age in the Pusht-i Kuh, Luristan [Luristan Excavation Documents IV, Acta Iranica 40, troisième série, vol. XXVI] (Leuven, 2003), pl. IV-V. (2002):163-181, 9 fig.
5. Overlaet, Bruno, "The Chronology of the Pusht-i Kuh, Luristan — Results of the Belgian Archaeological Expedition in Iran", in From Handaxe to Khan, essays presented to Peder Mortensen on the occasion of his 70th. Birthday, eds. Kj. von Folsach, H. Thrane & I. Thuesen (Aarhus, 2004): 119-135, 7 fig.
6. Vanden Berghe, L., "Prospections archéologiques dans le district de Shirvan-
7. Chardaval (Pusht-i Kuh, Luristan)", Iranica Antiqua, 27 (1992): 20-35, pl. 9-18...
8. Vanden Berghe, L., "Les Chahar Taqs du Pusht-i Kuh, Luristan", Iranica Antiqua, 12 (1977): 190, fig. 8, pl. Ib.
9. Unvala, J.M., "The origin of the pine-cone decoration of the Imamzadahs of Khuzistan", Bulletin of the School of Oriental and African Studies, 5 (1929): 587-590, pl. VI;
10. Godard, A. , "Les dômes alvéolés", Athar-i Iran, 5 (1949): 359-360, fig. 295
- 11.; Gaffary, F., "Regards sur l'histoire de Kharg à partir du Xe siècle de notre ère", in L'île de Kharg. Une Page de l'histoire du Golfe Persique ET du monachisme oriental, ed. M-J. Stève (Neuchâtel, 2003): 186, pl. 70.
12. Rawlinson, H.C., 1839 ,Notes on a March from Zoháb, at the Foot of Zagros, along the Mountains to Khúzistán(Susiana), and from Thence Through the Province of Luristan to Kirmánsháh, in the Year 1836, The Journal of the Royal Geographical Society of London, Vol. 9 (1839), pp. 26-116.

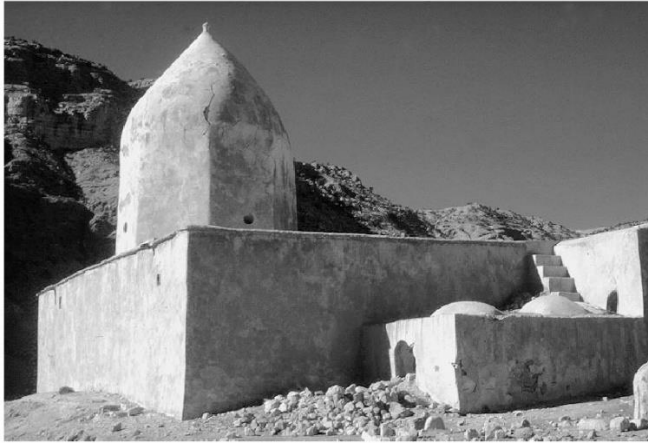
13. Stark, F., *Valleys of the Assassins and other Persian Travels* (London, first edit. 1934 (Reprint 1947)).
14. Demant Mortensen, I., *Nomads of Luristan. History, Material culture and Pastoralism in Western Iran* (London, 1993).
15. Dales, G.F., "Hissar III C Stone objects in Afghan Sistan", in *Mountains and*
16. *Lowlands: Essays in the Archaeology of Greater Mesopotamia*, eds. L.D. Levine & T. C. Young, eds., *Bibliotheca Mesopotamica*, 7 (1977): 17-27, 3 ill. (Gudar-i Shah Ziarat).
17. Potts, D., *Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1975. The Third Millennium* [American School of Prehistoric Research Bulletin 45] (Cambridge, 2001), pp. 142, fig. 4.41 (Soghun Valley)
18. For locations see E. Haerincx & B. Overlaet, *The Chalcolithic period. Parchinah and Hakalan* [Luristan Excavation Documents I] (Brussels, 1996), map on pl. 2.
19. Vanden Berghe, L., "Le Luristan à l'âge du Bronze", *Archéologia*, 63 (1973)
20. Unvala, J.M., "The origin of the pine-cone decoration of the Imamzadahs of Khuzistan", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 5 (1929): 587-590, pl. VI;
21. Godard, A., "Les dômes alvéolés", *Athar-i Iran*, 5 (1949): 359-360.
22. Gaffary, F., "Regards sur l'histoire de Kharg à partir du Xe siècle de notre ère", in *L'île de Kharg. Une Page de l'histoire du Golfe Persique ET du monachisme oriental*, ed. M-J. Stève (Neuchâtel, 2003): 186, pl. 70
23. Overlaet, B., *The Early Iron Age in the Pusht-i Kuh, Luristan* [Luristan Excavation Documents IV, *Acta Iranica* 40, troisième série, vol. XXVI] (Leuven, 2003), pl. IV-V.



لوح ۱: نقشه لرستان با موقعیت امامزادگان روستایی: ۱- سید فخرالدین / ۲- سید ابراهیم / ۳- سید ناصرالدین محمد / ۴- پیر محمد / ۵- صلاح الدین / ۶- جابر انصاری / ۷- عباس / ۸- تاج الدین یا حاجی نام / ۹- حاجی حاضر / ۱۰- گیلان غرب / ۱۱- سید علی / ۱۲- عباس (روستای چم ریته) / ۱۳- عباس (روستای شاه منصور) / ۱۴- حاجی حاضر / ۱۵- محمد الباقر پنجم / ۱۶- شاه قلندر (Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۲- بررسی عکس های امام زاده های روستایی  
(بینید موقعیت ها لوح ۱) (Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۳: امام زاده سید فخرالدین، منطقه زرین آباد (Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۴: امام زاده سید ابراهیم، منطقه زرین آباد (Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۵: امام زاده سید ابراهیم، منطقه زرین آباد (Haerincq, Overlaet 2008).



لوح ۶: زیارتگاه روباز بابا فلک الدین و بنای ایجاد شده در سالهای اخیر (عکس برگرفته افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۷۲، ایلام و تمدن دیرینه آن، ص ۵۲۹)



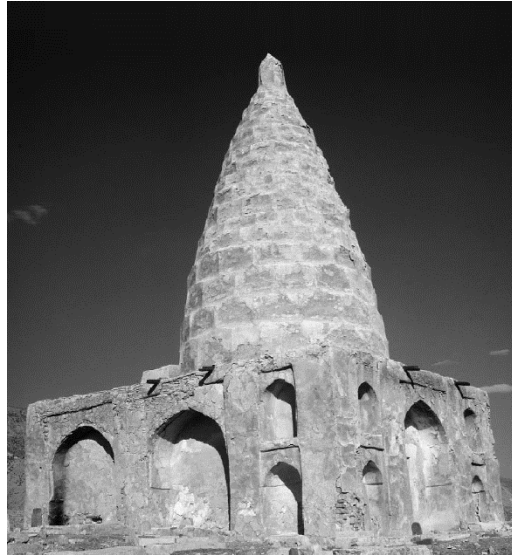
لوح ۷: امام زاده پیر محمد، منطقه آبدانان.



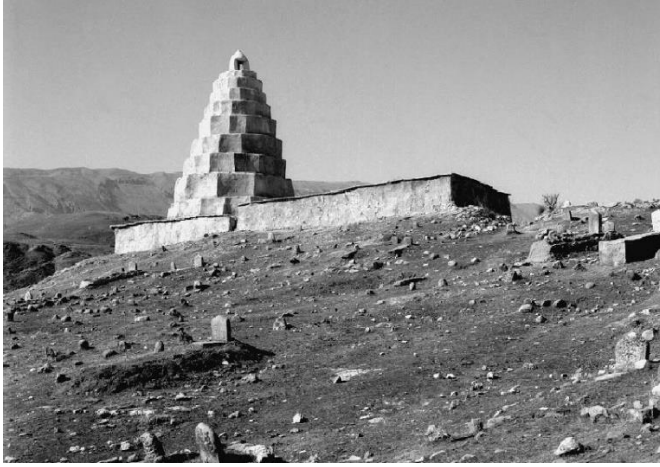
لوح ۸: امام زاده پیر محمد، منطقه آبدانان (Haerinck, Overlaet 2008).



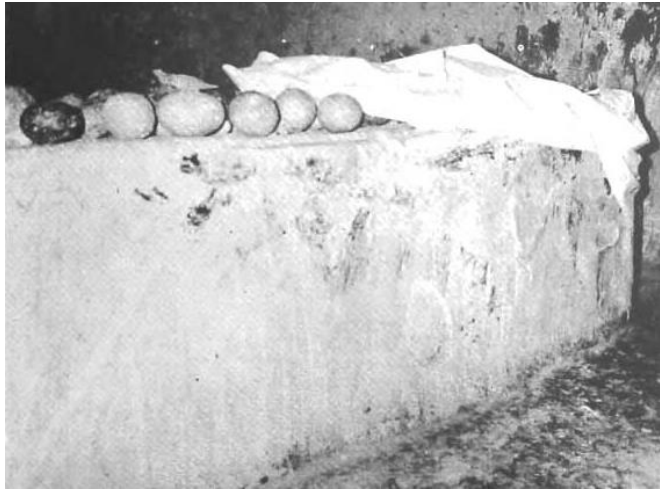
لوح ۹: امام زاده صلاح الدین، منطقه آبدانان (Haerinck, Overlaet 2008).



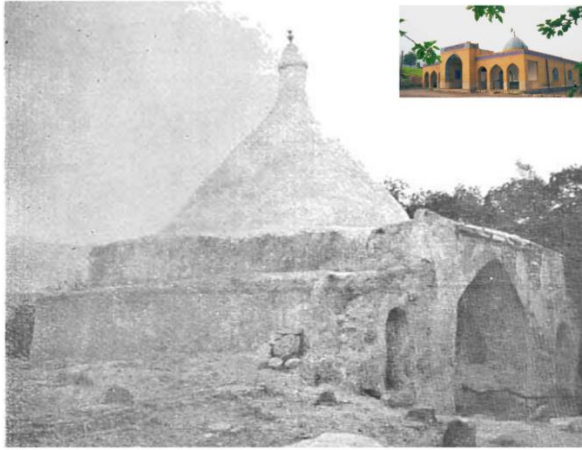
لوح ۱۰: امام زاده صلاح الدین، منطقه آبدانان (Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۱۱: امام زاده جابر انصاری، منطقه بدره (Haerincck, Overlaet 2008).



لوح ۱۲: قبر جابر و سنگ های نیت (ایزدپناه، ج ۱، ۱۳۵۰: ۵۲۷)



لوح ۱۳: مقبره بابا سیف الدین و بنای امروزی آن (ایزدینا، ج ۱، ۱۳۵۰: ۵۳۸)



لوح ۱۴: زیارتگاه رویاز دا زلیخو (مادر ذلیخا) نزدیک روستای سیکان دره شهر

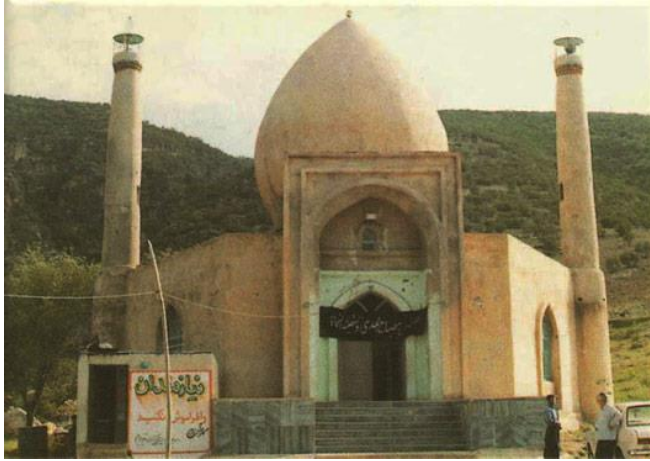
(افشار سیستانی، ۱۳۷۲، همان، ص ۲۳۰)



لوح ۱۵: امام زاده حاجی حاضر ایوان



لوح ۱۶: امام زاده ای در گیلان غرب، منطقه ایوان  
(Haerinck, Overlaet 2008)



لوح ۱۷: بنای امام زاده سید عبدالله ایوان



لوح ۱۸: زیارتگاه روباز بابا یادگار روستای بابا گیر بخش زرنه شهرستان ایوان  
(عکس از علی نوراللهی).



لوح ۱۹: زیارتگاه روباز ایمام کلینه در شمال روستای باباگیر ایوان (عکس از علی نوراللهی)





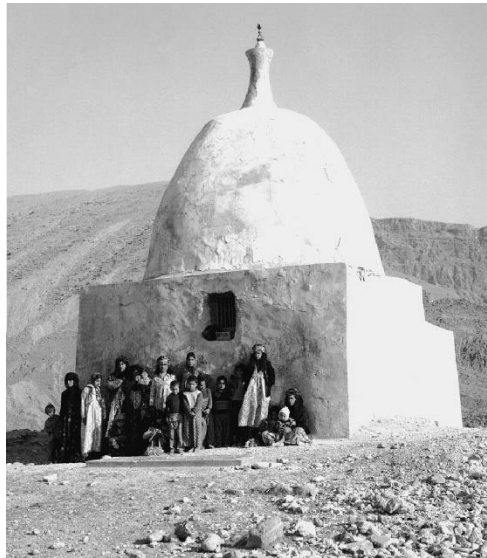
لوح ۲۰: زیارتگاه روباز امام بوچگه حدود ۲۰۰ متری شمال ایمام کلینه  
شمال غرب روستای باباگیر (عکس از علی نوراللهی).



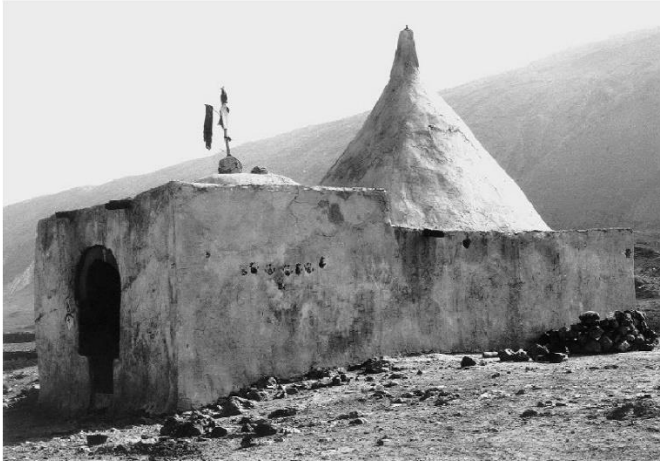
لوح ۲۱: امام زاده سید علی [سا علی]، منطقه شیروان چرداول  
(Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۲۲: امام زاده سید علی [سا علی]، منطقه سیروان  
(Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۲۳: امام زاده سید علی [سا علی]، منطقه سیروان  
(Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۲۴: امام زاده عباس، منطقه سیروان  
(Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۲۵: امام زاده عباس (روستای شاه منصور)، منطقه سیروان  
(Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۲۶: امام زاده حاجی حاضر، منطقه سیروان  
(Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۲۷: امام زاده حاجی حاضر، منطقه سیروان  
(Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۲۸: امام زاده محمد الباقر پنجم، منطقه سیروان (آرشیو نگارنده).

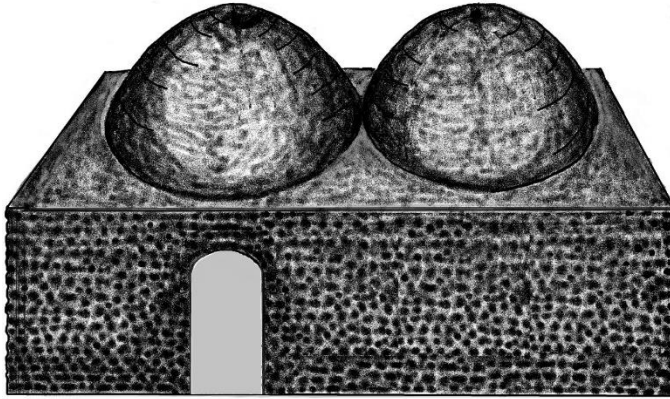


لوح ۲۹: امام زاده شاه قلندر، منطقه سیروان  
(Haerinck, Overlaet 2008).



لوح ۳۰: پیرحسین، روستای زنجیره علیا چرداول (عکس از علی نوراللهی).

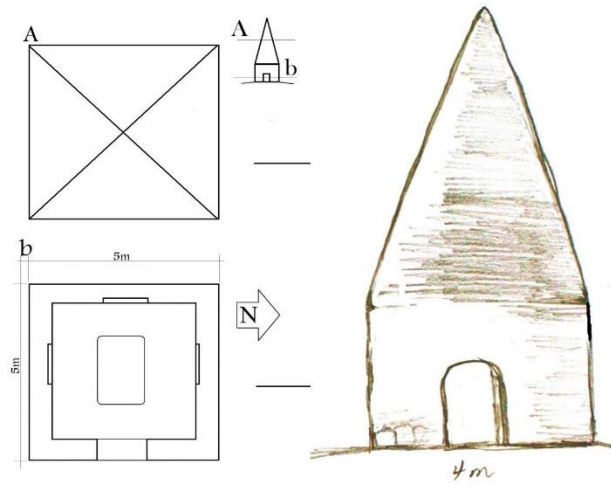




لوح ۳۱: بقایای پلان و کف تخریب شده و طرحی از نمای بابا جافر یا سی جافر گورستان قدیمی در شرق شهرک شباب (عکس و طرح از علی نوراللهی)



لوح ۳۲: بابا حیدر در روی تپه ای طبیعی در شرق شباب و ابتدای تنگ قیر (عکس از علی نوراللهی).



لوح ۳۳: طرحی از بنای قدیمی پیر حمزه ۱۳۸۱،  
تصویر جدید از این بنا پس از تخریب و ساخت  
سازمان اوقاف در سال ۱۳۸۸ (طرح و عکس از علی نوراللهی).



لوح ۳۴: بنای قدیمی بابا قاسم سرابله (عکس از علی نوراللهی).



لوح ۳۵: بنای زیارتگاه عباس رودبار سیروان (علی نوراللهی).



لوح ۳۶: زیارتگاه روباز عینالی (عین علی) نزدیک روستای میدر  
زردلان سردسیر) در هلیلان (مصطفی کوچکی).



لوح ۳۷: روادگاه روباز پیران کل در ارتفاعات (بان بن)  
روستای پیاز آباد بخش زردلان هلیلان (مصطفی کوچکی).



لوح ۳۸: بنای تازه ساخت پیر خمس پولهاد (آرشیو نگارنده).



لوح ۳۹: بنای قدیمی حاجی بختیار (حاجی وت یار) بولی (آرشیو نگارنده).

## بررسی تحولات تاریخی و باستان شناختی بنای کعبه زرتشت

«گرنای خانه» یا «نقاره خانه» رحیم تزری<sup>۶۹</sup>، آزاده محمودیان<sup>۷۰</sup>

### چکیده

کعبه زرتشت، نام بنای سنگی چهار گوش و پله داری در محوطه باستانی نقش رستم در مرودشت فارس که در فاصله ۷ کیلومتری شمال غربی تخت جمشید واقع شده است. محوطه نقش رستم علاوه بر بنای مذکور، یادمان‌هایی از دوران ایلامیان، هخامنشیان و ساسانیان را نیز در خود جای داده است. برخی از باستان‌شناسان، کعبه زرتشت را محل حفظ کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا) می‌دانند. از جهتی به نظر می‌رسد این اثر مهم باستانی استودان یا مقبره پادشاه هخامنشی بوده باشد. در برخی منابع، اصطلاح کعبه زرتشت را جدید و غیرعلمی می‌دانند و سابقه آن را حدود قرن چهاردهم میلادی نوشته‌اند. براین اساس، نام محلی این بنا، گرنای خانه یا نقاره خانه بوده و اروپائیان به دلیل آنکه درون این بنا از دود، سیاه شده بود، آن را مکان ویژه پرستش آتش<sup>۶۹</sup> آتشگاه<sup>۷۰</sup> می‌دانستند. پژوهش‌های میدانی تفسیر تازه‌ای از این بنا ارائه داده است و آن را یک رصدخانه و تقویم آفتابی می‌داند بر روی دیوارهای سنگی این اثر چند کتیبه، به خط پهلوی و زبان یونانی ایجاد شده است. در این نوشتار تلاش شده تا این اثر باستانی از منظر تاریخی و باستان شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** نقش رستم، نقاره خانه، اورارتو، رصدخانه، مرودشت، تخت جمشید.

<sup>۶۹</sup> - دانش آموخته باستانشناسی پیش از تاریخ ایران. پژوهشگر آزاد.

<sup>۷۰</sup> - دانش آموخته ارشد مهندسی معماری.

## کعبه زردشت

کعبه زردشت، از جمله بناهای سنگی است که با سقف سنگی از دوره کورش یکم، پادشاه هخامنشی، در مجموعه نقش رستم تخت جمشید باقی مانده است. برخی از باستان‌شناسان، کعبه زردشت را محل حفظ کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا) می‌دانند. بر روی دیوارهای سنگی این اثر چند کتیبه ایجاد شده است. کتیبه‌ها، به خط پهلوی و زبان یونانی است. فلاندن در سال ۱۸۴۳ میلادی از کتیبه‌های کعبه زردشت رونوشت برداشته است. ترجمه این کتیبه‌ها به وسیله پروفیسور اسپرینگلینگ صورت گرفته است. در ورودی کوچکی در دیوار شمالی است (سعیدی، ۱۳۷۸: ۱۹۹).

فرخ سعیدی در مورد سبک معماری کعبه زردشت نوشته است: «طرح ساختمانی کعبه زردشت، نفوذ معماری فرهنگ اورارتو یا مادی را می‌رساند. کاردانی معماری با ذوق هنری هخامنشی درآمیخته و بنایی به وجود آورده که در عین سادگی و استحکام، از زیبایی خاص برخوردار است» (سعیدی، ۱۳۷۸: ۱۹۲). نمونه این اثر در پاسارگاد نیز از دوره هخامنشی باقی مانده است. چهار قطعه سنگ یک پارچه با ابعاد  $۷/۶۰ \times ۱/۹۰$  متر پوشش این بنا را تشکیل می‌دهد. ساختمان از ۲۰ ردیف سنگ سفید و بدون ملات ساخته شده و پایه بنا از دو قطعه سنگ چهارگوش تشکیل شده است. در ورودی کوچکی در دیوار شمالی است. در اول ساختمان یک اتاق خالی و بدون پنجره به ابعاد  $۴/۷ \times ۴ \times ۳/۲$  متر وجود دارد.<sup>۱</sup> سرزمین پارس (فارس) به دلیل شرایط مطلوب جغرافیایی، از ادوار کهن مسکون بوده است. بعد از دوره ایلامیان، مهاجران آریایی به تدریج وارد ایران شده و در نواحی جنوبی ایران استقرار یافته‌اند. یکی از قبایل

۴- سعیدی، فرخ، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹.

معروف آریایی ها، پارس ها هستند که سلسله های مقتدر هخامنشی و ساسانی از این قوم برخاسته اند.



بخشی از سازه‌های سنگی نقش رستم

### وجه تسمیه و نام ها

این بنا در دوره هخامنشی ساخته شده و از نام بنا، در آن دوران اطلاعی در دست نیست؛ ولی در دوره ساسانی به آن بُن خانک گفته می‌شده و نام محلی این بنا هم، گُرنا‌ی‌خانه یا نقاره‌خانه بوده و اصطلاح کعبه زرتشت در دوران اخیر و از حدود قرن چهاردهم میلادی به این بنا اطلاق شده‌است. درباره کاربرد این اتاقک، دیدگاه‌ها و تفسیرهای متفاوتی ارائه شده‌است و نمی‌توان هیچ کدام از آن‌ها را به قطعیت پذیرفت؛ چنان‌که برخی این برج را آتشگاه و آتشکده می‌دانند و معتقدند که این بنا، مکان روشن کردن آتش مقدس و محلی برای عبادت بوده‌است اما عده‌ای دیگر با ردّ

آتشگاه بودن آن، این بنا را به دلیل شباهتش به آرامگاه کورش بزرگ و برخی از آرامگاه‌های لیکیه و کاریا، آرامگاه یکی از شاهان یا بزرگان هخامنشی می‌دانند و برخی دیگر از ایران‌شناسان این اتاقک سنگی را بنایی برای نگهداری اسناد و کتاب‌های مقدس دانسته‌اند اما اتاقک کوچک کعبه زرتشت برای نگاهداری کتابهای دینی و اسناد شاهی بسیار کوچک است. البته نظریات دیگری همچون معبدی برای ایزد آناهیتا، رصدخانه و یا تقویم آفتابی هم ذکر شده‌است که کمتر مورد توجه هستند.

### کتیبه‌ها

بر بدنه شمالی، جنوبی و خاوری این برج، سه کتیبه به سه زبان پهلوی ساسانی، پهلوی اشکانی و یونانی در دوره ساسانیان نوشته شده‌است. که یکی به شاپور اول ساسانی و دیگری به موبد کرتیر تعلق دارند و چنان‌که والتر هنینگ گفته‌است، «این کتیبه‌ها مهم‌ترین سند تاریخی از دوره ساسانی می‌باشند. ساختمان کعبه زرتشت از نظر تناسب اندازه‌ها، خطوط و زیبایی خارجی، بنای زیبایی است که از نظر اصول معماری نمی‌تواند مورد ایراد قرار گیرد.

### کتیبه‌های شاپور و کرتیر

در سال ۱۳۱۵ (۱۹۳۶ میلادی) در پی کاوش‌های گروه حفاری گروه مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو، بر روی بنای کعبه زرتشت کتیبه‌هایی یافت شد که متعلق به شاپور یکم و موبد کرتیر بودند؛ کتیبه شاپور به سه زبان یونانی (۷۰ سطر)، پهلوی اشکانی (۳۰ سطر) و پهلوی ساسانی (۳۵ سطر) بر سه طرف بنا نوشته شده‌اند و کتیبه کرتیر که در ۱۹ سطر به زبان پهلوی ساسانی است، در زیر کتیبه شاپور قرار دارد. در کتیبه شاپور که به منزله «قطعه‌نامه انقلاب» دودمان ساسانی باید تلقی گردد او

ابتدا خود را معرفی کرده و مناطقی که بر آن‌ها حکمرانی می‌کرد را ذکر می‌کند و سپس به شرح جنگ‌های ایران و روم پرداخته و به شکست و کشته شدن گوردیان سوم<sup>۱</sup> اشاره می‌کند که پس از آن سپاهیان روم فیلیپ عرب را امپراتور اعلام کردند و وی برای درخواست عفو، خسارتی معادل نیم میلیون دینار طلا به شاپور پرداخت کرد و به کشورش بازگشت. در ادامه، شاپور شرح نبردش با رومیان را به همراه فهرست مفصلی از ایالت‌های رومی که سپاهیان را از آنجا جمع کرده بودند، شرح داده‌است. این نبرد که بر سر ارمنستان صورت گرفت، بزرگترین شکستی بود که ساسانیان بر رومیان وارد کردند. شاپور در ادامه می‌گوید که: والریانوس قیصر<sup>۲</sup> را، خودم، با دست‌های خویش دستگیر کردم.» و نام سرزمین‌هایی که در این نبرد به تصرف او درآمد را ذکر می‌کند. وی سپس از قدرت خداوند که به او قدرت پیروزی را داده سپاسگزاری می‌کند و برای خشنودی وی آتشکده‌های زیادی را برپا می‌کند تا نام کسانی که در ایجاد دولت ساسانی نقش داشتند را در برابر آتش یاد کنند و در پایان کتیبه به آیندگان سفارش کرده‌است که در کارهای ایزدان و امور خیریه بکوشند این کتیبه از نظر اهمیت تاریخی بسیار جالب توجه و در زمره مدارک تراز اول دوره ساسانی محسوب می‌شود و از لحاظ حدود و گستردگی مرزهای ایران ساسانی از مهمترین اسناد این دوران است. و در این کتیبه آخرین باری است که از خط و زبان یونانی در کتیبه‌های ایرانی، استفاده می‌شود.

**کتیبه کورتیر** که در زیر کتیبه پهلوی ساسانی شاپور قرار دارد به دستور کرتیر، در زمان پادشاهی بهرام دوم و حدود سال ۲۸۰ میلادی نوشته شده‌است. وی در ابتدا خود را

معرفی می‌کند و سپس عناوین و القاب خود را در زمان پادشاهان گذشته ذکر کرده و می‌گوید که در زمان شاپور یکم عنوان هیربد<sup>□□□</sup> را داشته‌است و «از سوی شاهنشاه شاپور اول به سمت رئیس بزرگ همه موبدان» منصوب شده و در روزگار هرمز یکم از سوی شاهنشاه به دریافت کلاه و کمر نایل آمده و قدرتی روزافزون یافته‌است و «موبد اهورامزدا که ایزد بزرگ است» لقب یافت. آنگاه کرتیر به ذکر فعالیت‌های دینی خود مانند مبارزه با ادیان دیگر همچون مسیحی، مانوی، یهودی، بودایی و مرتدین زرتشتی می‌پردازد و از تأسیس آتشکده‌ها و اختصاص موقوفات برای آنها یاد می‌کند. هم‌چنین از اصلاح موبدانی که به نظر او دچار انحراف بوده‌اند سخن به میان می‌آورد و فهرست ایالاتی را که در زمان شاپور یکم به تصرف ایران درآمده بود را ذکر کرده و سرانجام کتیبه با دعا پایان می‌پذیرد.

نوشتارهای اصلی: کتیبه شاپور یکم بر کعبه زرتشت و کتیبه کرتیر در کعبه زرتشت



نسخه پهلوی اشکانی کتیبه شاپور



جایگاه کتیبه کرتیر و شاپور (نسخه پهلوی ساسانی) بر دیوار کعبه زرتشت

### گُرناى خانه یا نقاره خانه

علیرضا شاپور شهبازی نوشته است: اصطلاح کعبه زرتشت، جدید و غیرعلمی است و سابقه آن به حدود قرن چهاردهم میلادی می‌رسد. نام محلی این بنا، گُرناى خانه یا نقاره خانه بود و اروپائیان به دلیل آنکه درون این بنا از دود سیاه شده بود، آن را مکان ویژه پرستش آتش دانستند و چون زرتشتیان را به اشتباه، آتش پرست می‌خواندند، اینجا را هم بدانان نسبت داده و آتشگاه زرتشتیان نامیدند و این تعبیر به دلیل آنکه شکل بنا مکعبی بود و سنگ‌های سیاهی که در زمینه سفید دیوارهای آن نشانده شده، یادآور حجرالاسود، کعبه مسلمانان بود، به کعبه زرتشت معروف گشت.

در دانشنامه ایرانیکا آمده است: «کعبه زرتشت نامش را احتمالاً در قرن چهاردهم میلادی کسب کرده است یعنی زمانی که محوطه‌های باستانی ویران شده در سرتاسر ایران به شخصیت‌هایی از قرآن یا شاهنامه ربط داده می‌شدند. این نام به این معنی نیست که آنجا مقبره زرتشت بوده است»

به واسطه کشف سنگ‌نبشته کرتیر بر دیواره‌های آن، این بنا در دوره ساسانی بُن خانک به معنای خانه بنیادی بوده‌است چنان‌که در متن سنگ‌نوشته آمده‌است. این خانه بنیادی به شما تعلق خواهد داشت، به بهترین وجهی که صلاح می‌دانید رفتار کنید، که موجب خشنودی خاطر خدایان و خاطر ما (مقصود شاپور یکم است) باشد.» این بلخی نام محوطه نقش رستم و کوه آن را کوه نبشت (کوه نبشته‌ها) ذکر کرده و دلیل این نامگذاری، نگاهداری کتاب اوستا در آنجا بوده است. اصطلاح دژنبشت یا دژ کتیبه‌ها ممکن است برای بنای کعبه زرتشت مورد استعمال واقع شده باشد.

### مشخصات معماری بنا

فاصله کعبه زرتشت تا کوه، ۴۶ متر است و دقیقاً روبه‌روی آرامگاه داریوش دوم قرار دارد. بنای کعبه زرتشت، مکعب مستطیلی است و تنها یک در ورودی دارد که به وسیله پلکانی از جنس سنگ به درون اتاقک آن راه می‌یابد و در هر طرف نمای این کعبه، چهار پنجره کور وجود دارد. جنس سنگ‌های بکار رفته در این بنا، سنگ آهک سفید مرمنا است که در دیوارهای آن طاقچه‌های دندان‌داری از سنگ سیاه، قرار دارد که سنگ‌های این بنا را از کوه سیوند در جایی به‌نام نعل‌شکن تا نقش رستم آورده‌اند. قطعات سنگ‌ها را بزرگ و بیشتر مستطیلی تراشیده‌اند و بدون استفاده از ملات برهم نهاده شده‌اند و در برخی از جاها - همچون بام - سنگ‌ها را با بست‌های دُم چلچله‌ای به هم متصل کرده‌اند. اندازه سنگ‌ها از ۲،۹۰×۲،۱۰×۰،۴۸ متر تا ۱،۱۰×۱،۰۸×۰،۵۶ متر متفاوت است، اما در دیوار غربی، تخته‌سنگی وجود دارد که بزرگی اش ۴،۴۰ متر است. بلندی آن حدود ۱۲ متر است که با احتساب پله‌های سه‌گانه به ۱۴،۱۲ متر می‌رسد و ضلع هر قاعده آن، حدود ۷،۳۰ متر درازا دارد. در ورودی آن به وسیله پلکانی سی پله‌ای از جنس سنگ به درون اتاقک آن راه می‌یابد. چهار تکه

سنگ مستطیلی بزرگ با محور شرقی-غربی سقف را می‌پوشانند، هرکدام از این سنگ‌ها ۷,۳۰ متر طول دارند و طرز تراش آن‌ها شکل هرم کوتاهی را به بنا بخشیده‌است. در برهم نهادن سنگ‌های بنا از شیوه همترازسازی استفاده کرده‌اند ولی در رده‌بندی سنگ‌ها نظم دقیقی رعایت نشده و در برخی جاها ۲۰ رده و در برخی از قسمت‌های دیگر ۲۲ رده سنگ بر روی هم نهاده تا به سقف رسیده‌اند. هر جا که در سنگ اصلی خطا و عیبی بوده، آن قسمت را برداشته‌اند و با وصله‌های ظریفی پُر کرده‌اند که برخی از آن‌ها هنوز وجود دارند. برای اینکه یکنواختی و یک‌رنگی بنا زیاد مشخص نشود، دو تنوع معماری در آن داده شده؛ یکی اینکه طاقچه‌های دو لبه‌ای از یک یا دو تخته سنگ سیاه خاکستری ساخته و در دیوارها نشانده‌اند و دوم اینکه در قسمت بالا و میانی دیوارها، گودی‌های مستطیلی کوچکی کنده‌اند که ظرافت خاصی به چهره بنا می‌دهند. سنگ‌های سیاه را احتمالاً از کوه مهر در تخت جمشید آورده باشند و در سه ردیف به ترتیب زیر در دیوارها قرار داده‌اند.

- در بالا زیر سقف، در جبهه شمالی یک طاقچه کوچک مستطیلی، و دو طاقچه مثل آن در هریک از جبهه‌های دیگر.
- در سه متری زیر سقف، دو طاقچه بزرگ مربعی در سه جبهه و یک طاقچه کوچک مستطیلی در جبههٔ شمالی.
- در شش متری زیر سقف، دو طاقچه مستطیلی متوسط در سه جبهه و یک در بزرگ مستطیلی در جبهه شمال.

### پلکان

یک پلکان سی‌پله‌ای (هر پله به درازی ۲ تا ۲,۱۲ متر؛ پهنای ۲۶ سانتی‌متر و ارتفاع ۲۶ سانتی‌متر) در سینه دیوار شمالی تعبیه شده که به آستانه درگاه ورودی می‌رسد. بدین

ترتیب، به خوبی مشخص است که می‌خواسته‌اند بنا شکل یک برج سه طبقه که هر طبقه‌ای هفت در و دریچه دارد را داشته باشد، اما فقط یک در را حقیقی درست کرده‌اند و بقیه را به صورت پنجره‌های کور بی‌منفذ نگه داشته‌اند. این بنا بر سکوی سه‌پله‌ای قرار دارد که پله نخست، ۲۷ سانتی‌متر بالاتر از کف اصلی زمین است و ارتفاع برج با احتساب پله‌های سه‌گانه به ۱۴,۱۲ متر می‌رسد. قاعده بنا به شکل مربع است که هر ضلع آن، حدود ۷,۳۰ متر درازا دارد. سقف بنا نیز رو به درون صاف و هموار است اما از بیرون شیب دوجانبی دارد که از خط میانه بام آغاز می‌شود. درگاه ورودی ۱,۷۵ متر بلندی و ۸۷ سانتی‌متر پهنا دارد و دری دو لنگه‌ای و بسیار سنگین داشته‌است و جای پاشنه‌های پایینی و بالایی هر لنگه در سنگ کنده شده و به خوبی معلوم است. برخی پنداشته‌اند که جنس در از چوب بوده‌است، اما یک قطعه از در سنگی بنای زندان سلیمان در پاسارگاد و یک در همانند در کعبه زرتشت پیدا شده که مشخص می‌کند در هردو بنا از سنگ بوده‌اند. این در به اتاقی هدایت می‌شد که چهارگوش است و ۳,۷۲×۳,۷۴ متر اندازه دارد و بلندایش به ۵,۵ متر می‌رسد که قطر دیوارهایش بین ۱,۵۴ متر تا ۱,۶۲ متر، متغیر است.



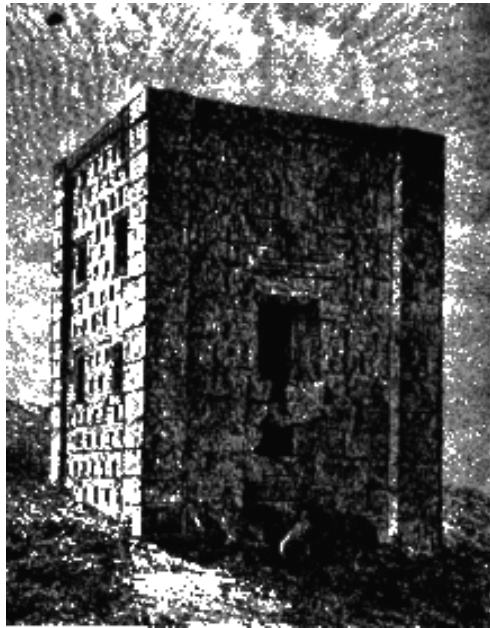
پلکان بنای کعبه زرتشت

### بررسی های تاریخی

در اینکه کعبه زرتشت از دوره هخامنشیان است، هیچ تردیدی نمی توان داشت و بسیاری از شواهد، گواهی می دهند که ساخت این بنا در آغاز دوره هخامنشی انجام شده است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

- به کار بردن سنگ های سیاه در زمینه سفید از ویژگی های معماری پاسارگاد است.
- بست های دم چلچله ای بیشتر به دوره داریوش بزرگ و خشایارشا تعلق دارند و شیوه همتراز سازی سنگ ها مربوط به ساخت های آغازین تخت جمشید است.
- در و درگاه ورودی بنا، همانند در و درگاه ورودی آرامگاه های شاهان هخامنشی است که همه آن ها از طرح آرامگاه داریوش بزرگ استفاده کرده اند.
- طرز چیدن سنگ ها که بدون ملاط و بی نظم است، نخستین قسمت های سکوی تخت جمشید را که در زمان داریوش بزرگ ساخته شده، به یاد می آورد و به ویژه

سنگ‌نشته پی‌بنای دیوار جنوبی تخت جمشید تقریباً به اندازه سنگ‌هایی است که بر سقف کعبه زرتشت نهاده‌اند. کارستن نیبور که در سال ۱۷۶۵ میلادی (۱۱۷۸ هجری) از این بنا دیدن کرده بود منوشته است: جلوی کوهی که آرامگاه‌ها و سنگ‌نگاره‌های پهلوانی رستم بر آن قرار دارد، بنای کوچکی از سنگ سفید ساخته شده‌است که فقط با دو قطعه سنگ بزرگ پوشیده شده‌است. همچنین ژان دیولافوا<sup>[۱]</sup> که در سال ۱۸۸۱ به ایران آمده بود در سفرنامه خود چنین گزارش داد: «... و بعد یک بنای چهار ضلعی را دیدیم که در مقابل دیوارهای صخره واقع بود. هریک از سطوح آن مانند سطوح بنای خرابی بود که در دشت پلوار دیده بودیم»



کعبه زرتشت در سده نوزدهم، اثر ژان دیولافوا

نخستین تصاویر مصور از این بنا در قرن هفدهم توسط جهانگردان اروپایی از جمله ژان شاردن<sup>۱</sup>، انگلبرت کمپفر<sup>۲</sup> و کرنلیوس د برین<sup>۳</sup> در سفرنامه‌هایشان آمده بود اما شرح علمی و گزارش‌های حفاری بنا، نخستین بار توسط اریک فریدریش اشمیت<sup>۴</sup> انجام شد که با عکس و نقشه‌های ترسیمی، همراه بود.

### کاوش‌های باستان‌شناسی

محوطه نقش رستم همراه با بنای کعبه زرتشت برای نخستین بار، در سال ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۰۲ خورشیدی) توسط ارنست هرتسفلد بررسی و کاوش شد. همچنین، این محوطه در چندین فصل در بین سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ مورد کاوش گروه مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو به رهبری اریک فریدریش اشمیت قرار گرفت و آثار مهمی چون نسخه پارسی میانه کتیبه بزرگ شاپور یکم که بر دیواره بنا نوشته شده بود، پیدا شدند.



تصویری از کاوش‌های انجام‌شده توسط مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو.

## کاربرد

کاربرد بنای کعبه زرتشت همواره مورد مناقشه باستان‌شناسان و پژوهشگران بوده‌است و دیدگاه‌ها و تفسیرهای گوناگونی درباره کاربرد آن ذکر شده‌است؛ اما چیزی که تفسیر آن را دشوارتر هم می‌کند، وجود بنای مشابهی در پاسارگاد است که هر احتمالی را باید با شرایط آن نیز سنجید و تفسیر مشابهی برای هر دو در نظر گرفت. برخی از باستان‌شناسان این بنا را آرامگاه دانسته‌اند و بعضی دیگر مانند رومن گیرشمن<sup>□□</sup> و اشمیت، گفته‌اند که کعبه زرتشت آتشگاهی بوده‌است که آتش مقدس را در درون آن قرار می‌داده‌اند و در مواقع انجام تشریفات مذهبی از آن استفاده می‌کرده‌اند. گروهی دیگر از جمله هنری راولینسون<sup>□</sup> و والتر هنینگ<sup>□□</sup> معتقدند که این بنا گنج‌خانه و محل نگهداری اسناد دینی و اوستا بوده‌است. گروه اندکی هم این بنا را پرستشگاه آناهیتا می‌دانند و معتقدند که مجسمه این ایزدبانو در کعبه زرتشت نگهداری می‌شده‌است. هلن سانسیزی وردنبورگ<sup>□□□</sup> این ساختمان را به عنوان سازه‌ای ساخته شده توسط داریوش یکم برای تاج‌گذاری می‌داند و شاپور شهبازی معتقد است کعبه زرتشت یک آرامگاه هخامشی بوده‌است که در دوره ساسانی از آن به‌عنوان مکانی همانند گنج‌خانه اسناد دینی استفاده کرده‌اند. اریک فریدریش اشمیت درباره اهمیت این بنا می‌گوید: کوشش فوق‌العاده‌ای که برای برآوردن این شاهکار معماری لازم بوده انجام شود، تنها برای ساختن یک اتاقک تاریک و منفرد به کار رفته‌است. از این گذشته، این واقعیت که تنها ورودی اتاق یک بنا را با دری سنگین و دولنگه می‌بستند یا می‌توانستند ببندند، روشن‌ساز آن است که محتویات آن را می‌بایست از دستبرد و آلودگی دور نگه‌دارند.

## آتشگاه

فرض آتشکده و آتشگاه بودن را نخستین بار انگلبرت کمپفر مطرح کرد و پس از وی جیمز موریه<sup>۱۱۱۱</sup> و رابرت کر پورتر<sup>۱۱۱۲</sup> در اوایل سده نوزدهم این دیدگاه را قوت بخشیدند. گوشه جنوب غربی اتاقک، از دود سیاه شده است، و سبب شده تا احتمال دهند که در آنجا آتش مقدس روشن بوده است. در سال‌های بعد نیز فردیناند یوستی<sup>۱۱۱۳</sup>، گیرشمن، اشمیت و دیگران، فرضیه آتشگاه بودن کعبه زرتشت را تقویت کرده‌اند. یکی از دلایل این گروه این است که، داریوش بزرگ در کتیبه بیستون (ستون یکم، ۶۳) می‌گوید: «... من پرستشگاه‌هایی [آیدنا] را که گئومات مغ<sup>۱۱۱۴</sup> ویران کرده بود، بازسازی نمودم. (وقتی بازسازی شده باشد، پس آثار دودهم از بین رفته است. در نتیجه نظر ابن بلخی صائب تر می‌تواند باشد. مولف) به مردم، چراگاه‌ها، رمه‌ها، غلامان و خانه‌هایی را که گئومات ستانده بود بازگرداندم» .. پس در زمان کوروش بزرگ و کمبوجیه<sup>۱۱۱۵</sup> معابدی<sup>۱۱۱۶</sup> بوده است که گئومات مغ ویران کرده و داریوش مثل همان را باز ساخته است، و چون «زندان سلیمان» در پاسارگاد متعلق به دوره اول هخامنشی و ویران شده است و درست مثل آن را در عهد داریوش در نقش رستم هم ساخته‌اند،

## تجزیه و تحلیل گزارش‌ها

پس می‌توان نتیجه گرفت که آن هر دو بنا معبد و یا نیایشگاه مذکور در کتیبه بیستون می‌باشد، و از آنجا که معبد در ایران زمان داریوش، جز برای آتش مقدس، برای چیزی دیگر نمی‌توانست باشد، پس اینها همه آتشگاه بوده‌اند. دیگر اینکه کعبه زرتشت پس از دوران هخامنشیان نیز به خوبی حفظ شده است و گرداگرد آن را خاک و سنگ پر نکرده بود و در آغاز دوره ساسانی، شاپور یکم بر روی آن مهم‌ترین سند تاریخ

ساسانی را نگاشت و کرتیر هم بر آن سندی مذهبی نوشت. اینها نشان می‌دهد که این بنا از نظر دینی اهمیت داشته‌است. از سوی دیگر، روی سکه‌های برخی از پادشاهان فارس از جمله سکه اوتوفرادات اول<sup>□□□□</sup> بنایی را نقش کرده‌اند که آتشگاه بوده و آتش شاهی که آتش یزدگردی نیز نامیده می‌شد را بر فراز آن یا در درون آن روشن می‌کرده‌اند و چون این بنا سکویی دو پله دارد، و دو در آن همانند کعبه زرتشت است و مرکز پادشاهی پارس هم در شهر استخر<sup>□□□</sup> بوده‌است؛ پس همان کعبه زرتشت است که بر سکه‌هایشان نموده شده‌است و بر روی سقف همین بناست که سه آتشدان گذارده‌اند و پادشاه پارس جلو آن به حالت عبادت ایستاده‌است. اما این دلایل نمی‌توانند درست باشند، زیرا آیدنا تنها به معنای «جای پرستش» است و این جای پرستش لزومی ندارد که معبد باشد و از سوی دیگر اگر بخواهیم بگوییم مردم در این محل عبادت می‌کرده‌اند، صحیح نیست زیرا این کعبه آنقدر کوچک است که محوطه داخل آن گنجایش بیش از دو نفر را ندارد. همچنین در مهرها و روی آرامگاه‌های هخامنشی می‌بینیم که آتشدان‌های حامل آتش شاهی در فضای آزاد نهاده می‌شدند، و آتش شاهی را در آتشدانی قابل حمل پیشاپیش پادشاه می‌بردند. نکته<sup>□</sup> قابل توجهی که هرتسفلد، سامی<sup>□□</sup> و مری بویس<sup>□□□</sup> متذکر شده‌اند این است که بعید به نظر می‌رسد آن‌همه هزینه و زحمت برای آن به خرج رفته باشد که آتش را در اتاقی تاریک و بی‌روشنه نگه داشته باشند که بی‌بازگداردن درش، آتش روشن نمی‌شد. زیرا آتش احتیاج به اکسیژن دارد و درون این کعبه طوری ساخته شده‌است که وقتی در و ورودی بزرگ سنگی آن بسته باشد، حتی یک چراغ روغنی هم نمی‌تواند بیش از چند ساعت در آن روشن بماند. این اتاقک راه بیرون رفت برای دود ندارد و از سوی دیگر در ورودی آن نیز همواره بسته بوده‌است. بنای روی سکه‌های پادشاهان

فارس نمی تواند کعبه زرتشت باشد زیرا تصویر مذکور بر سکه ها ارتفاعی بیش از دو متر نداشته است، سکویش دوپله بوده و پلکانی در پایین درگاهش دیده نمی شود، در ورودی آن نسبت به بنا بسیار بزرگتر از در کعبه زرتشت است، سقف آن بی شیب بوده چنان که می توانستند سه آتشدان را بر فرازش بگذارند، فاصله ای میان درگاه آن با سقفش وجود ندارد، تاج و سردر نیز ندارد و دندانه های نماینده سر تیرهایش ۶ عدد بیشتر نیست. این ویژگی ها به کلی با ویژگی های کعبه زرتشت مغایر است.



سکه اوتوفرادات اول. تصویر پشت سکه بنایی شبیه به کعبه زرتشت است

## آرامگاه

بیشتر پژوهشگران این برج را به عنوان مقبره یکی از شاهان هخامنشی تصور می کنند. چون از نظر شکل ظاهری، صلابت معماری و داشتن یک اتاق کوچک با دری بسیار سنگین، به آرامگاه کورش بزرگ و برخی از آرامگاه های لیکه<sup>□□□□</sup> و کاریا<sup>□□□□□□</sup> شبیه است، آن را آرامگاه می دانند. دیوید استروناخ<sup>□□□□</sup> بر این باور است که سازه های هخامنشی در پاسارگاد و نقش رستم می توانسته اند از هنر اورارتویی در نیایشگاه های برج شکل اورارتو تأثیر گرفته باشند. اریستوبولوس از همراهان اسکندر، هنگام توصیف پاسارگاد از بنای موسوم به زندان

سلیمان با نام «آرامگاه برج مانند» یاد می‌کند که اگر بنای مذکور آرامگاه یکی از شاهان هخامنشی فرض شود، به دلیل شباهت آن با بنای کعبه زرتشت، و آنچنان که فرانتس هاینریش وایسباخ<sup>۱۱۱</sup> و الکساندر دماندت<sup>۱۱۲</sup> توضیح داده‌اند ناگزیر باید این بنا را هم متعلق به یکی دیگر از شاهان هخامنشی دانست. از اینها گذشته کعبه زرتشت در چند متری آرامگاه‌هایی قرار دارد که زمان ساختشان یکسان است و بعدها هم همه را توسط زنجیری از استحکامات از بقیه قسمت‌های نقش رستم جدا کرده‌اند و این می‌رساند که در اصل همه آنها از یک نوع بوده‌اند و کاربرد مشابهی داشته‌اند، به عبارت دیگر، همه از جمله همین کعبه زرتشت، آرامگاه بزرگان هخامنشی بوده‌اند. چند دلیل دیگر برای آرامگاه بودن کعبه زرتشت می‌توان آورد؛ یکی وجود واحدهایی سه‌تایی و هفت‌تایی است که در آرامگاه‌های هخامنشی می‌یابیم. مثلاً اتاقک‌های سه‌قبری آرامگاه‌ها آنها را با سه طبقه نمودن کعبه زرتشت و سه پله‌ای بودن سکوی آن ارتباط می‌دهد و هفت دریچه هر طبقه از بنا، یادآور هفت آزاده پارسی روی آرامگاه‌ها و هفت طبقه بودن آرامگاه کوروش می‌باشد. اما کاوش‌های انجام گرفته، این دیدگاه را تأیید نمی‌کنند و نوشته‌های منقور بر دیواره کعبه زرتشت هم هیچ اشاره‌ای به وجود آرامگاه یا گورستان ندارند.

### گنج‌خانه

تفسیر گنج‌خانه بودن بنا، نخستین بار در سال ۱۸۷۱ توسط راولینسون مطرح شده‌است. معماری دقیق و اندازه مناسب اتاقک، سنگین و مستحکم بودن تنها در ورودی آن و اینکه رسیدن به داخل بنا دشوار بوده‌است از دلایل راولینسون بود. والتر هنینگ هم این نظریه را با دلایل تازه‌تری مطرح کرده بود. یکی از دلایل او مربوط به کتیبه‌های منقور بر دیواره اتاقک است؛ بر روی دیوارهای کعبه زرتشت، سنگ نبشته بزرگی از شاپور

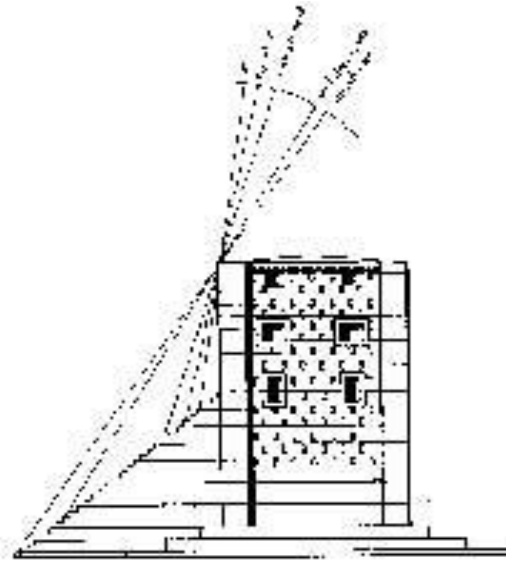
یکم نوشته شده است و در پایین این کتیبه، نبشته ایست از کرتیر که در سطر دوم آن آمده است: «این بن خانک ترا بود، چنان کن که دانی برای ایزدان و ما بهتر است». که استنباط برخی از مورخان این است که به معنای محل نگهداری منشورها، پرچم‌ها و اسناد دینی بکار می‌رفته است. ابن بلخی در خلال شرح آثار استخر، از این مکان با نام «کوه نفشت» یا «کوه نبشت» یاد کرده و گفته که اوستا در آنجا نگهداری می‌شده است. هنینگ معتقد است منظور ابن بلخی همین بنای کعبه زرتشت است. درباره ردّ این دیدگاه می‌توان گفت که اتاقتک کوچک کعبه زرتشت برای نگهداری اوستا و کتاب‌های دینی دیگر و پرچم‌های شاهی بسیار کوچک است؛ برای چنین خواستی جایگاهی فراختر و بزرگتر لازم بود. همچنین نمی‌توان پذیرفت که به جای کاخ‌های بزرگ و گوناگون شاهنشاهان هخامنشی و ساختمان‌های سازمان‌های اداری و دولتی، جایی چنین دور از کاخ‌ها را برای نگهداری اوستا و پرچم‌های شاهی برگزیده باشند. چون برج دیگری مانند برج کعبه زرتشت در پاسارگارد به نام زندان سلیمان وجود دارد، نمی‌توان پذیرفت که شاهان هخامنشی جایگاه اوستا و یا پرچم‌ها را عوض کرده‌اند. همچنین کسانی که به استناد نوشته فارس‌نامه ابن بلخی، «کوه نفشت» یا «کوه نبشت» کعبه زردشت را جایگاه اوستا می‌دانند چنان‌که به نوشته همان کتاب کمی پیش‌تر از کلمه «کوه نفشت» بنگرند، نوشته شده: «... و بعد از آن او را قبول کرد و کتاب زند آورده بود به حکمت و بر دوازده هزار پوست گاو دباغت کرده نبشته بود بزر و شتاسف آنرا قبول کرد و به استخر پارس کوهی است، کوه نفشت گویند» پس ممکن نیست کتابی که بر پوست دوازده هزار گاو نوشته شده باشد در اتاقتک کعبه زرتشت بگنجد.

## رصدخانه

در سال‌های اخیر رضا مرادی غیاث‌آبادی با انجام پژوهش‌های میدانی تفسیر تازه‌ای از این بنا ارائه داده‌است و آن را یک رصدخانه و تقویم آفتابی می‌داند و معتقد است که پنجره‌های کور، پله‌های مقابل در ورودی و ساختار بنا، یک زمان‌سنج یا شاخص خورشیدی برای سنجش گردش خورشید و به تبع آن نگهداشتن حساب سال و سالشماری و استخراج تقویم و تشخیص روزهای اول هر ماه خورشیدی و انقلاب‌های تابستانی و زمستانی و اعتدال‌های بهاری و پاییزی بوده‌است. او نتیجه می‌گیرد که می‌توان شروع هر ماه خورشیدی را با رصد سایه‌های تشکیل شده بر پنجره‌های کور، متوجه شد. اما این نظریه نمی‌تواند کاملاً درست باشد و یکی از دلایلی که می‌توان در رد این نظریه عنوان کرد این است که جهت شمال جغرافیایی هر منطقه ممکن است با جهت شمال مغناطیسی متفاوت باشد. زاویه انحراف شمال مغناطیسی از شمال جغرافیایی در محوطه نقش رستم برابر با حدود ۲٫۵ درجه‌است و زاویه انحراف مغناطیسی بنا، طبق اندازه‌گیری اشمیت برابر با ۱۸ درجه غربی نسبت به شمال مغناطیسی است، بنابراین انحراف بنا نسبت به جهت شمال جغرافیایی حدود ۱۵٫۵ درجه خواهد بود، در حالی که غیاث‌آبادی همان مقدار ۱۸ درجه را به عنوان انحراف بنا از شمال جغرافیایی در نظر گرفته‌اند.



رصدخانه نقش رستم معروف به کعبه زرتشت،



رصدخانه نقش رستم معروف به کعبه زرتشت



کعبه زرتشت از فراز حسین کوه

### پی نوشت

- مارکوس آنتونیوس گوردیانوس (به لاتین) (Marcus Antonius Gordianus): زاده ۲۰ ژانویه ۲۲۵ - درگذشته ۱۱ فوریه ۲۴۴) که بیشتر با نام گوردیان سوم شناخته می‌شود، امپراتور روم بین سال‌های ۲۳۸ - معروف به سال شش امپراتور - تا ۲۴۴ میلادی بود.
- والرین (به لاتین) (Publius Licinius Valerianus Augustus): امپراتور روم که از سال ۲۰۰ تا پس از سال ۲۶۰ زندگی کرد، از سال ۲۵۳ تا ۲۶۰ امپراتور روم بوده‌است. در سال ۲۶۰ شاپور یکم پادشاه ساسانی در نبرد ادسا، والرین امپراتور، سناتورها و سربازان وی را اسیر کرد. شاپور به افتخار این پیروزی دستور حکم پیکره‌ای عظیم در دل کوه مهر (رحمت) در نقش رستم داد که وی را پیروزمندانه نشسته بر اسب نشان می‌دهد در حالی که امپراتور فروتنانه در برابر وی زانو زده‌است.
- هیربُد یا هیربُد یا هیربُد (فارسی میانه hērbed: اوستایی (aēθrapaiti): یکی از پیشوایان آئین مزدیسنا است. در اوستا به صورت ائثرپیتی به معنی آموزگار یا استاد و یا آموزنده آمده و در زبان پهلوی ایرپت یا هیرپت و در فارسی هیربُد گفته می‌شود. در نوشته‌های پهلوی از واژه هیربُد غیر از مفهوم آموزگار، پیشوای دینی نیز اراده می‌شود.

- مادام ژان دیولافو به فرانسوی (Jane Dieulafoy: همسر مارسل اوگوست دیولافو) ۱۸۴۳-۱۹۲۰)، مهندس راه و ساختمان و باستان‌شناس فرانسوی بود و به همراه همسرش از سوی دولت فرانسه برای انجام کاوش‌های باستان‌شناسی سه بار به ایران سفر کردند. اولین مسافرت آنها در سال ۱۸۸۱ به بنادر جنوبی ایران صورت گرفت. مادام دیولافو مطالعات و مشاهدات اجتماعی و یافته‌های باستان‌شناسی همسرش را به صورت یادداشت‌های روزانه جمع‌آوری کرد و در دو کتاب جداگانه انتشار داد.
- ژان شاردن (به فرانسوی) (Jean Chardin: (۱۶ نوامبر ۱۶۴۳-۵ ژانویه ۱۷۱۳) جواهرفروش و جهانگرد فرانسوی بود که کتاب ۱۰ جلدی «سفرهای سرژان شاردن»<sup>۱۱</sup> به عنوان یکی از بهترین کارهای پژوهشگران غربی درباره ایران و خاور نزدیک برشمرده می‌شود. این کتاب برای اولین بار در ایران با نام «سیاحتنامه شاردن» با ترجمه محمد عباسی توسط مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر در سال ۱۳۳۵ منتشر شده است.
- انگلبرت کمپفر به آلمانی) (Engelbert Kaempfer: زادروز ۱۶ سپتامبر ۱۶۵۱ - درگذشته ۲ نوامبر ۱۷۱۶ پزشک و طبیعی‌دان اهل آلمان بود که به واسطه سفر جهانگردی‌اش به روسیه، ایران، هند، آسیای شرقی و ژاپن در بین سال‌های ۱۶۸۳ تا ۱۶۹۳ مشهور است. او درباره این مسافرت‌ها دو کتاب نیز نوشته است یکی از این کتاب‌ها با نام سفرنامه کمپفر توسط کیکاووس جهانداری به فارسی ترجمه شده است.
- کرنلیوس دبروین ه هلندی) (Cornelis de Bruijn: ۱۶۵۲ لاهه - ۱۷۲۶ اوترخت) جهانگرد، نویسنده و نقاش هلندی بود. او در دو سفر خود، مشاهداتش از انسان‌ها، گیاهان و ساختمان‌ها را به تصویر کشید و به چاپ رساند.
- اریش فریدریش اشمیت به آلمانی) (Erich Friedrich Schmidt: زاده ۱۳ سپتامبر ۱۸۹۷ - درگذشته ۳ اکتبر ۱۹۶۴) (باستان‌شناس آلمانی-آمریکایی متولد شهر بادن-بادن بود.
- رومن گیرشمن) (اکتبر ۱۸۹۵ - سپتامبر ۱۹۷۹) (به فرانسوی) (Roman Ghirshman: باستان‌شناس فرانسوی بود. تیم گیرشمن، نشسته از راست به چپ: رومن گیرشمن، تانیا گیرشمن و کونتنتووی در خارکف اکراین در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد. به سال ۱۹۱۷ به پاریس نقل مکان کرد تا باستان‌شناسی و زبان‌های باستانی را فراگیرد، تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن، مدرسه

تحصیلات عالی و مدرسه عالیه لووربه پایان رسانید. اولین کار تجربی او زمانی بود که همراه با یک هیئت باستان‌شناسی فرانسوی به تلو واقع در کشور عراق رفت (۱۹۳۰). وی بیشتر به آثار باستانی ایران علاقه‌مند بود، در سالهای بعد، در راس هیئتی همراه با همسرش، تانیا گیرشمن به ایران آمد و به حفاریهایی در تپه گیان نهادند، زرامین سفلی، لرستان، اسدآباد، تپه سیلک، بگرام، بیشاپور و شوش پرداخت. وی در ۱۹۴۹ سفری به کوه‌های سخت‌گذر بختیاری کرد و برای نخستین بار در ایران موفق به کشف غاری که مسکن انسان‌های عصر نوسنگی بود گردید. مطالعات وی در چغازنبیل در ۴ جلد چاپ شده‌است. همچنین وی گروه کاوش در جزیره خارگ، ایوان کرخه، و آثار پارت‌ها در مسجد سلیمان خوزستان را سرپرستی کرد.

- سر هنری راولینسون به انگلیسی) Sir Henry Rawlinson: نام کامل: هنری کرسویک راولینسون Henry Creswicke Rawlinson: زاده ۵ آوریل ۱۸۱۰ - در گذشته ۵ مارس ۱۸۹۵ (دیپلمات و شرق‌شناس بریتانیایی بود. او نخستین کسی بود که خط میخی را با بررسی کتیبه‌های بیستون خواند.

- والتر برنوهیننگ (Walter Bruno Henning) زاده ۲۶ اوت ۱۹۰۸ در پروس شرقی - در گذشته ۸ ژانویه ۱۹۶۷ در برکلی، کالیفرنیا (خاورشناس و ایران‌شناس آلمانی و انگلیسی، متخصص زبان‌های باستانی ایرانی و پیشگام در پژوهشهای آیین مانی بود.

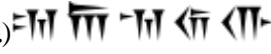
- هلن سانسیسی وردنبورخ به هلندی) Heleen Sancisi Weerdenburg: متولد ۲۳ می ۱۹۴۴ هارلم، درگذشت در ۲۸ می ۲۰۰۰ اوترخت (مورخ و باستان‌شناس هلندی، متخصص در تاریخ یونان باستان و هخامنشیان اهل هلند بود. سانسیزی در سال ۱۹۶۷ در رشته تاریخ باستان از دانشگاه لیدن فارغ‌التحصیل شد. وی بنیانگذار و سرپرست کارگاه‌های هخامنشی‌پژوهی در هلند بود.

- جیمز موریه (به انگلیسی) James Justinian Morier: ۱۷۸۰ از میر - ۱۹ مارس ۱۸۴۹ برایتون) دیپلمات و نویسنده بریتانیایی قرن نوزدهم و مأمور سیاسی مقارن با سلطنت فتحعلیشاه قاجار در ایران بود.

- رابرت کریپورتر به انگلیسی) Robert Ker Porter: زاده ۱۷۷۷ میلادی، مرگ ۱۸۴۲ میلادی) یک جهانگرد و دیپلمات و نویسنده انگلیسی بود. وی در سال ۱۸۱۸ میلادی از پاسارگاد

بازدید کرده‌است. او اولین کسی است که پی برد بنایی که به مشهد مادر سلیمان معروف است همان آرامگاه کوروش بزرگ است.

- فردیناند یوستی به آلمانی (Ferdinand Justi): زاده ۲ ژوئن ۱۸۳۷ در ماربورگ، آلمان - در گذشته ۱۷ فوریه ۱۹۰۷ در ماربورگ، آلمان (ایران‌شناس آلمانی بود. او در ۲۸ سالگی به استادی دانشگاه ماربورگ رسید و به تدریس زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی و زبان‌های ایرانی پرداخت. وی چند اثر ارزنده در زمینه زبان‌های اوستایی، پهلوی، کردی و نیز تاریخ مشرق‌زمین به‌ویژه تاریخ ایران تألیف کرد که نامنامه شاخص‌ترین آنهاست. در این کتاب، نام‌های ایرانی از قدیم‌ترین ایام تا روزگار مؤلف، براساس اوستا و منابع پهلوی و آشوری، عیلامی، یونانی، لاتینی، ارمنی، سریانی، عربی، و فارسی درج شده‌است.

- گئومات یا گئوماتا (به پارسی باستان: )، نام مگی بود که به نوشته کتیبه بیستون وانمود کرد که پسر کوروش بزرگ، بردیا (اسمردیس) است و تخت پادشاهی را از آن خود کرد. هیچ رویدادی به اندازه تحول جانشینی داریوش اول بر کمبوجیه دوم، به طور مفصل در تاریخ مکتوب هخامنشیان نیامده و در موردش بحث نشده است. در سال ۵۲۱ پیش از میلاد کمبوجیه در راه بازگشت از مصر می‌میرد. گئومات مغ (بردیای دروغین) با فریبکاری و زورستانی با طرح معرفی خود با نام بردیا فرزند کوروش بزرگ تخت پادشاهی را مالک می‌شود. بعد از آن داریوش یکم از خویشاوندان کوروش با یاری جمعی از نجیب‌زادگان پارسی، گئومات را کشت و به پادشاهی رسید.

- کمبوجیه دوم، پسر کوروش بزرگ  
- و توفرادات یکم نام یکی از پادشاهان محلی پارس در دوره سلوکیان است که در سال‌های بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ پیش از میلاد، حکومت می‌کرد.  
- اصطخر یا استخر شهری باستانی است که در استان فارس ایران واقع است. اصطخر از بزرگ‌ترین شهرهای دوران خود بوده و به گفته تاریخ نویسان چهار دروازه داشته که امروزه یکی از آنها در سرپیچ دوراهی مرودشت ارسنجان قرار دارد و دیگری در جنوب مرودشت کنونی قرار داشته‌است.

- علی سامی (زاده ۱۲۸۹ ش در شیراز - مرگ ۲۲ مرداد ۱۳۶۸ (نویسنده، محقق و استاد دانشگاه، باستان‌شناس و رئیس مؤسسه باستان‌شناسی تخت جمشید بود. مرمت آرامگاه کوروش بزرگ در سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی وی انجام شد. وی فرزند آقابزرگ از شاعران و نقاشان کازرونی است .
- نورا الیزابت مری بویس (۲ اوت ۱۹۲۰-۴ آوریل ۲۰۰۶) استاد دانشگاه و پژوهشگر در رشته مطالعات زرتشتی بود. او در ۲ اوت ۱۹۲۰ در دارجیلینگ در کشور هند دنیا آمد. پدر او از قضات دستگاه حکومتی بریتانیا در هند، و مادرش نوهٔ مورخ انگلیسی بنام سموئیل گاردنر بود.
- لیکیه (به یونانی Λυκία) ناحیه‌ای در آناتولی در جایی قرار گرفته که اکنون بخشی از استان‌های آنتالیا و موغله ترکیه است. این ناحیه شامل چندین شهر باستانی بوده‌است. لیکیه از شهرهای باستانی و در ۱۶۸ پیش از میلاد بنیانگذاری گشته و در زمان روم یکی از استان‌های این امپراتوری بوده‌است. مرزهای این شهر در طی زمان جابجا شده‌است.
- کاریا (کاری یا کاریه) سرزمینی است در جنوب غربی آسیای کوچک در کرانه دریای اژه که از طرف مغرب و جنوب محدود به دریا بوده. کاریا یکی از شهرهای (ساتراپی‌های) ده‌گانهٔ هخامنشیان در آسیای کوچک بوده و جنگجویان آن جزء سپاهیان ایران بشمار می‌رفتند.
- دیوید استروناخ (به انگلیسی David Stronach: باستان‌شناس اهل اسکاتلند و کارشناس تاریخ ایران و عراق است که هم اکنون استاد دانشگاه برکلی است.
- فرانتس هاینریش وایسباخ (به آلمانی) (Franz Heinrich Weißbach) زاده ۲۵ نوامبر ۱۸۶۵ در کمیتز، مرگ ۲۰ فوریه ۱۹۴۴ در مارکلیبرگ (یک خاورشناس آلمانی بود که از سال ۱۸۸۸ تا ۱۹۳۵ در دانشگاه لایپزیگ کار میکرد. وی در اواخر قرن نوزدهم میلادی از ایران نیز بازدید کرده و نوشتاری با عنوان "آرامگاه کوروش و سنگ‌نبشته‌های مرغاب" در مورد تحقیقاتش در پاسارگاد نوشته است وایسباخ در سال ۱۹۴۴ بر اثر بمباران هوایی مناطق غیر نظامی آلمان توسط متفقین در جنگ جهانی دوم کشته شد.
- الکساندر دماندت (به آلمانی) (Alexander Demandt): تاریخ‌نگار اهل آلمان است. او استاد تاریخ باستان دانشگاه آزاد برلین از سال ۱۹۷۴ تا ۲۰۰۵ بود. دمانت صاحب‌نظر برجسته‌ای در زمینهٔ تاریخ روم است.
- سعیدی، فرخ (۱۳۷۸)، راهنمای تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد، پازینه، تهران.

## بررسی همنشینی گل، بوته و انسان در تزیینات سرستون های عمارت باغ ایرانی فلاحتی ایلام براساس نظریه ی آشنایی زدایی

معصومه صفایی نیا<sup>۷۲</sup> لیلا رشواد<sup>۷۳</sup>

### چکیده:

زندگی انسان ها و اقلیم آنها همواره متأثر از هنر بوده و این موضوع در بررسی های تاریخی و باستانی به خوبی دیده می شود. تأثیرپذیری از هنر، بخش عمده ای از ابعاد مختلف زندگی انسان ها را در بر گرفته است. از جمله این تأثیرپذیری را در بناهای معماری می توان به خوبی مشاهده کرد. نظریه آشنایی زدایی که در حوزه ادبیات مطرح شد. بعد ها به دلیل قوام و پختگی اش، در دیگر رشته ها و شاخه های هنری نیز مورد بررسی قرار گرفت. آشنایی زدایی یعنی غریبه کردن مفاهیم آشنا و عادی شده تا بتوان به آن ها تازگی دوباره بخشید. بر این اساس، کار اصلی هنر ایجاد تغییر شکل در واقعیت است. با در نظر گرفتن این دیدگاه، تلاش شده تا در این نوشتار برخی عناصر بکار رفته در تزیینات سرستون های عمارت مرکزی باغ ایرانی فلاحتی ایلام (همنشینی گل و بوته و انسان) مورد توجه قرار گیرد. از جهتی به لحاظ اهمیت هنر و نقش تزیینات در بناهای تاریخی، مفهوم پردازی اشکال هندسی، نقوش سنتی به خصوص گل و گیاه و انسان، همنشینی این نقوش و عناصر با بهره گیری از روش توصیفی تحلیلی، مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** آشنایی زدایی، عمارت فلاحتی، تزیینات گچبری، سرستون، تزیینات گل و گیاه.

<sup>۷۲</sup>. کارشناسی ارشد پژوهش هنر - مدرس دانشگاه - massomehsafaeinia1397@gmail.com

<sup>۷۳</sup>. کارشناسی ارشد هنرهای تصویری - مدرس دانشگاه

## آشنایی زدایی

آشنایی زدایی<sup>۷۴</sup>، مفهومی منبعث از نظریات نقد ادبی و هنری است که نخستین بار توسط ویکتور اشلوفسکی فرمالسیت روسی، در ۱۹۱۹م. در رساله «هنر» مطرح شد. پس از شکوفسکی، «یاکوبسن» و «تینانوف» از مفهوم «آشنایزدایی» به عنوان بیگانه سازی در متن های ادبی نام بردند. «ژان وپل سارتر» فیلسوف اگزیستانسیالیست فرانسوی واژه **Estrangement** در زبان انگلیسی برای بیان آن (آشنایی زدایی) به کار برد. آشنایی زدایی در پی آن است که در خواننده و شنونده تأثیر بگذارد و او را به اوج لذت برساند، پس برای این منظور، دنیای آشنا و معمولی زبان را در هم می ریزد. به زبانی ساده، آشنایی زدایی سعی در انتقال حس، توسط آثار هنری و ادبی دارد؛ اما نه آنگونه که شناخته شده هستند، بلکه آنگونه که احساس می شوند. در اثر هنری و یا ادبی روند ادراک به گونه ای تعبیه شده که حس و ادراکی متفاوت عرضه می کند که در زندگی طبیعی بسیار معمول و عادی به نظر می رسد. شکوفسکی در کلیت به این باور است که هنر، ادراک حسی ما را دوباره سامان می دهد و در این مسیر قاعده های آشنا و ساختارهای به ظاهر ماندگار واقعیت را دگرگون می کند؛ یعنی از دید او: هنر عادت مان را در فرایند ادراک حسی تغییر می دهد و هر پدیده آشنا و مفهوم مبتنی بر دریافت عادت را - که آشنا برای ما است - نا آشنا و بیگانه می سازد که همین بیگانه سازی و «ناآشنایی» را می توان به گونه ای، «آشنایی زدایی» از مفاهیم و پدیده دانست. این مفاهیم و پدیده ها - چه در حالت عینی و چه هم در حالت ذهنی - می توانند در متن های ادبی و به همین قیاس در گونه های مختلف هنری و گونه های متعدد آن باهمین رویکرد شکل بگیرند. یکی از روش هایی که برای شناخت از رویکرد «آشنایی زدایی

74. Defamiliarization

«به صورت کل برشمرده شده و روش بسیار بنیادی هم تلقی می شود. آشنایی زدایی به خاطر شکستن هنجارها و نظم هایی است که به آن ها عادت کرده ایم و به منظور خلق نوآوری و تازه گی در فرآورده های هنری، شکستادن این هنجارها و نظم ها، بسیار مهم و ضروری پنداشته می شوند. "شکلوفسکی" درنوشته ای زیرنام "هنرمانند یک شگرد"، رویکردآشنایی زدایی را در کلیت، دیدن پدیده ها به گونه نامتعارف، غیر معمولی و غیرطبیعی می داند و می نویسد: "آشنایی زدایی؛ یعنی دیدن چیزها (پدیده ها) خارج از زمینه معمولی و طبیعی شان." این توجیه به گونه روشن می رساند که برهم زدن قاعده ها و هنجارهای آشنا و در واقع آشنایی زدایی به مفهوم ایجاد دید تازه و نگاه جدید در فرآیند آفرینش هنری است که هنرمند با همین روش آشنایزدایی، دنیای نادیده، نا آشنا و تازه ای را باید کشف کند و سپس به ارایه ی آن پردازد. این شگرد قادر است در مخاطب درک و دریافت جدیدی از جهان پیرامون ایجاد کند که تاکنون تجربه نشده است. وقتی هنرمندی از یک منظره طبیعی تابلویی را ترسیم می کند، از زبان و عناصر بصری بهره می برد که خود مانعی است برای ساده انگاری و سطحی دیدن و نگاهی گذرا. این آشنایی زدایی در سطح زبان است (مکاریک، ۱۳۸۳: ۱۳).

### پیشینه مطالعات انجام شده

بررسی های انجام شده نشان می دهد که در باره نقش گل و گیاه در آثار هنری دوره قاجاریه و نیز آشنایی زدایی در هنر، تحقیقات و پژوهش های زیادی در مراکز علمی و دانشگاهی صورت گرفته است. در این رابطه می توان به آثار متعددی اشاره نمود. به لحاظ اختصار در این نوشتار محدود به مواردی اشاره می شود از جمله: الهه پنجه باشی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان مطالعه تحلیلی و تطبیقی نقشمایه مرغ در نقاشی های گل و مرغ لطفعلی شیرازی به نقش گل و گیاه و مرغ در نقاشی دوران قاجار می

پردازد و با بررسی نقاشی های لطفعلی شیرازی نشان می دهد نقاشی گل و مرغ در دوره قاجار بازتاب تخیل شاعرانه هنرمندان بخصوص لطفعلی شیرازی است و مرغ در عین واقع گرایی، نماد گرایانه بوده و دارای ظرافت و مهارت بیشتری در ترکیب بندی، طراحی و رنگ گذاری است و کوچک تر از گل تصویر شده است. خانه شاکری قم از جمله خانه های ساخته شده در اواخر دوره قاجار است که در بافت قدیمی قم قرار دارد و با عناصر بکار برده شده در تزیینات سرستون های عمارت ایجاد شده در محوطه مرکزی باغ ایرانی فلاحتی در شهر ایلام قابل مقایسه است. این خانه به نوعی معرف تزیینات دوران قاجار می باشد که این تزیینات، تجلی معانی و مفاهیم روحانی ایرانی- اسلامی است. از جمله تزیینات استفاده شده در این خانه می توان به نقوش انسانی و گیاهی در سرستون های آن اشاره کرد. سرستون های به کار رفته در سردر ورودی این بنا، دارای نقش برگ نخل و کنگر هستند؛ اما در سرستون های به کار رفته در داخل ایوان ها از نقش فرشتگان استفاده شده است که این نقوش در دوران پیش از قاجار در معماری اسلامی جایگاه خاصی نداشته است (مؤمنی و همکاران؛ ۱۳۹۴:۱۲۸).

### عمارت فلاحتی

این مجموعه در خیابان آیت الله حیدری و محله شادآباد (از محلات قدیمی ایلام)، از دوره قاجار و اوایل سلسله پهلوی برجای مانده است. کاخ فلاحتی در بخش مرکزی یک باغ منظم ایرانی ساخته شده و یک رشته قنات آب باغ را تأمین می کند. این مجموعه خیابان ها و راهروهای منظمی داشته و گونه های مختلف درختانی که با اقلیم این منطقه سازگار بوده، در ردیف های منظم و قطعات باغ به چشم می خورد. متأسفانه در سال های اخیر با احداث ساختمان جهاد کشاورزی و تأسیسات مربوطه این باغ

ارزشمند ایرانی موقعیت تاریخی خود را از دست داده است. در سال ۱۳۹۰ با محصور کردن عمارت مرکزی و تبدیل آن به موزه کشاورزی اقداماتی در راستای بازسازی و حفظ این میراث تاریخی صورت گرفته است. این کاخ به دستور غلامرضاخان والی پشتکوه در سال ۱۳۲۶ هـ ق احداث گردیده است. قبلاً فضایی که کاخ در آن قرار گرفته کاملاً باز و باغ‌های میوه اطراف آن زیبایی خاص به آن بخشیده بود (محمودیان، ۱۳۹۶: ۵۰). عمارت فلاحتی ایلام دارای ۷ اتاق و یک ایوان به شکل مستطیل می باشد. ایوان عمارت با عرض برابر ۹۰/۲ سانتی متر بر روی شش ستون قرار دارد، تمامی اتاق ها و درها بازشویی هایی به ایوان دارند، دیوارهای عمارت فلاحتی در ایلام از بیرون دارای تزئیناتی به صورت برجسته به وسیله آجر و گچ بری هایی در اطراف پنجره ها می باشد. در فضای داخلی کاخ هیچ گونه تزئینات و نقش و نگاره هایی وجود نداشته و فقط سه طاق نما در قسمت شاه نشین، چهار در وردی فرعی در ضلع جنوبی کاخ وجود دارد، درها و پنجره های کاخ از چوب ساخته شده و در نعل درگاه های پنجره ها و درهای وردی ها قوس ها نیم دایره جناغی و بیضی خوابیده استفاده شده است. دیوارهای کاخ از بیرون دارای تزئیناتی به صورت برجسته به وسیله آجر و گچ بری هایی در اطراف پنجره ها می باشد. در جلوی کاخ یک حوض مستطیل شکل قرار دارد. این بنای تاریخی به دلیل ویژگی های خاص معماری در تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱ به شماره ۱۷۵۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. در سال های اخیر مجموعه عمارت به موزه تاریخ کشاورزی شامل ۴ فضای نمایشی اختصاص یافته است. فضای اول: در این فضا ابزارهای سنگی تپه پیش از تاریخ علی کش که مربوط به ۸ هزار سال قبل از میلاد می باشد، ابزارها شامل: تیغه، ریز تیغه، خراشنده از جنس چخماق، ابسیدین، کوبه و سنگ معمولی است. فضای دوم: در این فضا کشاورزی

به شیوه سنتی و مراحل کاشت، داشت و برداشت به نمایش گذاشته شده است. این بخش شامل مراحل کاشت، داشت و برداشت است. فضای سوم: در این فضا، گیاهان دارویی و آسیاب دستی و شیوه آسیاب نخود و غلات به نمایش گذاشته شده است. فضای چهارم: به بخش پژوهش و تحقیقات موزه، کتابخانه و مرکز اسناد در موزه تاریخ کشاورزی اختصاص یافته است.



نمایی از کاخ فلاحتی ایلام

### تزینات سرستون ها

اما اینکه همنشینی گل و گیاه و انسان در تزینات سرستون های این بنا و بناهای مشابه بازتاب چه رویداد و یا نماد و مفهوم انسان شناختی و یا روش و الگوی کدام رفتار اجتماعی است سؤال برانگیز است. و نیاز به مطالعات جامعه شناختی مقطع زمانی ایجاد چنین اثری است. آثار گل و مرغ در دوره صفوی و قاجار ریشه در ادبیات و عرفان اسلامی دارند. نقاشی گل و مرغ در ادامه هنر سنتی نگارگری که هنری سنتی - اسلامی و قدسی است بوجود آمد و رشد و نمود آثار هنری اسلامی بر زمینه ای از اندیشه های عرفانی و اسلامی بوده است. اندیشه های نمادین پیرامون گل و گیاه،

پرندگان و باغ بهشت و نیز اهداف و غایات توحیدی هنر سنتی - اسلامی است که در نگارگری و در نمایش باغ بهشت نمود یافته است و به همراه اهداف توحیدی نهفته در عرفان اسلامی جملگی در ادبیات و زبان پارسی - در سنت ادبی گل و بلبل و داستان مرغان روح - قابل پیگیری است.



گل و گیاهان قبل و بعد از اسلام نمادی برای آب، پاکی‌ها و خوبی‌ها، کمال، رشد و تعالی، ایزدان، جاودانگی، ذات یگانه پروردگار و خلاصه باغ بهشت و پرنده (مرغ) مهمترین نماد برای نمایش روح انسان بوده است. باغ بهشت قبل از اسلام مکان نیکوکاران، فرشتگان، فرّوشی‌ها (روان‌های نورانی) و پس از اسلام باغی سرسبز با نهرهای جاری، مأوای نیکوکاران، جایگاه نفس مطمئنه (نفس نورانی) مکان جاودانگی بوده است.



در مرکز این باغ درخت سدره المنتهی (طوبی) قرار دارد. در نتیجه به طور کلی گیاه (گل، درخت) نمادی از ذات یگانه پروردگار و خلاصه باغ بهشت و پرنده نمادی از روح انسان نیکوکار است و ترکیب دو نماد گیاه و پرنده می‌تواند نمایشی از حضور انسان در باغ بهشت باشد (خرمی، ۱۳۹۵). در سرستون‌های عمارت فلاحتی گچ‌نگاره‌های زیبایی دیده می‌شود که پیکره‌های انسان در میان گل و گیاه احاطه شده است. در دیدگاه معمول و در ادبیات روزمره می‌توان چنین توصیف کرد که این سرستون‌ها تنها با هدف زیباشناسانه و جلوه‌گری در بنا ساخته شده‌اند و هدف و کارکرد دیگری ندارند. اما با کمی تأمل و دقت می‌توان به خوبی دریافت که معمار این بنا هدفی والاتر و مهمتر از اهداف معمول را در پی گرفته و با مهارت خاصی این تزیینات را در سرستون‌ها به کار برده است. تندیس‌ها و گچ‌بری‌هایی که زنان و مردان را در کنار هم قرار داده و ارزشی یکسان را برای آنها قائل شده است که از جهات مختلف به ویژه از نظر جایگاه ارزشی و مساوی بودن زن و مرد در خانواده دارای اهمیت می‌باشد. از طرفی هم، می‌توان ردپای اقلیم و جغرافیا را در این اثر به خوبی مشاهده کرد. گل و گیاه شاید در این نقش‌ها انعکاسی از مردمان اقلیم کوهستانی ایلام باشد که

همیشه با طبیعت در تعامل بوده و از آن تاثیر گرفته اند. حکاکای تندیس زن و مرد در کنار هم در این بنا در حالی که در میان گل و گیاه احاطه شده اند نشان از این دارد که در این منطقه از کشور مرد و زن در کنار هم به صورت مساوی دیده شده اند و لذا همه از طبیعت بهره برداری نموده اند و تبعیضی بین آنها دیده نشده است.



گچ نگاره ها و تزیینات سرستون های عمارت فلاحتی



گچ نگاره ها و تزیینات سرستون های عمارت فلاحتی



نقش برگ کنگر در سرستون های ورودی خانه شاکری قم



نقش فرشته در سرستون های داخل حیاط

### نتیجه گیری

عمارت فلاحی در بخش مرکزی یک باغ منظم ایرانی ساخته شده و یک رشته قنات تامین کننده این باغ ایرانی است. در گذشته این مجموعه دارای خیابان ها و راهرو های منظم بود و گونه های درختانی که با اقلیم این منطقه هم خوانی داشته در ردیف های منظم و قطعات باغ به چشم می خورد (محمودیان، ۱۳۹۵: ۵۰). این عمارت بنا به دستور غلامرضا خان والی پشتکوه در سال ۱۳۲۶ ه.ق احداث گردیده است. نقشه درونی آن به صورت دو اتاق تودرتو در اطراف و یک هالی بزرگ در وسط می باشد و در جلوی هال یک ایوان قرار گرفته که در اتاق ها و هال به آن باز می شوند. دو طرف اتاق ها به صورت چند ضلعی منظم بیرون آمده و بین آنها دو تراس قرار دارد و

در هر دو طرف پنجره ای به ابعاد ۱ \* ۲ متر تعبیه شده که با طاقی نیم دایره ای و گچ بری های زیبایی با نقوش انسانی و گل و گیاه مزین شده است. استفاده از نقوش گل و گیاه و انسان در تزیینات بناهای ساخته شده در دوران قاجاریه معمول بوده است. اما به نظر می رسد کارکرد و مفهوم این نقوش در ادبیات و بناهای تاریخی این دوران متفاوت بوده و به گونه ای می توان چنین تعبیر کرد که آشنایی زدایی در این مفاهیم ظاهری برای مخاطب صورت گرفته است. از جمله اینکه گل و گیاه در ادبیات این دوران همواره با مرغ و پرنده همراه بوده و معنایی عرفانی و معنوی به آن بخشیده است. هر جا مرغ با گل و گیاه همراه شده نمادی برای نمایش روح انسانی، تجلی بهشت و منزلگاهی زیبا برای او بوده است؛ اما همنشینی گل و گیاه و انسان در بناهای قاجاری شهر ایلام از جمله عمارت فلاحتی، بیشتر حول محور کارکردهای اجتماعی و متناسب با اقلیم منطقه به کار برده شده است. از جمله اینکه محصور شدن تندیس انسان در میان گل و گیاه نشان از عجین بودن مردمان این سرزمین کوهستانی با طبیعت دارد. از طرفی چنین به نظر می رسد، معنای دیگر این همنشینی حکایت از هم ردیف بودن منزلت و شأن زن و مرد و نگاه یکسان به ایشان در این منطقه از دوران گذشته، دارد. بررسی ها نشان می دهد آثار مختلف و متعددی در کشور از دوره قاجار و قرون متأخر اسلامی برجای مانده که بخشی از عناصر معماری آن ها با بهره گیری از تزیینات مشابه با تزیینات سرستون های عمارت والی ایلام انجام شده و قابل مقایسه است. به عنوان نمونه می توان به خانه شاکری قم اشاره کرد که در بافت قدیمی قم قرار دارد و با عناصر بکار برده شده در تزیینات سرستون های عمارت ایجاد شده در محوطه مرکزی باغ ایرانی فلاحتی در شهر ایلام قابل مقایسه است.

### منابع و مآخذ:

- خرمی، مهناز؛ (۱۳۹۵)، پایان نامه «گل و مرغ نماهای بهشت در هنر صفوی و قاجار»، دانشگاه پیام نور استان تهران
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۹۵)، میراث ماندگار (تمدن و فرهنگ ایلامیان)، انتشارات زاگرو، چاپ اول.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۸۷)، باستان شناسی از دیدگاه انسان شناسی، انتشارات زاگرو، ایلام.
- مکاریک، ریما؛ (۱۳۸۳)، ترجمه: مهران مهاجر، محمدنبوی، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، انتشارات آگه، تهران
- مؤمنی، کوروش؛ (۱۳۹۴)، بررسی تزیینات خانه های قاجاری شهر قم (مطالعه موردی خانه شاکری قم)، فصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی.

## Archaeological survey of pre-Elamite settlements on the plains of the west side of Zagros

Dr. Habibolah Mahmoodian

### Abstract

The western part of Zagros has been a place of civilization and culture for a long time due to proper conditions and geographical location. Mountain valleys, inter-mountain plains, natural caves, dense forests, slopes, fertile lands, important and abundant rivers have provided the conditions for the settlement and life of humans. The number and variety of works and the ancient buildings and sites in this geographical area and the study of cultural evidences and identifiers left over from the settlement period, it tells the truth that humans in this region about eight thousand years BC has been used two species of plants (wheat and barley) and also two species Livestock (sheep and goat). These conditions show that in this area of land where Elamite civilization and culture were formed, there were pre-Elamite settlements. According to historical and archeological studies, the Elamites have ruled in the southwestern region of Iran since the end of the fourth millennium or the beginning of the third millennium BC. About 25 centuries of the famous dynasties of Elam (Avan, Simash, Epart, Ikhalki, Shutrok and New Ilam), the formation of government dynasties, they have been the guardians of Iran's civilization and culture. Archaeological excavations show that in addition to the political and military developments of Ilam with the neighboring civilizations, they have made progress in various fields of civilization. In this article, this goal is followed to introduce some of the pre-Elamite settlements in the marginal plains of Western Zagros based on archaeological findings.

**Keywords:** Seymare, Chega Ahovan, Parchineh, Meimeh, Dehloran, Chega Golan, Sarni.

## **Gahan, the oldest poems of Zoroaster with easy reading**

Dr. Hossain Aazami, Dr. Parisa Pourmohammadi

### **Abstract**

The oldest and holliest part of the Avesta is Gahan, Gaths or Gathas. Gath means a song or a poem, that is a poem in the middle of a prose. These poems' rhyme were like the other ancient Iranian poems' rhyme, but not like Arabian Poetry's rhyme. Liturgy and prayers that are the words of Zoroaster himself and people have always had a special look at them. The poems are the oldest works that have been left for today's Iranian's literary, and thus, they are different from other parts of the younger Avesta in terms of grammar and content.

Investigations show that the prose parts of Gahan's poems have been lost and only poetic or verse fragments remain. Therefore, it can be said that today all the poems of the Sassanid period are available. Because it has a dignity and status that is carefully remembered and has remained until today. In this article, an attempt is made to introduce the content of these ancient poems with a new reading of Gathas. May the delivery of this translation reduce some of the difficulties of these old and difficult songs and make the pure children of Iran to learn the contents of this oldest national patriotic work.

**Keywords:** Gahan, Yasna, SpentaMainiyu, Avesta, Jamasp, Yashts

**Metallurgical studies on the objects obtained from the ancient site Kal Nesar, AI and C,** Dr. Khodakarm Mazaheri, Iraj Fadaian

**Abstract**

Kal Nesar cemetery is located 25 km northwest of Ban Sormeh area, about 2 km west of Chegah village in Chavar city in Ilam province. The number and variety of metal burial goods with the deceased in Kal Nesar calls for the necessity of metallurgical investigations and studies. As the third millennium BC progresses, the amount of metal burial goods gradually increases. Almost no metal artefacts can be associated with Early Bronze Age AI graves. The metal objects found in these tombs, such as beakers, hollow axes and spears, are the only indications of later reuse of the graves.

This shows that one should be careful in assigning the findings of these tombs to specific periods. Usually few burial goods are available, and since almost no skeletal remains have been recorded, it is not always clear or even possible to disentangle whether and how often a tomb was reused. Bronze or copper alloy objects were widely used in the early Bronze Age, but analytical data are needed to distinguish between tin-bronze and other copper alloys. In this article, metallurgical studies on objects obtained from Cal Nassar AI and C have been considered.

**Key words:** metallurgy, copper alloy, Kal Nesar, Gelal Rood, Sar Kabud, Ban Sormeh.

## **Reflection of social-historical changes in the development of nomadic and rural shrines of Ilam province in central Zagros,**

Dr. Ali Noorollahi

### **Abstract**

In this article, the author has investigated the shrines of Ilam province, parts of this article have been taken from two well-known archaeologists in the field of Iron Age in the central Zagros in the west, who have researched in this area for years and Investigated Imamzadeh in Poshtekoh region (modern Ilam). They have provided interesting information in this case, which can open the way for researchers and researchers who study in this field. Also, in this article, very valuable photos of these buildings are presented, which due to the change and renovation of these buildings during the past periods, which continues until now, can provide us and future generations with valuable evidence of the architecture and decorations of these religious buildings, which were built by the people themselves and are the crystallization and extract of their faith.

Due to the limited information in this field, in this article, an effort has been made to provide more complete information in this field, which is certainly much more than the ones mentioned, and to examine the reasons for their formation and architectural developments.

**Key words:** religious places, Peshtkoh, rural basements, religious architecture, plastering.

## **Investigating the historical and archaeological developments of Zoroastrian Kaaba "Kornai Khane" or "Naqare Khane"**

Rahim Tazri, Azadeh Mahmoodian

### **Abstract**

Zoroastrian Kaaba is the name of a square stone building with steps in the ancient site of Naghse Rostam, which is located in Marvdasht, Fars, 7 kilometers northwest of Takht Jamshid. In addition to the mentioned building, the area of Naghse Rostam also contains monuments from the Elamian, Achaemenid and Sassanian periods. Some archaeologists consider the Zoroastrian Kaaba to be the place of preservation of Zoroastrian scriptures (Avesta). From a point of view, it seems that this important ancient work was a studan or the tomb of an Achaemenid king. In some sources, the term Zoroastrian Kaaba is considered new and unscientific, and its history is written around the 14th century AD. Therefore, the local name of this building is Kornai Khaneh or Naqare Khaneh, and the Europeans considered it a special place for worshiping fire "Atashgah" due to the fact that the inside of this building was blackened by smoke.

Field research has provided a new interpretation of this building and considers it an observatory and a solar calendar. On the stone walls of this work, there are several inscriptions in Pahlavi and Greek language.

In this article, an attempt has been made to study and examine this ancient work from a historical and archeological point of view.

**Key words:** Naqshe Rostam, Naqarakhane, Urartu, observatory, Marvdasht, Takhte Jamshid.

# 1. Investigating the coexistence of flowers, bushes and humans in the decoration of the capitals of the mansion of Iranian Falahati garden of Ilam based on the theory of defamiliarization Masoume Safaei, Nia Leila Rashnavadi

## Abstract

People's lives and their climate have always been affected by art, and this issue is well seen in historical and ancient studies. Being influenced by art covers a large part of different aspects of human life. Among other things, this effectiveness can be seen well in architectural buildings. The theory of defamiliarization, which was proposed in the field of literature, was later investigated in other disciplines and branches of art due to its consistency and maturity. Defamiliarization means alienating familiar and normal concepts so that they can be renewed. Therefore, the main work of art is to transform reality. Considering this point of view, an attempt has been made to pay attention to some of the elements used in the decorations of the capitals of the central Iranian mansion of Falahati Garden in Ilam (combination of flowers, bushes and humans).

In terms of the importance of art and the role of decorations in historical buildings, the conceptualization of geometric shapes, traditional motifs, especially flowers, plants, and humans, the coexistence of these motifs and elements have been investigated using the analytical descriptive method.

**Key words:** defamiliarization·Falahati mansion ، plaster decoration ، capital· flower and plant decorations.

### **In this issue you read:**

2. Archaeological survey of pre-Elamite settlements on the plains of the west side of Zagros Dr. Habibolah Mahmoodian
3. Gahan, the oldest poems of Zoroaster with easy reading  
Dr. Hossein Azami, Dr. Parisa Pourmohammadi
4. Metallurgical studies on the objects obtained from the ancient site Kal Nesar, AI and C,  
Dr. Khodakaram Mazaheri, Iraj Fadaian
5. Reflection of social-historical changes in the development of nomadic and rural shrines of Ilam province in central Zagros, Dr. Ali Noorollahi
6. Investigating the historical and archaeological developments of Zoroastrian Kaaba "Kornai Khane" or "Naqare Khane"  
Rahim Tazari, Azadeh Mahmoodian
7. Investigating the coexistence of flowers, bushes and humans in the decoration of the capitals of the mansion of Iranian Falahati garden of Ilam based on the theory of defamiliarization  
Masoume Safaei Nia, Leila Rashnavadi

### **Referees this issue:**

Dr. Haji Karimi  
Dr. Khodakaram Mazaheri  
Dr Karam Adibifar  
Dr. Reza Khani  
Dr. Frangis Darvishi

## **Features**

The articles should be the result of authors' studies.

The article should not be published in another publication

The publication of the paper is subject to the final approval of the quarterly editorial board.

Acceptance of the paper for printing, after approval by the jury.

Responsibility for the content of the article is the responsibility of the author (s).

The magazine is free to edit its literary and technical content without altering its content.

The article should not be larger than the 20 standard pages of the Quarterly.

The full name of the author, grade, university, place of teaching or education, field of study and telephone number of the author are added on separate pages.

Submission of the article is possible only through the e-mail of the Ilam Studies Department.

The titles of tables, images, maps, drawings and charts are listed below with the number (description and mention of the source).

## **Paper structure**

The article should have the following structure:

Abstract, introduction, original text, conclusion, writing, sources and abstract.

Title: The overall title of the article is in a way that expresses the content of the article.

Author's Specifications: Includes name, family, degree, academic degree, and field of study, university where it is taught or studied.

Abstract: A comprehensive description of the article with limited terms, including: problem statement, purpose, research method and research findings. It should be noted that the abstract of the article should not exceed 200 words (12 lines).

Key words: It contains 4 to 7 specialized words that are important.

INTRODUCTION: The main issue is the main problem and the purpose of the research; in this section, research findings in the area of the problem should be briefly discussed

**Original text:** Contains the main text of the article and can be associated with the table, image, and graph.

**Conclusion:** Includes Summary and Conclusion

**Writing:** Important statements which comes after coclution

**Sources:** listing article references based on journal structure

**English abstract:** English abstract should be exactly the translation of the Persian abstract

### **Text style**

The article should be written with the font B zar and the size 13, the distance between the lines of 1.15 (single) and in the word format. Abstract, key words, references in parentheses, poems, and any thing that comes in parentheses should be written in size 11. Direct transcripts of more than five rows, should be come apart from the original text, with a centimeter indent on each side and with the same font, but with a size of 11.

### **Referrals to resources**

References in the article should be documentary and based on valid evidences.

**Reference inside the text:** Author's surname, year of publication: page number(s),

Farsi example: (Negahban, 54: 1376), Latin: (Smith 1999: 33)

**Reference to the book in the section of the final references:** surname of the author, author's name, date of publication (in parentheses), title of the book, name and surname of the translator or editor, volume, print edition, publisher's name,

Place of publication.

**Reference to the article:** author's surname, author's name, date of publication of the work (in parentheses), the title of the article (in parentheses), the name of the author or translator, the main title of the encyclopaedia or the journal, the period or year of publication, Number of article pages.

### **Year of defense (in parentheses), the title of the thesis,**

The defense grade, the name of the supervisor, the name of the university and the school of study.

**Reference to historical documents:** title of document, classification and access number, name of book archive

**Referrals to Internet sites:** Surname of the author, author's name, date of entry in the website (in parentheses), title of article or work (in parentheses), electronic address of the website.

The sources of the paper are arranged alphabetically and based on the author's surname; the sources mentioned at the end of the article are the same sources used within the text.

The title of books and articles in the sources of the end of the article should be mentioned completely. Non-Persian sources should bring after Persian sources.

**Note:** All papers received will be judged by two judges

**Editorial board:**

Dr Karam Adibifar

Specialty: **Sociology**

Dr. Frangis Darvishi

Specialty: Archaeological

Dr. Shahin Heidari

Specialty: Architecture-Energy

Dr. Gholam Hossein Karimi Dousan

Specialty: Linguistics

Dr. Haji Karimi

Specialty: Geohydrology

Dr. Leyla Khosravi

Specialty: Archaeological

Dr. Reza Khani

Specialty: English Language and Literature

Dr. Ali Khaki

Specialty: Structural Architecture

Dr. Ebrahim Moradi

Specialty: Archaeological

Dr. Khodakaram Mazaheri

Specialty: Archaeological

Dr. Lily Niakan

Specialty: Archaeological

Dr. Mohsen Tavakoli

Specialty:

Dr. Siavash Yari

Specialty: History of Islam.

# Quarterly Ilamology Studies Quarterly Specialty

Number 23 \* sixth year, summer 1401

---

**Owner and responsible manager:**

Dr. Habibollah Mahmoodian

**Editor:** Dr. Siavash Yari

**Managing Director:** Azadeh Mahmoudian

**Director of Technical and Media Affairs:**

Omid Mmahmoodian.

**Persian editor:** Ali MohammadNiakan.

**English Editor:** Dr. Parisa Pourmohammadi

**Review Page:** Masoumeh Safaeinia

**License number:** 78809 1395/10/6

**Publisher:** Zagro Publishing

**Number:** 200

**Price:** 120,000 Tomans

